

چشم انداز

CHASHM ANDAAZ

April 1995 No. 40 ניסן תשנ"ה فروردین ۱۳۷۴ شماره ۴۰



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

بهاء ۱/۵ دلار

. . . and Moses stretched out his hand over the sea; and the Lord caused the sea to go back by a strong east wind all that night, and made the sea dry land, and the waters were divided.
(Exod. 14:21)

کیترینگ و رستوران گلات کاشر شارون

کیترینگ انتخابی **نصخ ایسرائل** و هتلهای معتبر لس آنجلس

رستوران شارون صد درصد گلات کاشر زیر نظر ربانوت محترم ایرانی و آمریکایی بوده و لذیذ ترین غذاهای ایرانی و آمریکایی را در اختیار شما میگذارد.

کیترینگ شارون را برای یک شب فراموش ناشدنی انتخاب کنید

18608 1/2 VENTURA BLVD.
TARZANA, CA. 91356

۸۱۸-۳۴۴-۷۴۷۳
۲۱۳-۶۲۲-۱۰۱۰
پیجر: ۸۱۸-۷۷۸-۷۸۱۰







یهودیت را رها کردن یا به آن پیوستن؛ شما کدام را انتخاب کرده‌اید؟

شب دانشگاه

سازمان یهودیان ایرانی تبار مقیم کالیفرنیا (سیامک) تقدیم می‌کند

برنامه‌یی استثنایی در جهت آموزش و آشنایی با مبانی و فلسفه یهودیت

با همکاری UNIVERSITY OF JUDAISM

سازمان سیامک به منظور توسعه و شناخت هر چه بیشتر یهودیت اقدام به برگزاری کلاسهایی با همکاری UNIVERSITY OF JUDAISM نموده است. این کلاسها توسط زبده‌ترین اساتید دانشگاه و شخصیت های شناخته شده یهودی در UNIVERSITY OF JUDAISM به مدت ۸ هفته تدریس خواهند شد.

کلاسهای ارائه شده در این برنامه عبارتند از:

۱ - کلاس مقدماتی عبری

۲ - آشنایی با فلسفه و مبانی یهودیت

۳ - شناخت کبالا

۴ - نقش زنان و اهمیت آن در یهودیت

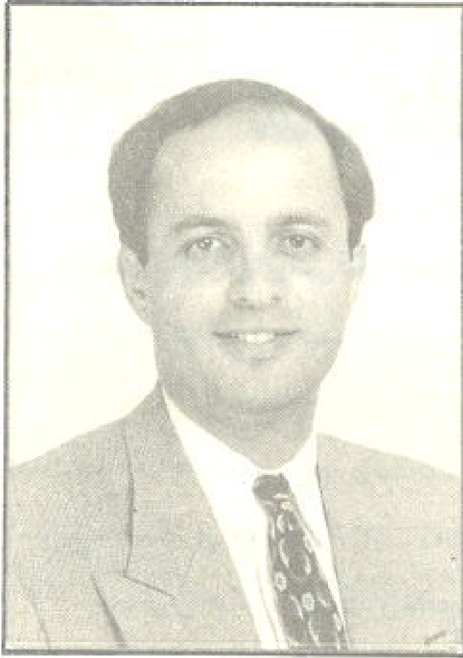
۵ - راهنمای ازدواج ایده‌ال

۶ - راهنمای رشد شخصیتی

تاریخ شروع کلاسها هفته اول ماه می ۱۹۹۵ و ساعت شروع کلاسها ۸ شب به مدت ۸ هفته می‌باشد.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به قسمت انگلیسی مراجعه فرمائید.

تلفن اطلاعات ۴۷۹۸-۴۷۹-۳۱۰



دکتر بیژن عافار

متخصص جراحی لثه وکاشتن دندان (ایمپلنت)

استادیار UCLA در بخش جراحی های لثه

عضو انجمن جراحان آمریکا

عضو انجمن دندانپزشکان آمریکا وکالیفرنیا

B.AFAR,D.D.S.,M.S.

Periodontics & Implant Dentistry

Fellow Of International Congress Of Oral Implantologist
Associate Fellow Of American College Osseointegration

جراحی لثه ـ کاشتن دندان (ایمپلنت) ـ ترمیم لثه بدون جراحی ـ پیوند استخوان با آخرین متد Gore-Tex پیوندلثه ـ درمان فرونشستگی لثه ـ ازبین بردن بوی بد دهان ـ جراحی ترمیمی و زیبایی لثه

مطب ها در :

سنچوری سیتی

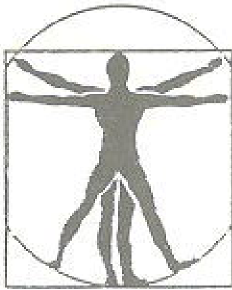
10350 Santa Monica Bl., # 190
Los Angeles, CA 90025

(310) 557-1547

ولی

18607 Ventura Blvd., # 209
Tarzana, CA 91356

(818) 784-4867





دکتر روزبه مسرور
در
میدولی کایروپراکتیک سنتر
درمان

- آرتروز
- سیاتیک
- درد مفاصل، ستون فقرات
- دردهای عضلانی
- صدمات ورزشی، کار و تصادفات
- سردردهای مزمن
- دیسک
- گرفتگی گردن و پشت
- بی‌حسی انگشتان دست و پا
- دردهای دست و پا

بدون دارو و جراحی

عضو انجمن کایروپراکتورهای کالیفرنیا و دکتر انتخابی دولت کالیفرنیا

MID VALLEY CHIROPRACTIC CENTER

Dr. Rouzbeh Masrour

19231 Victory Blvd., Suite 550A
Reseda, CA 91335

Tel.: (818)705-0736

MISSION HILLS
MEDICAL & ORTHOPEDIC CENTER

مرکز ارتوپدی میشن هیلز
متخصص کلیه صدمات و ارتوپدی و اعصاب

- گردن درد - سر درد - پشت درد
- بی حسی عضلات
- پزشک خانوادگی و چک آپ کامل سالیانه

دکتر صیون نوبل
SION NOBEL, M.D.

متخصص در امور حقوقی و پزشکی ناشی از کار و تصادفات

818 361-0115
IMMEDIATE APPOINTMENTS AVAILABLE

10306 N. Sepulveda Blvd. (at Devonshire) Mission Hills, CA 91345
Next to Bank of America

نیازمندیهای جامعه

تعلیم برمیتصوا، بت میتصوا
● ۸۱۸-۷۵۷-۲۶۴۸

کیترینگ
● کیترینگ گلت کاشر بهادر
۸۱۸-۶۰۹-۷۱۳۵
● کیترینگ گلت کاشر شادی
۳۱۰-۶۵۹-۵۹۸۲
● کیترینگ گلت کاشر شارون
۲۱۳-۶۲۲-۱۰۱۰
● فلافل ویلیج
۸۱۸-۷۸۳-۱۰۱۲
● کیترینگ گلت کاشر یافا
۲۱۳-۶۵۶-۹۲۳۲
● سازمان جشن ها
۸۱۸-۸۸۴-۰۰۵۴

مواد غذایی
● بستنی اکبر مشدی
۲۱۳-۸۷۴-۰۱۴۴

داروخانه
● وست ساید ویلیج
۳۱۰-۴۷۴-۴۲۲۲

عینک فروشی
● وست وود ویژن
۳۱۰-۴۴۱-۱۷۹۷

بادی شاپ
● کریج بادی شاپ
۸۱۸-۷۸۴-۱۲۳۴

پزشک کودکان
● دکتر عزیزالله نورمند
۳۱۰-۸۲۹-۲۳۱۱
۸۱۸-۹۰۵-۵۵۵۲

کایروپراکتیک
● دکتر روزبه مسرور
۸۱۸-۷۰۵-۰۷۳۶
● دکتر صیون نوبل
۸۱۸-۳۶۱-۰۱۱۵

دندانپزشک
● دکتر سهیل خدادادی
۳۱۰-۲۷۱-۳۰۰۳
● دکتر بیژن عافار
۳۱۰-۵۵۷-۱۵۴۷
۸۱۸-۷۸۴-۴۸۶۷

● دکتر ربرت خانیان
۸۱۸-۹۹۰-۶۹۸۱

وکیل
● مارتین ولف
۳۱۰-۲۰۵-۲۰۳۳
● فریبا سلیمانی
۸۱۸-۷۸۴-۰۳۵۵

خرید و فروش املاک در اسرائیل
● رحیم یعقوبیان
۳۱۰-۸۵۸-۸۳۴۹
● ABLE INVEST
۸۱۸-۷۸۹-۴۸۹۴
● جمشید شبان
۰۳-۵۴۶-۵۵۳۱
● گروه داوید
۳۱۰-۶۵۹-۲۶۵۹

پوشاک
● نینوفرتی
۳۱۰-۴۷۷-۱۷۱۰
● جوراب تیفانی
۲۱۳-۷۴۸-۸۸۲۳

تعلیم موسیقی
● پیمان اخلاقی
۳۱۰-۸۲۰-۸۲۶۱

تعلیم نقاشی
● شهرام فرشاد فر
۳۱۰-۲۸۱-۶۰۱۵

بیمه
● ایرج منیفی
۸۱۸-۷۸۱-۰۴۰۱
● ریتا فرشاد فر
۳۱۰-۲۶۲-۰۱۰۱

وام
● افسانه مهدی پور
۳۱۰-۲۰۷-۳۰۰۰

حسابداری
● سهیل دردشتی
۷۱۴-۹۶۶-۱۲۱۲
● ژوزف ظهیری
۴۰۸-۲۹۲-۳۸۰۰

هیپنوتیزم
● بهنام رفیع
۳۱۰-۶۵۷-۲۵۲۵

چشم انداز

Published By;
International Judea Foundation
P.O.Box: 3074 Beverly Hills,CA 90212

سردبیر: داریوش فاخری
همیاران: شهرام سیمان
مهندس آشر آرام نیا
سردبیر بخش انگلیسی: ژنی اسحاقیان
سردبیر قسمت پزشکی: دکتر نیسان بامداد
سردبیر بخش عبری: داوید فاخری
با همگامی: مترجمین وگزارشگران چشم انداز

چشم انداز، نشریه ایست برای بازتاب افکار و دست آورد های یهودیان دنیا. هدف ما، روشنگری واقعیت های یهودیت، مسایل، آرزوها و امید یهودیان ـ مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف های بشردوستانه انسان های جهان می باشد.
نظر های نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم انداز نیست.
نقل مطالب چشم انداز، باذکر مأخذ، مجاز می باشد.
چشم انداز، در انتخاب مقاله های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی ها، به عهده ی صاحبانشان است.
نوشته های رسیده، بازپس فرستاده نمی شود.
نامه های بدون نام و نشانی، قابل استفاده نخواهد بود.
درصورت تمایل، ازمقالات شما ،با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا، استفاده می شود.

تایپ ست توسط: مینو حمودوت ۵۱۷۳-۲۷۴-۳۱۰

چشم انداز
(۳۱۰)۴۷۹-۴۷۹۸

در این شماره می خوانید

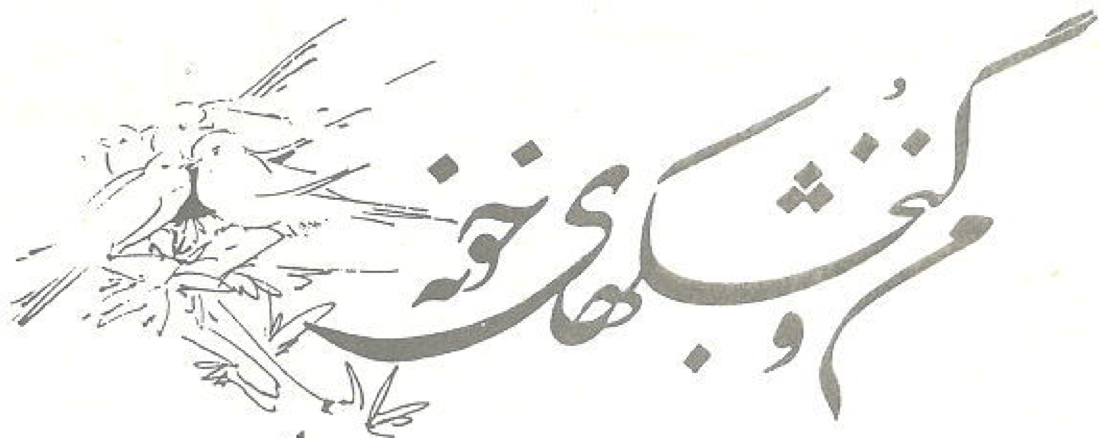
من و گنجشکهای خونه	سردبیر	۶
رویدادهای سازمان سیامک		۱۰
غزل غزلها - حکایتی از عشق	ربای شلمو ریسکین	۱۲
نقش یهودیان در تحولات جهان		۱۶
فضانوردان یهودی در ناسا		۲۰
یادداشت ها	پرفسور امنون نتصر	۲۸
نوری از قعر تاریکی	الی ویزل	۳۰
خانه و خانواده	امکات تاپ	۴۰
سوآل‌های عاشقانه	سوزان شنور	۴۴
تازه های پزشکی	دکتر نیسان بامداد	۴۶
پرکردن گور مادرم	آرلین ارلیخ	۵۰
تأملی در مجموعهٔ ۱۰۰۱ خاطره	مهندس منوچهر کوهن	۵۳
شب	الی ویزل	۵۸
از میان نامه‌های وارده		۶۲
میزگردهای گروه یاران		۶۴
پیوند دلها		۶۶
بخش انگلیسی		۷۴

April 1995 No. 40 ניסן תשנ"ה فروردین ۱۳۷۴ شماره ۴۰

بهای اشتراک چشم‌انداز سالانه: ۲۶ دلار خارج از کشور ۳۶ دلار
شما با عضویت در سازمان سیامک به طور رایگان نشریه را دریافت خواهید نمود.

خواهشمندم «چشم انداز» را به نشانی من بفرستید

نام خانوادگی ـ نام : L / Name ____________ F / Name ____________
شماره ی آپارتمان : Apt,No.__________
خیابان : Street____________________
شهر ـ ایالت ـ پیش شماره : City ____________ State __________ Zip Code (________)
تلفن خانه : H.Phone (____) ____________
تلفن کار : B.Phone (____) ____________



درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

داریوش فاخری

● نشریه چشم انداز را می‌بینم که چگونه در راه پیشبرد بسیاری از اهداف خود پیروزمندانه جلو می‌رود. سناتوری که در انتخابات شرکت می‌کند در این نشریه آگهی کرده. شرکت تلفن AT & T به ما آگهی داد. هتل مجلل بورلی هیلز برای افتتاح مجدد خود نشریه ما را برای آگهی دادن به جامعه یهودی ایرانی انتخاب نموده. بدون آنکه ما به هیچکدام از آن‌ها مراجعه و درخواست آگهی کرده باشیم.

نشریه چشم انداز همچنان پر است از مقالاتی که باعث غرور ما به عنوان عضوی از جامعه یهودی جهانی می‌گردد. مقاله شماره قبل که همراه با عکس نمایندگان یهودی در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا بود. مقاله دیگری در این شماره که در مورد فضانوردان یهودی است. در شماره آینده نیز کوشش خواهیم کرد که صدها هنرپیشه و کمدین یهودی را معرفی کنیم و دیگر هنرمندان و متفکرین را - این همه همراه با گزیده‌ای از مقالاتی که با طعم و مزه یهودی در مورد خانه و خانواده - بحث‌های روان شناسی - سیاسی - اجتماعی و اقتصادی تا به حال داشته و خواهیم داشت، نشریه را منحصر بفرد و قابل تقلید کرده است. در این مورد به همه دست اندرکاران چشم انداز که به رایگان و با عشق قلم می‌زنند می‌نازم.

● قول داده‌ام توضیحاتی در مورد شماره گذشته، اینجا بنویسم. در مقاله پیشین من و گنجشکهای خونه در مورد جوانانی که در مقابل دادگاه و به خاطر جرمی ظاهر شده بودند نوشته بودم «متهم» شده‌اند. این کلمه را به من گفته‌اند که باید توضیح بدهم که با «مُجرم» بودن فرق دارد، که مسلماً فرق دارد و من فکر می‌کردم مردم فرق این دو را می‌فهمند بهر حال با تشکر از این دوستان این جوانان متهم به این جرم هستند و تا به حال محکوم نشده‌اند و آرزوی باطنی و قلبی من است که محکوم هم نشوند.

● توضیح بعدی در مورد مقاله‌ای است که جوانی به نام سهیل به زبان انگلیسی در مورد سابقه اعتیاد خود برای روشن شدن ذهن جوانان و والدین نوشته بود که به خاطر ضعف انشاء فارسی مقاله ایشان در بخش انگلیسی به زبان انگلیسی نوشته شد و در بخش فارسی آقای مهندس مجید آبائی آن را ترجمه کردند و این سرگذشت زندگی پیشین مهندس آبائی نبود.

● توضیح سوم - مقالاتی که من در این بخش مجله زیر عنوان من و گنجشکهای خونه می‌نویسم، در پی رسالتی است که برای جامعه احساس می‌کنم. این رسالت را نه نفرت دشمنان و نه سپاس کسانی که کمکشان می‌کنیم تعیین می‌کند. رسالتی است بر این مبنا که یهودی از حقیر بودن می‌میرد نه از زیاده خواهی، که باید با مسایل جامعه روبرو شد و آنها را در برابر بحث و گفتگو گذاشت. من بطور مثال با شخص حشمت اله کرمانشاهچی دشمنی و ستیزی ندارم. ایشان را اینجا شناختم و از نوشته‌ها و اعمالی که در اجتماع انجام داده ارزیابی می‌کنم. کرمانشاهچی شخصی است در کار اجتماعی - در ایران هم همینطور -

ایشان ممکن است بهترین یا بدترین شوهر - پدر - پسر در امور خانوادگی خود باشد که اصلاً به من مربوط نمی‌شود. در امور اجتماعی شخصی است تشنه قدرت و سرکوبی هر کس که در کار اجتماعی برد گی او را قبول نکند. اشکال قدرت طلبی از این نوع باعث گم شدن و فقدان عشق می‌گردد. بدون عشق، شکوفایی میسر نیست و این قدرت طلبی تنها باعث پیدایش افراد متملق - چاپلوس و گریزان از مسئولیت می‌گردد و ارواح یخزده‌ای را به وجود می‌آورد که قلبهای خونبار را نمی‌فهمند و آه که چقدر در این جامعه، قلبهای خونبار داریم.

این قدرت پوشالی همانطور که گفتم بیشتر زائیده فانتزی‌های خود کرمانشاهچی است و تنها باعث جلب عده‌ای افراد فاقد اعتماد به نفس - متملق و نوکر مآب که به توسری خوردن و فرمان بردن طبق سیستم زد و بندهای نهانی در ایران عادت دارند و در نشستهای خود فقط - بله بله می‌کنند. می‌شود.

عده‌ای به این نوع زندگی عادت ندارند که آخرینشان روبن دخانیان بوده.

فردی که بر مجتمعی عظیم و چند ملیون دلاری نشسته و این همه را با جانبازی و فداکاری و مدیریت خودش و دوستانش بدست آورده چرا باید به دفتر کرمانشاهچی احضار شود - مأموریت از شخصی بگیرد که من هنوز نمی‌دانم چه کار مفیدی برای این جامعه انجام داده و بعد هم از طرف او مؤاخده شود؟

مدیریت پرویز نظریان در مگبیت هم همینطور. برنامه‌ای است که با مدیریت صحیح که بسیار در کارش موفق بوده و مطمئناً شکار بعدی کرمانشاهچی و برنامه‌های قدرت طلبی اوست.

کرمانشاهچی مدیر خوبی نیست. زد و بند خوب می‌کند. و این برای جامعه ما که به عشق و محبت و ایثار خالصانه احتیاج دارد مضر است. کرمانشاهچی می‌تواند خودش را عوض کند و برای شروع به مردم بگوید **پولهای صندوق ملی** چه شد؟ پولی راکه مردم در ایران به دست ایشان و دوستان سپرده‌اند **کجاست؟** آخرین بار دست کی بود؟ و الان کجاست؟

● در شماره پیش نوشته بودم جواب تقایص جامعه را می‌شود با زیبایی یهودیت داد، کسی مثالی خواست گفتم: آلمان‌ها ٦ میلیون یهودی راکشتند. تا به حال در اخبار خوانده‌ای که برویم و سنگ قبر

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا

فریبا سلیمانی

طلاق ● تصادفات ● امور تجارتی

LAW OFFICES OF FARIBA SOLEIMANI
16027 VENTURA BLVD.,# 205
ENCINO,CA.91436
(818) 784 - 0355

مشاوره اولیه رایگان

یک **وام** خوب مثل یک دوست خوب
سالها با شما خواهد بود

افسانه مهدی پور

* وام منزل
* وام ساختمان
* وام آپارتمان بیلدینگ

Americorp Funding
(310) 207-3000



PGR : (310) 576 - 4281
LICENSED BROKER.
CA. DEPT.OF REAL ESTATE

دکتر عزیزالله نورمند

استاد سابق دانشگاه

متخصص بیماریهای کودکان از امریکا

دارای برد تخصصی کودکان

عضو کادر پزشکی بیمارستانهای سیدر سایندی، سنت جونز، سانتامونیکا و تارزانا



مرکز خدمات بهداشتی و درمانی نوزادان، کودکان و نوجوانان

در منطقه سانتامونیکا

2001 Santa Monica Blvd.
Suite 865W
Santa Monica, CA 90404

(310) 829-3311

تلفن ۲۴ ساعته

در منطقه انسینو

16542 Ventura Blvd.
Suite 501
Encino, CA 91436

(818) 905-5552

آلمان‌ها و افسران نازی را بشکنیم و بر آنان رنگ بپاشیم؟ بعضی از آلمانی‌های امروزه هنوز این کار را با ما می‌کنند. این یکی از مظاهر زیبای یهودیت است.

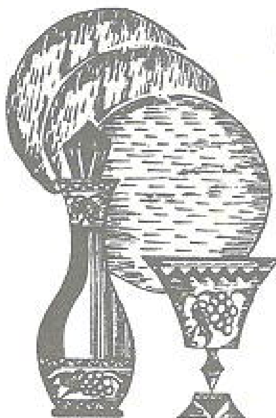
● دو نکته تازه و عبرت انگیز در سیاست جهان این که نخست وزیر کشور پرو، EFRAIN GOLDENBERG یک یهودی است و از جامعه بسیار کوچک یهودی این کشور - و همچنین نماینده کشور مسلمان باسنیا در آمریکا نیز یک یهودی است. من دقیقاً تعداد یهودیان باسنیا را نمی‌دانم ولی فکر نمی‌کنم بیش از ۳۰۰۰ یهودی در آن جا مانده باشند. در ایران با سابقه ۲۵۰۰ ساله سکونت یهودیان و جامعه‌ای چنان عاشق ایران که با تمام سختیها و مشکلات در آنجا مانده‌اند چه امیدی برای خدمت است؟

● گفتم ایران، از تاریکی آینده آن به خود می‌لرزم - اگر اخبار و وقایع و تحولات منطقه را دنبال کنید، آینده زیبایی در پی خط مشی‌ها و تصمیمات ابر مردان سیاست جهان در انتظار مردم ایران نیست. و این، دل هر آزاده‌ای و انساندوستی را به درد می‌آورد و بار این مسئولیت بر دوش هر یهودی ایرانی و ایرانی تباری نیز است که برای مقابله با این طوفان برخیزد و پیش از وقوع فاجعه در رفع آن بکوشد.

● قمر مصنوعی اسرائیل بنام OFEK 3 توسط موشک پرتاب کننده SHAVIT چهارشنبه ۵ آپریل به فضا پرتاب شد. این همه برای کشوری با جمعیتی ۵ میلیونی و بودجه‌ای چنان ناچیز! - جا دارد که درس بگیریم که گفتم: یهودی از حقارت می‌میرد نه از زیاده خواهی.

بگذارید تشکری بکنم از دوستان عزیزمان در کیترینگ شادی و کنیسای اوهل موشه که با عشق ما را در راه غذا رسانی به خانواده‌های نیازمند یاری می‌دهند. به شما می‌نازیم. □

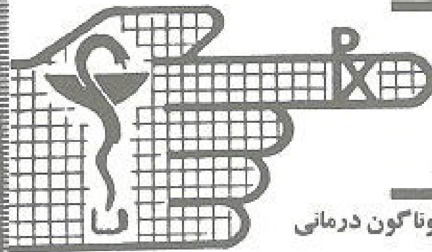
شالـــم



فرارسیدن موعد پسح را شادباش می گوییم

چشم انداز

داروخانه و دراگ استور وست ساید ویلیج



WESTSIDE VILLAGE PHARMACY

1391 Westwood Blvd.,
Los Angeles, CA 90024
Phone (310)
474-4222

علاوه بر خدمات و سرویس های معمولی داروخانه ها تخصص ما در زمینه های گوناگون درمانی
جوابگوی کلیه مشکلات دارویی و بیمه درمانی شما خواهد بود

ساخت پروژسترون و استروژن طبیعی بصورت شیاف واژینال ، کپسول خوراکی و اپلیکاتور





قبول مدیکال، بلو شیلد، بلوکراس






سنجش میزان شنوائی تحت نظر متخصص وتهیه انواع سمعک

انتقال نسخه های شما از داروخانه های دیگر به این داروخانه
تحویل مجانی دارو در منزل و محل کار (منطقه وست وود)
قبول اکثر بیمه های درمانی- تهیه دارو برای ایران
کلیه لوازم آرایش - بهداشتی و کادویی

مشاور شما در امور دارویی
سنجش مجانی فشار خون با دستگاه الکترونیک
سفارشات پستی پذیرفته میشود

FREE PARKING
پارکینگ مجانی







برای اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید
(310) 474-4222

موسسه حسابداری و مشاور مالیاتی
سهیل دردشتی

ENROLLED AGENT

از حقوق مالیاتی شما
بدون حضورتان دفاع می‌نمائیم

کلیه امور حسابداری و حسابرسی مالیاتی

مدیریت و دفترداری املاک اجاره‌ای
تاسیس و انحلال شرکتها

SOHEIL DARDASHTI,E.A.

(714) 966 - 1212

ریتا فر (فرشادفر)

بیمه پزشکی: «گروهی وانفرادی» شامل:

- دندانپزشکی ● حاملگی ● چشم
- اشخاص بالای ۶۵ سال

بیمه ازکارافتادگی: شامل:

- بیمه عمر: «باپس انداز ومعافیت مالیاتی»
- بیمه بازنشستگی
- بیمه تحصیلات عالیه فرزندان
- بیمه مالیات بارث
- بیمه سهام شرکاء
- بیمه وام تجاری ومسکونی
- برنامه معافیتهای مالیاتی
- تنظیم وصیت نامه



NEW YORK LIFE

(310) 262-0101

رویدادهای سازمان سیامک در ماه گذشته

کمیته تیکون اُلام (بهبود جهان) سیامک

مثل ماههای گذشته، این کمیته با یاری یاری دهندگان خیرخواه جامعه - خانواده‌ها و شرکتهای تجارتی انساندوست قادر شد که مقادیر بسیاری از بار خانواده‌های بی بضاعت را کم نماید.

در ماه گذشته از کمپانی خوب صدف مقادیر زیادی حبوبات هدیه گرفت. خشکشویی *ART* در غرب لس آنجلس نیز ۵۰ عدد پوشاکی به سازمان سیامک اهداء نمود. جمع هدایای جمع آوری شده توسط این کمیته از تجار و خانواده‌ها ۱۰۰۰ عدد لباس و پوشاک، ۵۰ جفت کفش - ۱۴ عدد کمربند، تعدادی لامپ رومیزی، Toaster ، حوله، چمدان، کیف دستی، لباس زیر و متفرقه بوده‌اند. اگر کسانی را می‌شناسید که به غذا یا لباس احتیاج دارند و یا خیال دارید به ما کمک کنید با تلفن سازمان سیامک ۴۷۹۸-۴۷۹ (۳۱۰) تماس حاصل نمایید.

کنیسای اوهل مشه در خیابان پیکو همچنان مسئول توزیع غذا بوده و نیازمندان می‌توانند به آن محل مراجعه نمایند.

کمیته Shorashim (تداوم و میراث یهودیت) سیامک

شبهای دانشگاه که یک سری کلاس در مورد مباحث یهودیت بوده و با همکاری University of judaism در ۸ هفته برگزار خواهد شد، از هفته اول ماه مِی در محل این دانشگاه برقرار خواهد بود.

کلاسهای ارائه شده عبارتند از کلاس مقدماتی عبری - آشنایی با فلسفه و مبانی یهودیت - شناخت اولیه کبالا - نقش زنان و اهمیت آن دریهودیت - راهنمای ازدواج ایده‌آل - راهنمای رشد شخصیتی - برای اطلاعات بیشتر و ثبت نام به دفتر سازمان سیامک ۴۷۹۸-۴۷۹ (۳۱۰) تماس حاصل نمایید.

کمیته خاوریم (یاران) سیامک

برنامه‌های کوهنوردی این گروه کماکان هر یکشنبه صبح از ساعت ۷/۳۰ صبح ادامه دارد.

۴ برنامه میزگرد شناخت فرد و اجتماع و اثر متقابل آنان در رفتارها و ارزشهای جامعه در محل کنیسای Stephen S. Wise ادامه دارد. این سری برنامه در ۱۳ مارچ، ۱۰ آوریل ادامه یافت و برنامه‌های دیگر ۸ ماه مِی و ۱۲ جون ساعت ۷ بعد از ظهر در کنیسای نامبرده اطاق شماره ۴۵ برگزار می‌گردد.

۹ آپریل از ساعت ۵ بعد از ظهر شب شعر این گروه در غرب لس آنجلس اجرا خواهد شد.

۳۰ آپریل این گروه برنامه پیک نیکی را برای جوانان در یک پارک زیبا در اورنج کانتی تهیه دیده است. برنامه‌های این روز بازی والیبال، شطرنج، اخته ترد و دیدار دوستان می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر و شرکت در برنامه‌های این گروه می‌توانید با تلفن مخصوص

آنان ۱۱۶۱-۲۸۱(۳۱۰) تماس حاصل نمایید.

گروه خاوریم (یاران) سیامک هم چنین برای ترغیب تجارت فیمابین اعضاء خود برنامه ***Networking*** را نیز اجرا می‌نماید. شما می‌توانید با فرستادن ۳ عدد کارت ویزیت شرکت خود، در این برنامه شرکت نمایید.

کلوب صدا و تصویر

این کلوب با سری سمینار ویدئو و نوار و کتابهای روانشناسی معرف دکتر باربارا - دی - آنجلز شروع به کار نمود. سری جدید یا سمینار شناسایی مردان و زنان توسط روانشناسی معروف دکتر ***John Grey*** به نام مردان کره مارس و زنان کره ونوس نیز به این مجموعه اضافه شد. این دو سری سمینار که بسیار پر فروش و جنجالی بوده‌اند راه مناسب و مؤثری است برای شناسایی یا بهبود روابط بین زن و مرد. برای دیدن و شنیدن این برنامه در منزل خود با دفتر سازمان سیامک تماس حاصل نمایید.

اهداء چک به پرفسور نتصر

در دنباله کمکهای نقدی به تحقیقات ارزنده پرفسور نتصر در تاریخ یهود ایران مبلغ ۲۰۰۰ دلار دیگر از طرف اعضاء سازمان سیامک به ایشان اهداء شد.

جویای کار

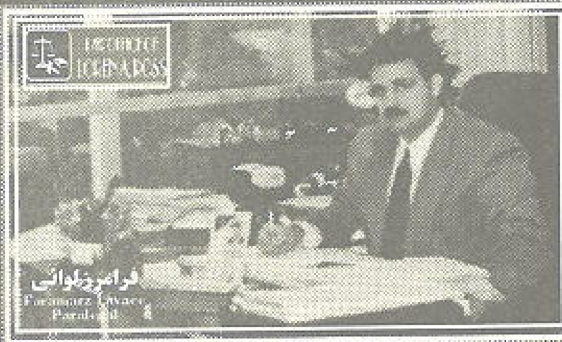
این برنامه نوپای سازمان سیامک تاکنون توانسته است تعداد ۱۰ فرد جویای کار را با شرکتهایی که برای استخدام به ما رجوع کرده‌اند آشنا نماید. اگر دنبال کار می‌گردید یا خیال استخدام کردن دارید خواهشمندیم در این راه با ما تماس بگیرید.

پیوند دلها

بطور متوسط برنامه آشنایی جوانان برای ازدواج که در این نشریه به چاپ می‌رسد، بین ۱۰ تا ۲۰ تلفن برای تماس جوانان با یکدیگر را دریافت می‌کند. با امید ازدواج و تداوم یهودیت این جوانان این برنامه موفق همچنان ادامه خواهد یافت. □



زمان، زمان تجربه وتخصص هاست



تجربه وتخصص ما
فقط وفقط درامور تصادفات است
اگر حق قانونی خودراطلب میکنید حتما به
متخصص حرفه ای آن رشته مراجعه کنید
فرامرز لوائی، مشاور حرفه ای ومتخصص درامور تصادفات
باهمکاری L.A.Ross وکیل بیشبن شرکتهای بیمه
(714)774-1555 (310)247-1555 (818)705-1555
به هنگام تصادف حتماشماره اتومبیل طرف مقابل رایادداشت کنید

کریج بادی شاپ

کریج بادی شاپ در هر زمینه
بعد از تصادف صادقانه
شما را یاری میدهد

تعمیر گاه مجهز بدنه (صافکاری)
ورنگ انواع اتومبیل

کریج بادی شاپ بادر اختیار داشتن بهترین کادر فنی
و حرفه‌ای از اعتبار خاصی نزد شرکتهای بیمه
برخوردار است و جهت کیفیت بهتر در تعمیر اتومبیل
شمابادانش کافی از شما حمایت می کند

حل مشکلات بیمه اتومبیل شما
بعداز تصادف

(۸۱۸) ۷۸۴-۱۲۳۴

۱۴۳۱۵ ونتورا بلوارد، شرمن اوکز

نوشتهٔ: Rabbi Shlomo Riskin
ربی شهر افرات، و مدیر مؤسسات
«اورتورا» در اسرائیل
ترجمهٔ: پیمان اخلاقی
برگرفته از: The Jewish Times



(بهرهٔ تورا در روز هفتم پسح)

«غزل غزلها»، حکایتی از عشق

متنی از تورا که در روز هفتم پسح در کنیسا قرائت می‌شود، معجزهٔ شکافته شدن دریای سرخ را با تصویرگری شاعرانهٔ قدرتمندی تشریح می‌کند. جدا از آن، در آن روز، «غزل غزلها»، حکایت عشق میان یک چوپان (سلیمان شاه) و دخترکی چوپان (شولمیت) را نیز دوره می‌کنیم، که (در عین حال) بازتابی از عشق موجود میان باریتعالی و قوم ایسرائل است. در یک وعظ مذهبی، ارتباطی جالب میان این دو گزیده از ادبیات تورائی، به گونه‌ای شیرین چنین بیان شده است:

«برای خداوند، به هم رساندن دو نفر در زیر چتر ازدواج، از شکافتن دریای سرخ مشکل‌تر است». ولی اینجا چه ارتباطی به پسح دارد؟ نیز از چه جهت برقراری رابطهٔ ازدواج از شکافتن دریای سرخ نیروئی بیشتر می‌طلبد؟

توضیحی ممکن شاید در این حقیقت نهفته باشد که پسح جشن ایمان ماست، یهودیان به «نجات» («Redemption، بازخرید» و نیز مترجم از واژهٔ «رستگاری» در کنار این دو معنی، سود خواهد جست.م.) قریب الوقوع خویش از سرزمین مصر ایمان داشتند، و به این دلیل برهٔ فِسح (پسح) را حتی پیش از آن که خداوند ده ضربت را تکمیل کرده باشد، قربانی نمودند، و در کنار دریا نیز، پیش از آن که دریا شکافته شده باشد، خود را به درون آن پرتاب کردند، در حالی که خطر آن را به جان خریده بودند. (احتمالاً اشارهٔ نویسنده به این افسانهٔ مذهبی است که برای امتحان ایمان یهودیان به خداوند، لازم می‌بود که یکی از آنان پیش از وقوع شکاف، خود را به دریا افکند، که یکی از دلیران از میان قوم برخاست و چنین نمود.م.) از این دیدگاه، عبارت «دل به دریا زدن» که در مورد اقدام ازدواج بکار می‌رود، تنها جمله‌ای ظریف نیست، که شاید بخوبی بر پایهٔ مقایسهٔ تلمودی پیش گفته استوار باشد؛ دل به آبهای ناشناختهٔ ازدواج زدن شاید به ایمانی حتی عمیق‌تر نیاز داشته باشد تا مخاطرهٔ امواج سهمگین دریای سرخ.

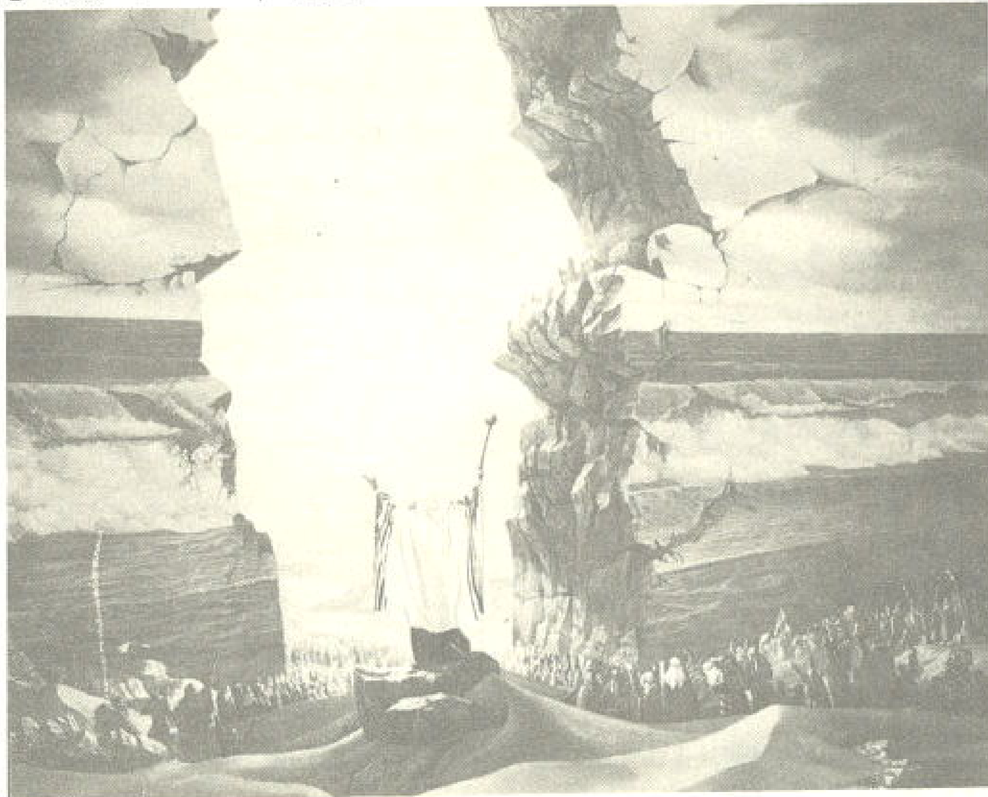
امّا من بر این باورم که استعارات (فوق) مفهومی حتی عمیق‌تر نیز در خویش دارند. پسح واقعهٔ خروج از مصر را جشن می‌گیرد، واقعه‌ای که قومی برده را به ملتی آزاد تبدیل نمود. امّا اگر پسح تنها سالگردی بیش نباشد، چگونه از جشن‌های سالگرد استقلال ملل دیگر متفاوت

خواهد بود؟ به این دلیل، پسح در سه سطح گذشته، حال و آینده عمل می‌کند: هم یادواره‌ای تاریخی است، هم توصیفی از واقعیات روزمره‌مان، و هم نگاهی پیش گویا نه به رستگاری نهائی. (در طول تاریخ یهود) چه بسیار بود مواقعی که درست به هنگام اجرای مراسم سِدِر، بردگی در مصر در برابر رنجی که یهودیان در آن لحظه از سر می‌گذراندند رنگ می‌باخت. در «هگادا» می‌خوانیم که «...در هر دوره هستند کسانی که به قصد نابودی ما بر می‌خیزند. امّا او که مقدس و متبارک است، همواره ما را از چنگالشان نجات خواهد داد.» بدین گونه، هگادا در مرز وقایع معاصر متوقف نمی‌شود. دعای پیش از نوشیدن پیالهٔ دوم شراب نه تنها این مطلب را ابراز می‌کند که چگونه خداوند، را در گذشته باز خرید، بلکه نیز این مطلب را افاده می‌کند که چگونه او تضمین می‌کند که در آینده نیز چنین خواهد نمود. «...باشد که ترا سپاسگزاریم، با غزلی نو، برای باز خریدمان، و برای رستگاری روحمان. متبارکی تو خداوندا که ایسرائل را نجات می‌بخشد.»

این حقیقت دارد که «تورا» پر از پیمان‌های متعدّد میان خداوند و قوم یهود است. «پیمان» دقیقاً یک قرارداد و قولی قانونی از سوی خداوند است که (طی آن او تعهد می‌کند) که نوادگان «اوراهام»، «اسحق»، و «یعقوب» را هرگز رها نخواهد نمود، و رها نشدن از سوی خداوند به این معناست که ایسرائل سرانجام نجات خواهد یافت. حتی «تورا»، با آوردن مثالی، استحکام این پیمان را تصویر می‌کند، هنگامی که «مشه» سعی در منصرف نمودن خداوند از نابودی ملّت، در پی گناه گوسالهٔ طلائی دارد، به او وعده‌هائی را که پیش‌تر خود او به اجداد اسرائیلیان داده بود یادآوری می‌شود؛ قوم، نجات می‌یابد.

حال اگر پسح جشن آزادی نهائی است، و یک «پیمان» نیز بهترین واژه برای بیان این قرارداد میان خداوند و قوم یهود می‌باشد، چرا یکی از «پیمان نامه‌های» متعدّد (مرقوم در «تورا») را در روز هفتم پسح در کنیسا قرائت نمی‌کنیم؟ آیا این وسیله‌ای مؤثرتر در ابراز این مقصود نمی‌بود که «مدتها پیش، آیندهٔ ما نوشته، و تضمین شده بود، حال، شرایط فعلی هر چه می‌خواهند بنظر آیند.»؟

هر چند در نگاه اول، شاید «غزل غزلها» انتخاب مطلوبی برای ارائهٔ پروندهٔ معاهدهٔ ما بنظر نیاید، در عمل چنین برمی‌آید که این «غزل عشق» قویترین ضامن ما برای باز خرید نهائی است. هر چه باشد، یک پیمان، شکلی از قرارداد است، و حتی اگر ما از جانب خداوند اطمینان داشته باشیم که پیمان خویش را نخواهد شکست، چگونه می‌توانیم از خود مطمئن باشیم که سهم خود را ادا خواهیم نمود؟ بعلاوه، هنوز روز تمام نشده است یک قرارداد می‌تواند شکسته شود.



حتی وکلائی صرفاً متخصص دریافتن نقاط ضعف قراردادها یافت می‌شوند. پیش از آن که متوجه شوید، شاید آنچه تا دیروز چون پولاد استوار بنظر می‌آمد، امروز چون پنیر سوئیسی (نرم و وارفته) شده باشد.

امّا آنچه که پیمان شکنی هرگز بدان راه ندارد، داستان عشقی است که هزاران سال ادامه داشته است. دربارهٔ بیت دوم از فصل اول «غزل غزلها» «راشی» تفسیری گیرا ارائه می‌دهد که دلیل انتخاب این متن را برای پسح روشن می‌سازد: «عشق میان خداوند و قوم یهود چونان ضامنی است بر این مطلب که خداوند دوباره ظاهر خواهد شد و بار دیگر ما را نجات خواهد داد.»

بر خلاف قرار داد، عشق فراسوی منطق، و حتی قانون می‌رود. آنجا که «هارامبام» در صدد است عشقی را که آدمی باید نسبت به خداوند داشته باشد، تشریح کند (قوانین توبه، فصل ده، قانون سوم)، آن را با عشق بی مرز، عظیم و پایداری که مردی به یک زن دارد مقایسه می‌کند، مردی چنان مجنون در عشق که تنها می‌توان او را «بیمار عشق خواند»؛ چنان بیخود شده در عواطف، که افکارش همواره بر محبوبش متمرکز شده‌اند، «چه آنگاه که می‌خوابد، یا برمی‌خیزد، می‌خورد یا می‌نوشد.» و بدین شکل «غزل غزلها» در قالب شعری از عشق میان دو انسان بیان شده است، چراکه بهترین استعاره برای تشریح محبّت آرمانی میان خداوند و قوم یهود است. این توضیح این گفته از ربی عقیوا نیز هست که «اگر تمام تورا مقدس باشد، «غزل غزلها» اقدس الأقداس است.» روح شاعرانه‌اش، آغشته به عطر عشقی که فراتر از منطق است و شوری که به اعماق دل دلشدگان نفوذ می‌کند، تأئیدی مبرهن است بر این که در اینجا نه رابطه‌ای از نوع معمول میان طرفین یک معامله برقرار است که اتحادی از دو موجودیت مستقل که تا ابد ادامه خواهد داشت، وجود دارد.

اینک می‌توانیم معنائی عمیق‌تر از مقایسهٔ تورائی میان ازدواج و شکافته شدن دریای سرخ را درک کنیم. در مورد دوم، هر چند معجزه‌ای رخ داد، امّا این معجزه‌ای بود که یک موجودیت واحد (دریای سرخ) را گرفت و به دوازده قسمت تقسیم نمود (بر طبق افسانه‌های مذهبی یهود، دریای سرخ نه به شکلی ساده شکاف برداشت، که به دوازده باریکه تقسیم گشت، و چونان نیم دایره‌ای یک سوی ساحل دریا را به نقطه‌ای دیگر از همان سو، پیوند داد. م.)، و تقسیم هم که پدیده‌ای است که به حّد وفور در جهان ناکامل ما یافت می‌شود. از آن سو، ازدواج تلاشی است در قالب زدن دو موجود مستقل چونان که آن دو، یکی شوند. این یک، سخت‌تر است - و پر معنی‌تر.

پسح، مراسم ازدواج میان ایسرائل و خداوند است، رابطهٔ عاشقانهٔ میان مردم ما و شریکمان در آسمان‌ها. و پیروزی ما بر فرعون و عبور بی آسیب ما از دریای سرخ، به عنوان عهدی جاری از رستگاری نهائی باقی می‌مانند، حال هر چه آزار از سوی آنان که قصد نابودیمان را دارند بر ما وارد شود. امّا مهم‌تر از هر چیز، عشق پر شور «غزل غزلها» است که چونان مستحکمترین ضامن برجای می‌ایستد؛ تضمینی بر آن که اتحاد مقدس ما با خداوند ابدی است، از منطق و قانون اوج می‌گیرد، و تا ابد باقی می‌ماند. □

واژه نگاری (Word Processing) و صفحه بندی
فارسی، انگلیسی، عبری
Fast Computer Services
با مینو تماس بگیرید
تلفن ۵۱۷۳-۲۷۴ (۳۱۰) بیجر ۹۹۰۹-۲۳۹ (۳۱۰)



تخصص و موفقیت ما
در تماس با فروشندگان دست اول ملک می‌باشد
برای هرگونه سرمایه گذاری و خرید ملک در اسرائیل
باگروه گرومن (داوید) تماس بگیرید
محل کار 300528 کُد 0119728
فکس 401431 منزل 400714
اطلاعات اولیه (درصورت لزوم)
310-659-2659

دفتر حقوقی

مارتین ولف

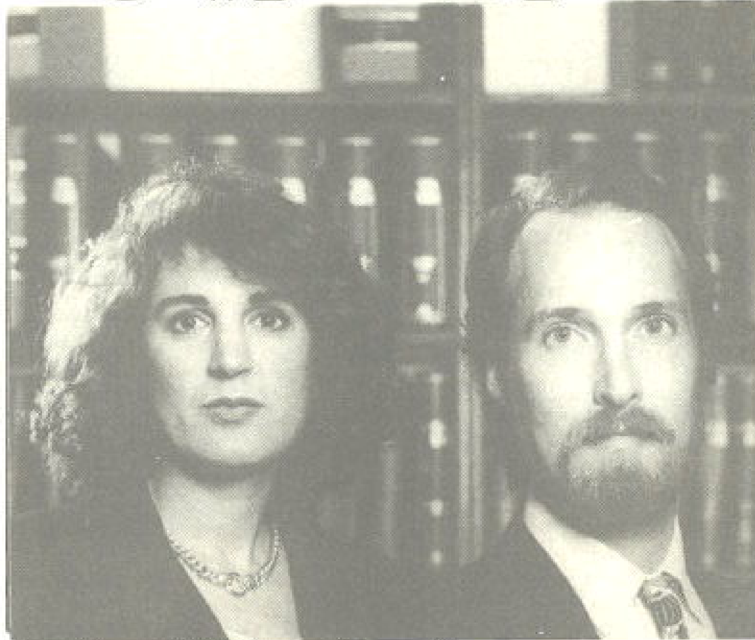
وکیل رسمی دادگاه های سراسر آمریکا وکالیفرنیاودادگاه های فدرال

باهمکاری « مشاور فارسی زبان »

نازی نظریان

PERSONAL INJURY

تصادفات



قاطع، سریع و دلسوز حافظ حقوق شما

- تجارت و بازرگانی
- تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت
- قرارداد ها و ثبت و انحلال شرکت ها
- املاک و مستغلات
- روابط مالک و مستأجر
- رفع اختلافات از طریق مذاکره و یا قانونی
- امور کالکشن (مطالبات)

BUSINESS & COMMERCIAL LAW
WILLS, TRUST & ESTATE PLANNING
CONTRACTS, CORPORATION & PARTNERSHIPS
REAL ESTATE, PURCHASE & SALE
LANDLORD - TENANT
BUSINESS LITIGATION, ARBITRATION
COLLECTION

433 N. CAMDEN, 12th FLOOR BEVERLY HILLS CA 90210
TEL : (310) 205 - 2033 FAX : (310) 205 - 2074

منبع :کنگره جهانی یهود
این مقاله دربخش انگلیسی این نشریه نیزچاپ شده
خواندن آن را به فرزندانتان توصیه نمائید.

نقش یهودیان در تحولات جهان



سودای حرام

رهبر روحانی ایرانیان، آیت اله علی خامنه‌ای طی دستوری سوداهای خارجی مثل کوکاکولا و پپسی را از نظر مذهبی حرام اعلام نموده زیراکه به رشد صیونیزم کمک می‌کنند.

«هر عملی که....باعث رشد مراکز صیونیستی باشد به خودی خود حرام است.»

تجارت کای فنگ

کای فنگ، شهری در مرکز چین، مکانی برای سکونت نواده‌های یهودیان تاجر جاده ابریشم باستانی می‌باشد. مقامات این شهر یک منطقه توسعه اقتصادی در آن مکان برای جذب سرمایه گذاری یهودیان درست نموده‌اند.

از اوایل قرن یازدهم، تا چیزی حدود ۳۰۰ سال پیش، شهر کای فنگ خانه جامعه یهودیان زحمتکش بوده است.

هفته اسرائیلی

مدیران و خریداران شبکه بازاریابی SINSAGA در کره جنوبی، بعنوان میهمانان انستیتوی صادرات از اسرائیل دیدن کردند. این گروه انواع بسیاری از محصولات را بازدید کردند تا آن‌ها را در «هفته اسرائیل» که در ماه می برگزار می‌گردد به نمایش بگذارند. این شبکه یکی از بزرگ‌ترین از نوع خود بوده و در سال ۱۹۹۳ مقدار ۹۴۰ ملیون دلار فروش داشته است.

میهمانداری طبی

انتظار می‌رود چند صد بیمار از کشورهای همجوار عربی برای معالجات پزشکی مثل درمان نازایی، جراحی چشم، استخوان و پلاستیک و دیگر درمانهایی که در کشورهایشان موجود نیست، به اسرائیل بیایند.

این بیماران که به بیمارستانهای عمومی و خصوصی مراجعه

خواهند نمود از طریق یک کشور سوّم وارد می‌شوند و گذرنامه‌های آنان مهر اسرائیلی نخواهد خورد. افراد فامیل این بیماران در هتلهای مجاور سکونت گزیده و به دیدار اماکن مقدسه اسلامی خواهند رفت.

تولید مشترک

سینماهای یروشالئیم، حیفا و تل آویو، اولین محصول مشترک اسرائیلها و فلسطینیها بنام «خاطرات صلح» را به نمایش گذاشته‌اند. ۳ فیلم بردار فلسطینی و سه فیلم بردار اسرائیلی زندگی دور و بر خود را در عرض ۶ ماه پس از امضای قرارداد صلح بطور مستند به صورت فیلم درآورده‌اند.

بازگشت

بعد از ۴ قرن نگاهداری دین یهود ۱۲ خانواده مارانو در NATAL (شهری در شمال شرقی برزیل) پوسته خارجی مسیحی خود را دور انداخته و آشکارا به دین اجدادی خود برگشته‌اند.

MARRANO لغتی است که برای کسانی بکار برده می‌شود که دین یهود را پس از دوران انکیزاسیون اسپانیا (که در آن دوران یهودیان را مجبور به مسیحی کاتولیک شدن می‌کردند) در خفا نگاه می‌داشتند.

سیر نزولی

بر اساس تحقیقی در مورد یهودیان کانادائی، ازدواج مختلط در میان یهودیانی که متولد آفریقای شمالی بوده و در مونترال مقیمند، سیر نزولی نشان می‌دهد.

۲۰ در صد کسانی که بین ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۹ وارد مونترآل شده بودند، با غیر یهودیان ازدواج کرده بوده‌اند در صورتی که امروزه کلاً ۶/۸ در صد و فقط ۳/۲ در صد کسانی که از ۱۹۸۰ در مونترال بوده‌اند به این کار دست زده‌اند.

سیر صعودی

بر اساس سرشماری ۱۹۹۱ کانادا، یهودیان مونترال با میزان بیشتری از یک دهه پیش با غیر یهودیان ازدواج می‌کنند. بر طبق این تحقیقات ۹/۳ در صد یهودیان متأهل، همسران غیر یهودی داشته‌اند، در مقایسه با ۵/۵ در صد در ۱۹۸۱. پیش از یک دهم فرزندان زیر ۱۹ سال که با پدر و مادرانشان زندگی می‌کنند در خانواده‌های مختلط بزرگ می‌شوند.

پروژه‌های سازمان ملل

بزودی شرکتهای اسرائیلی در پروژه‌های سازمان توسعه صنعتی

WELLNESS ENHANCEMENT CENTER

مرکز بهبود سلامتی فکری، روحی و جسمی

- سر دردها و یا دردهای عصبی، فراموشی و تمرکز حواس
- بی خوابی و خوابهای آشفته، غمگینی و افسردگی
- عصبانیت و عصبی بودن، روابط خانودگی و طلاق
- خجالتی بودن و کمبود اعتماد بنفس، کنترل وزن

ترک عادتها - سیگار: در یک جلسه با ضمانت

توسط بهنام (بن) رفیع هیپنو تراپیست

CERTIFIED CLINICAL HYPNOTHERAPIST

(۳۱۰) ۶۵۷-۲۵۲۵

If you have been selected or Audited for

SALES TAX AUDIT

Call

Joseph Zahiri

Certified Public Accountant

Call Collect (408)292-3800

Former Senior Tax Auditor of STATE BOARD OF EQUALIZATION

- Specialized in Sales Tax Audits
- Serving the entire State
- Call for free initial consultation

سازمان ملل متحد در کشورهای در حال توسعه شرکت خواهند نمود.

وزارت تجارت و صنعت اسرائیل تخمین می‌زند که این کشور در پیش از ۵۰۰ پروژه در سال ۱۹۹۵ شرکت نماید.

▣ تاکستان

برای اولین بار در اسرائیل، کیبوتص EYLOT در جنوب این کشور اقدام به تولید انگور برای صادرات نموده است. این تاکستان ۱۲۵ ایکر را زیر کشت دارد و انتظار می‌رود که در اوایل کار ۵۰۰ تن انگور پذیرائی برای صدور به انگلستان و آلمان را در بهار ۱۹۹۶ تولید نماید. این میزان در آینده به فصلی ۱۰۰۰ تن افزایش خواهد یافت.

▣ وسیله نقلیه

از یک دستگاه الکترونیکی انقلابی که برای کمک به افراد فلج در دانشگاه بن‌گوریون اختراع و به ثبت رسیده، برای اولین بار پرده برداری شد و بزودی برای فروش در اسرائیل به قیمت ۳۰۰۰ دلار عرضه خواهد گردید.

این دستگاه قادر است واکنشهای الکتریکی را به دست فرستاده و آن را قادر به برداشتن وسایلی چون تلفن، ریش تراش، قلم و وسایل غذاخوری بنماید.

▣ نویسنده جدید

یک قلم جدید که قادر است حرکات دست را به صورت حروف در کامپیوتر تبدیل کند، توسط شرکتی بنام BAR-ON در حیفای اسرائیل به ثبت رسید.

این قلم جیبی با دریافت حرکات دست نویسنده توسط دستگاههای حساس مخصوص و ذخیره آنان، بعداً این اطلاعات را به حروف کامپیوتری تبدیل می‌نماید. با این اختراع دیگر نوشتن روی سطحی نزدیک کامپیوتر بودن یا کامپیوتر شخصی را با خود همه جا بردن، از بین می‌برد.

▣ پیش بینی

انستیتوی صادرات اسرائیل تخمین می‌زند که در عرض سه سال آینده، صادرات بالقوه سالیانه از اسرائیل به اردن به ۱۲۰ ملیون دلار بالغ گردد. بیشتر این صادرات در رشته‌های دانشهای حرفه‌ای و خدمات در تعلیم صنعتی، ساختمان سازی و بنیادی حمل و نقل و برپائی کارخانجات می‌باشد.

▣ کامپیوتر

کمپانی MANOF برنده مناقصه کامپیوتریزه کردن بزرگ‌ترین بانک جمهوری چکوسلواکی بنام بانک تجارت گردید. کمپانی دیگری از اسرائیل بنام COMET نیز به بزرگ‌ترین بیمارستان پاراگوئه کامپیوتر خواهد فروخت.

پایان □

اطلاعیه

قابل توجه هنر جویان، والدین، مربیان، و هنرمندان محترم:

هنر لازمهٔ زندگی است. و در این میان، شاید بتوان گفت که موسیقی همان ذات زندگی است. اینک جامعهٔ ما بیش از هر دورانی نیاز و آمادگی آن را احساس می‌کند که استعدادهای نهفته،نورس، یا کماکان ناشناختهٔ خویش را فرصتی دهد که روح گیرند، ببالند، و به پرواز آیند.

لذا، نظر به تلاش در شناسایی و معرفی استعدادهای نوجوان و جوان جامعه، سازمان سیامک در صدد است که اقدام به برگزاری رقابتی هنری در شاخهٔ نوازندگی آلات موسیقی بنماید.

این رقابت در گروههای سنی مختلف، زیر ۳۰ سال، برگزار خواهد شد. علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام برای شرکت در این برنامه می توانند مستقیماً با دفتر سازمان سیامک تماس فرمایند.

تلفن ۴۷۹۸-۴۷۹ (۳۱۰)





اعتبار کیترینگ های لوس آنجلس

اورنج کانتی - سان دیاگو

محفل و شبهای پرخاطره خود را با غذاهای خوشمزه بهادر گرم سازید.

بهادر کیترینگ پر سابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر

همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرائی کند



سیستم گلات کاشر کیترینگ بهادر

زیر نظر مستقیم ربای

Rabbi Yehuda Bukspan

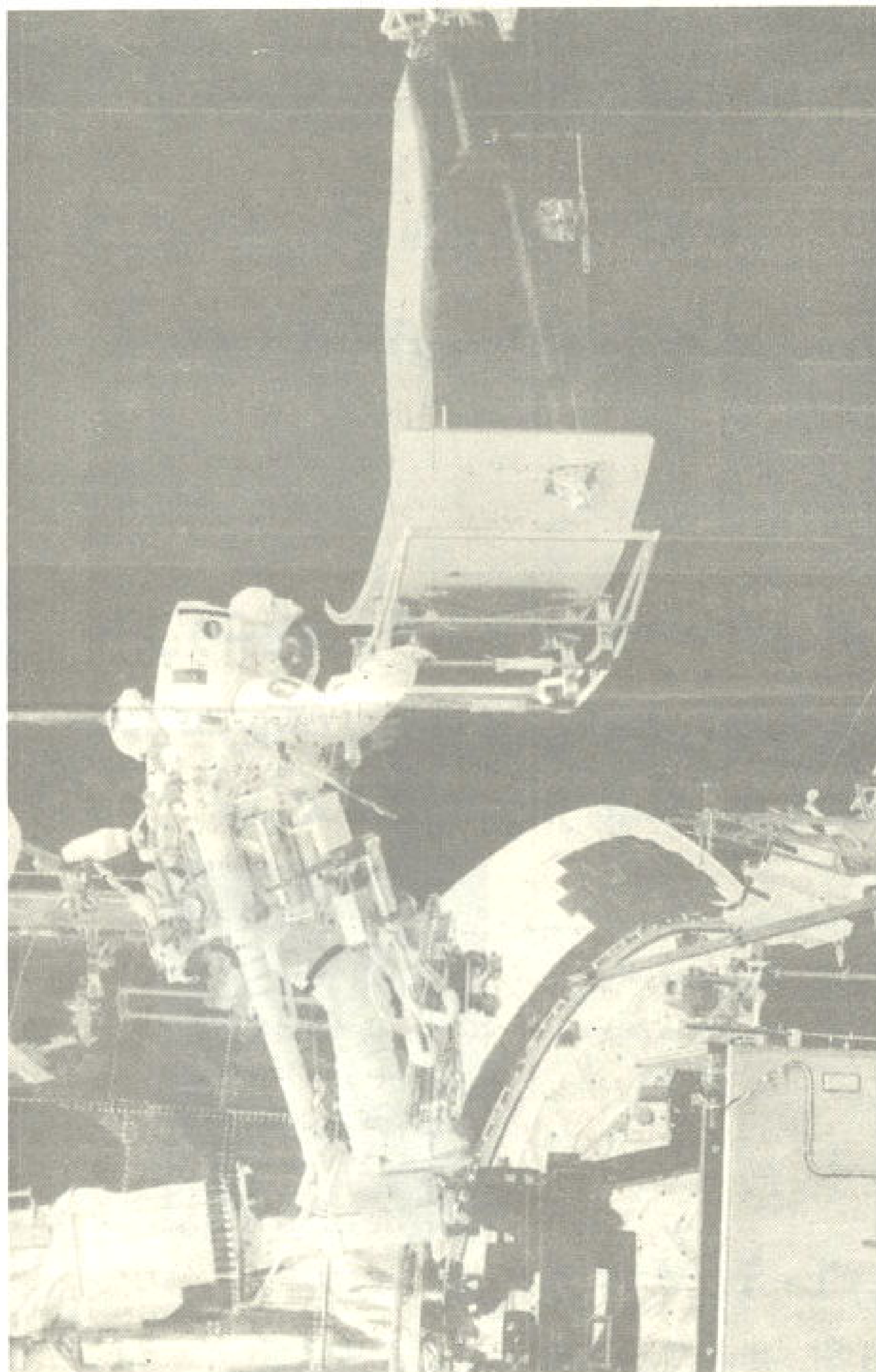
میباشد



تلفن: (۸۱۸)۶۰۹-۷۱۳۵

18750 Oxnard St., # 415 • Tarzana, CA 91356

فضانوردان یهودی در ناسا
پژوهشگران شگفت زده



جفری هافمن فضانورد شاتل فضائی در باره تجربه هیجان انگیز و مسحور کننده خود چنین می‌گوید:

- در هر یک ساعت و نیم کشتی فضائی DISCOVERY یک دور مدار زمین را طی می‌کند و یک روز و شب به پایان می‌رسد در تاریکی مطلق رعد یک طوفان عظیم بچشم می‌خورد و شهابی در اثر اصابت با جو زمین می‌سوزد و آنگاه نور طلائی و نارنجی خورشید شروع یک روز جدید را روی صفحه فضا به نمایش می‌گذارد. یک منظره سحر انگیز و رویائی است. عظیم و لایتناهی.

جفری هافمن سفر خود را به امید این تجربیات شروع کرد و به این صحنه‌ها دل بسته بود. در حالی که از پنجره برای اولین بار محو تماشای این دنیای شگفت انگیز بود، این دعای جدید را که توسط ربای خودش در هیوستون صرفاً برای سفر او نوشته شده بود را بیرون آورد و شروع به خواندن کرد **(باروخ اتا ادونای الوهینو ملخ هااولام شه نوته شامعیم اویوسه آرتص اوموشاو یکارو بشامعیم ممعال اوشخنوت اوزو بگواهی میرومیم)**. متبارک باشی تو خداوند خالق ما و فرمانروای جهان که بهشت را در آسمانها گسترده‌ای و زمین را بنیان نهاده‌ای، شکوه پر جلال تو در بهشت و آسمانها و قدرت تو به روی زمین در همه طبقات نمایان است.

یک فضانورد یهودی کاوشگر کائنات



آقای هافمن اولین و احتمالاً آخرین فضانورد یهودی نیست که به فضا سفر کرده ولی با داشتن اعتقادات و فرهنگ یهودی دیدگاه جدید و نادری را به امور فضائی ارائه می‌کند. دیگر فضانوردان یهودی اگر چه اعتقادات و نظریات مختلف نسبت به باورهای آقای هافمن دارند ولی به هر صورت قالب یهودی دوران طفولیت و نوجوانی پرورش یافته و در آنان به صورتی قوی نگاه داشته شده است.

از یک صد فضانورد در ناسا شش مرد و زن یهودی بچشم می‌خورند، با در نظر گرفتن آن که در پرواز به ماه هیچ یک از آن‌ها انتخاب نشده‌اند، ۵ نفر حداقل یک بار مسافرت فضائی را تجربه کرده‌اند و در صدر یهودیانی که همیشه به کائنات و ستارگان و پژوهش‌های مربوط به آن عشق می‌ورزیدند قرار دارند که از تورات شروع شده و از میان قرون وسطی به زمان مدرن فعلی رسیده است.

هزاران سال است یهودیان جستجوگر رابطه‌ای بین خداوند و کائنات هستند، ولی مسئله انسان در فضا سوالات جدیدی را پیش می‌آورد که شاید پاسخ آن‌ها ده‌ها و بلکه صدها سال به طول انجامد.

در تهیلیم (مزمور ۸) نویسنده در مورد موجودیت انسان در پهنه کائنات اینطور سؤال می‌کند: **من به بهشت تو می‌نگرم که با انگشتان تو ساخته شده،**

به ماه و ستارگان که هر یک نظام مخصوص خود دارند،

این انسان چیست که تو فکر خود را به او معطوف کرده‌ای، پسر انسان، که برای تو بایستی مهم باشد؟

- تورات بنی اسرائیل را از ستایش و پرستش بهشت بالا پرهیز می‌دهد به این ترتیب: **هرگاه سرت را بلند کردی و ستارگان و ماه و خورشید را نظر انداختی و بهشت را، آگاه باش به آن‌ها تعظیم نکنی و آنان را نپرستی** (DEUTERONOMY 4:19).

- ستاره شناسی از آغاز در یهودیت متداول بوده. در قرون وسطی در رنسانس قبل از ۱۵۰۰ میلادی ۲۵۰ ستاره شناس یهودی شناخته شده زندگی می‌کرده‌اند.

«آثار یهودیت در فضا»

در قرن جدید یهودیان نقشه ماه را رسم کرده‌اند و موفق به شناسائی کردن سنگهای آسمانی شده‌اند و یک نوع تلسکوپ جدید اختراع کرده‌اند ولی مهم‌تر از همه کارهای فضانوردان است که ۷ نفر از آن‌ها یهودی بوده‌اند می‌باشد.

JUDY RESNIK جودی رزنیک یکی از آن‌ها ۹ سال پیش در سانحه فضائی جان خود را از دست داد. متولد اکرون، اوهایو، خانم رزنیک اولین فضانورد یهودی، در سال ۱۹۷۸ بود که شش سال بعد در یک مأموریت در شاتل ۱۹۸۴ به فضا مسافرت کرد. او در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۶ زمانی که شاتل CHALLENGER ده دقیقه و سیزده ثانیه پس از پرتاب از مرکز فضائی کندی در فلوریدا منفجر شد جان خود را از دست داد که از تلویزیونهای جهان این واقعه بارها و بارها پخش شد.

از شش نفر باقی مانده در مورد یهودیت، پای‌بند بودن به قوانین و اعتقادات یهود و آن که این اعتقادات و فرهنگ در زندگی فضانوردانی آنها چه تأثیری دارد به راحتی سخن می‌گویند.

دیوید ولف می‌گوید: با آن که من تمام قوانین یهود را که باید رعایت نمی‌کنم ولی این فرهنگ تأثیر خاصی بر من گذارده و همیشه سمبل‌هائی از یهودیت را به همراه دارم. دکتر ولف ۳۸ ساله متولد ایندیانا پولیس و دکتر عمومی در سال ۱۹۹۱ به جرگه فضانوردان پیوست او سفر خود را با شاتل (COLUMBIA) از ۱۸ اکتبر تا اول نوامبر ۱۹۹۳ به عنوان پزشک پژوهش‌هایی در مورد فضانوردان و هم چنین ۴۸ موش آغاز کرد.

دکتر ولف یکی از اعضای کنیسای بت ال در ایندیانا پولیس می‌باشد که تحصیلات عبری خود را نیز در این کنیسا به پایان رسانده. زمانی که مسیر زندگی خود را تغییر داد و به تحقیق روی آورد فرهنگ یهودیت معیارهای زندگی او را تحت الشعاع قرار داد.

«چنین یاد گرفته بودم که خداوند بهترین بخش انسان را شامل می‌شود، و اگر نمی‌توانیم موجودیتی را تشریح کنیم دلیل بر آن نیست که آن موجودیت را ماورای تصورات و دانش خود ندانیم.»

ما در یک ناحیه محدود از کائنات بسر می‌بریم. زمانی که در فضا بودم یاد گرفتم که زمین بسیار محدود است یقیناً اعتقاد دارم که تمدن‌های دیگری نیز وجود دارند که احتمالاً هرگز آن‌ها را ملاقات نخواهیم کرد. به همراه خود دکتر ولف یک میکروفیلم تورا و یک شوفار و یک قلم تورا حمل می‌کرد که آن‌ها را به کنیسای ایندیانا پولیس اهدا کرده است. او چنین می‌گوید: اینها ۲۲۶ بار مدار زمین را طی کرده‌اند و ۶ ملیون مایل راه پیموده‌اند.

- همسفر دیگر دکتر ولف، دکتر MARTIN FETTMAN، پزشک حیوانات از کلرادو بود که برای اولین بار در تاریخ ناسا دو یهودی با هم به مسافرت فضائی رفته‌اند.

دکتر FETTMAN که در دانشگاه ایالتی کلرادو مشغول به کار است ۳۸ ساله و اهل بروکلین، در نیویورک به دنیا آمده و در یک خانواده مذهبی رشد کرده چنین می‌گوید «من به خداوند اعتقاد دارم اما هیچگونه تجربه مذهبی در خارج از زمین به من دست نداده و این بسیاری از مردم را ناامید می‌کند. یک مزوزا را که یکی از دوستانش هدیه کرده بود به همراه داشت و مأموریت او تحت نظر داشتن عکس العمل‌های حیوانات در فضا و عدم وجود جاذبه زمین بود.



NINO FERRETTI
ITALIAN HIGH FASHION FOR MEN
RETAIL-WHOLESALE

نینوفرتی

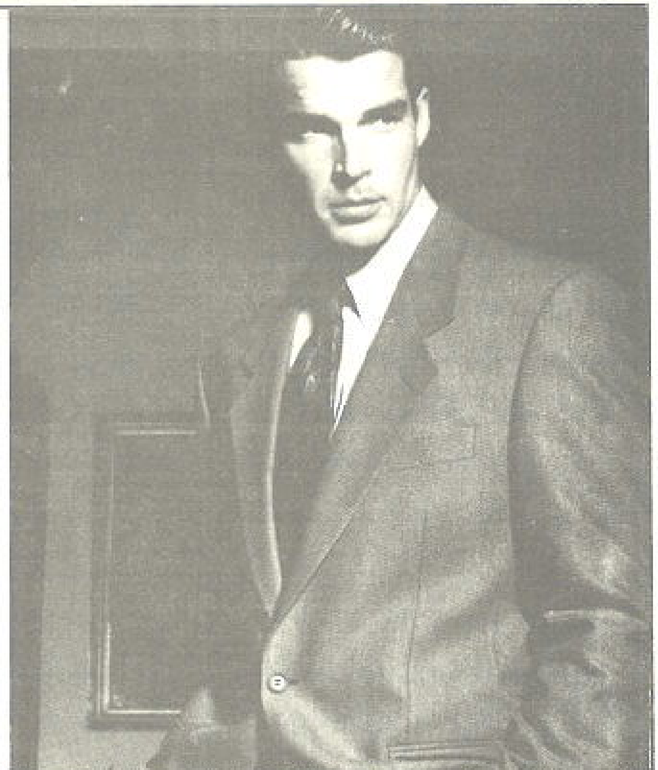
وارد کننده
بهترین و شیک ترین پوشاک مردانه
از ایتالیا و اروپا

۷ روز هفته با مناسبترین قیمت

W. Los Angeles:
11710 Wilshire Blvd.
W. Los Angeles, CA 90025
West of Barrington
(310) 477-1710

Downtown LA
761 S. Los Angeles St.
Los Angeles, CA 90014
Between 7th & 8th St.
(213) 624-1368

FREE PARKING



NINO FERRETTI

- دکتر FETTMAN می‌گوید: لذتی غیر قابل تصور از این تجربه بردم. دید من نسبت به خداوند گسترش یافته، پروردگار هر چه که هست از ما بسیار عظیم‌تر است من به هیچ وجه نمی‌توانم قبول کنم که جهان بدون وجود نظمی والاتر از درک ما تشکیل شده. آن نظم والاتر پروردگار است، همان آغاز ناشناخته.

JAY APT که در سه سفر شاتل شرکت کرده عقیده‌ای به موجودیت خداوند ندارد او می‌گوید: طبق تئوری فیزیک شکل گرفتن هستی یک مسئله تصادفی بوده. عقیده من در

نمی‌داند او مهم‌ترین درس از یهودیت را (مشارکت) می‌داند و به نظر او مشارکت برای موفقیت‌های بزرگ مانند برنامه‌های فضائی بسیار قابل اهمیت است او می‌گوید به هیچ گروه مذهبی در هیوستون که مرکز تحقیقات فضائی است ملحق نشده به دلیل آن که کنیسای رفورم در حوالی محل مسکونی او موجود نیست ولی آقای HOFFMAN در سه سال برنامه فضائی عضو هیئت مدیره کنیسای (محافظه کار) بریت شالوم بوده است.

- آقای HOFFMAN ۵۰ ساله در یک کنیسای رفورم (جوئیش کامیونیتی WHITE



مورد نیروئی که شکل به کائنات داده هیچ تغیری نکرده است.

آقای APT در یک خانواده رفورم در پیتسبورگ رشد کرده و عضو کنیسای (رفورم رودت شالوم) و رئیس گروه جوانان آن کنیسا بوده او در چند فعالیت (هیلل) در هاروارد شرکت داشته ولی خود را انسانی روحانی

PLAINS نیویورک) شرکت می‌کرده و در همان کنیسا برمیتصوا شده و وقتی کلاس ۱۱ و ۱۲ ساله بود در کلاسهای یکشنبه به نوجوانان تدریس می‌کرده است. پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه AMHERST موفق به دریافت دکترا در علم فیزیک فضائی از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۷۱ گردید.

در سال ۱۹۸۵ در حالی که برای اولین پرواز فضائی خود را آماده می‌کرد با ربای ARNOLD STIEBEL در SHAAR HASHALOM هیوستون مشورت کرد «فکر کردم چیزی برای کنیسای خودم به ارمغان آورم» و ربای او را با چند هنرمند یهودی آشنا کرد به او یک مزوزا یک جفت ATAROT (قسمتی از صیصیت که پشت گردن قرار می‌گیرد و شامل دعا می‌شود) دادند. آقای HOFFMAN آن‌ها را در یک جعبه سیگار گذارد ولی اجازه حمل آن‌ها به شاتل داده نشد و قبل از پرواز دعای مخصوص سفر را خواند و پس از آن شحینانو را ادا کرد چهارمین برنامه پرواز هافمن که در تاریخ ۲ تا ۱۳ دسامبر ۱۹۹۳ (همزمان با حنوکا) بود و روز قبل از پایان سفر او توانست از منورائی که با خود همراه داشت در حال معلق بودن عکسهائی تهیه کند و زمانی که همسفران در این مورد از او سوآل کردند تاریخچه منورا را برای آنان شرح داد که بعدها در تلویزیون سراسری آمریکا پخش شد. آقای هافمن در تمام سفرهای خود یک مزوزا به همراه می‌برد او می‌گوید مزوزا هر جائی را تبدیل به جائی مخصوص می‌کند او ترجیح می‌دهد عقاید خود را نسبت به خداوند برای خود نگه دارد: من هرگز تورات را به عنوان یک کتاب راهنمای جهان ماده قبول نکردم و هر کس برداشت تحت اللفظی از این کتاب می‌کند حتماً به مشکلاتی بزرگ بر خواهد خورد. من اعتقاد دارم که رفورم‌ها و کانسروتیوها کاملاً می‌توانند همگام با دانش جدید تفاهم کامل داشته باشند.

- فضانوردان مسیحی نیز به نوبه خود سعی



کرده‌اند باورهای مذهبی خود را با دانش امروز وفق دهند. خلبان آپولو ۱۴ ED MITCHEL در (بنیاد افکار و دانش) که خود او بنیان گذاری کرده موجودیت خداوند را از نظر یک دانشمند بررسی می‌کند در حالی که JAMES IRWIN مسیحی که در سال ۱۹۷۱ بوسیله آپولو ۱۵ به ماه رفت عقیده دارد که انسان به موجودیت خداوند فقط باید ایمان داشته باشد. او از تجربه مذهبی خود در فضا در کتاب TO RULE THE NIGHT اینطور تشریح می‌کند: من احساسی مملو از موجودیت خداوند در کره ماه داشتم. وجود او را به خود از هر لحظه در زندگی زمینی نزدیک‌تر احساس می‌کردم، کاملاً در برابر خود و بسیار شگفت انگیز.

من عادت خود را عوض نکردم حتی ساعت‌های مربوط به دعا را درست قبل و بعد از خواب ولی در آن روزها موجودیت خداوند را بسیار نزدیک به خود احساس می‌کردم دانشمندان عصر جدید یهودی سعی بسیار دارند که جوابهای در مورد سوالات مبهم یهودیت درباره فضا دریابند مثل: آیا در ماه هم میتصوا واجب است؟ گروهی معتقدند که تا زمانی که ما روی زمین هستیم میتصوا واجب است و گروهی دیگر اعتقاد دارند میتصوا در هر کجا که انسان خود را بیابد واجب است و همینطور در مورد شبات و وقوع آن در سفینه فضائی یا اینکه آیا می‌توان در کره ماه هم (میکوه) ساخت یا (درباره سوکا چطور). ربای STIEBEL که همکاری با فضانوردان را ۷ سال پیش شروع کرده و با HOFFMAN دوستی بسیار نزدیکی دارد در مورد مسئله شبات علاقه بخصوصی پیدا کرده او می‌گوید: برای یک فضانورد که روز و شب یک ساعت نیم به طول می‌انجامد خواندن دعاهای صبح، ظهر و شب تمام وقت را می‌گیرد و پس از مراجعه به تلمود به یک راه حل نائل شد روز هفتم (از همان تاریخ برای او شبات خواهد بود).

به همین ترتیب برای فضانوردان، آنها باید یک مقطع مکانی (مثلاً شهر خود) را در نظر گرفته و هر گاه شش بار از آن مقطع گذر کردند به شبات خواهند رسید.

نکته دیگر آن است که یک یهودی نباید خود را به خطر بیاندازد و فضانوردان خود را اختیاراً به خطر می‌اندازند. دکتر ANDREW GOLDFINGER یک یهودی ارتدکس و مسئول لابراتوار فیزیک دانشگاه در جان هاپکینز می‌گوید: چه زمانی اختیار کردن یک کار خطرناک قابل قبول است؟ او معتقد است وقتی در موقعیتی قرار گرفتیم، خداوند قابلیت پیدا کردن جواب آن را به ما خواهد داد. در هر صورت فضانوردان یهودی به پژوهش‌های خود در زمینه تاریکی‌های فضا ادامه می‌دهند و با خود کوله بار دانش قرنها را می‌برند. به عنوان فضانورد، یهودیان و دیگران به پروازهای خود به فضا ادامه می‌دهند با این اطمینان که جواب‌ها را با خود به زمین خواهند آورد. □

فضانوردان

گذشته از یگانگی مذهبی، فضانوردان یهودی ناسا سطح تحصیلاتی مشترکی نیز دارند که از جمله ۵ نفر از آن‌ها دارای دکترا در علوم فضایی می‌باشند که در ۱۳ مأموریت فضایی شرکت کرده‌اند این است مختصری از شرح حال فضانوردان.



JAY APT: متولد ۲۸ آپریل ۱۹۴۹ در اسپرینگ فیلد، ماساچوست که خود را اهل پیتسبورگ پنسیلوانیا می‌داند. تحصیلاتش در رشته فیزیک در سال ۱۹۶۷ در آکادمی Shady side پیتسبورگ خاتمه پیدا کرده و ادامه تحصیل او در رشته فیزیک در سال ۱۹۷۱ از دانشگاه هاروارد و دکترای همان رشته را از انستیتو تکنولوژی ماساچوست در سال ۱۹۷۶ بدست آورده او همسر ELEANOR EMMONS می‌باشد و دو فرزند به نام‌های سارا ۶ ساله و راحل ۳ ساله دارد.

تجربه فضانوردی او پرواز در سفینهٔ فضایی ATLANTIS در سال ۱۹۹۱ و ENDEAVOUR در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ می‌باشد.



ELLEN BAKER: متولد ۲۷ آپریل ۱۹۵۳ در شهر FAYETTEVILLE در ایالت نورث کارولینا، که خود را اهل نیویورک می‌داند، تحصیلات خود را در دبیرستان BAY SIDE واقع در نیویورک و در سال ۱۹۷۰ خاتمه داد. وی در رشته زمین شناسی از دانشگاه ایالتی نیویورک واقع در بوفالو و در سال ۱۹۷۴ فارغ التحصیل شده و دکترای خود را در رشته داروسازی در سال ۱۹۷۸ از دانشگاه کورنل دریافت کرده است. او همسر KENNETH BAKER است و دارای دو دختر بنام‌های KAREN ۶ ساله و MEREDITH ۳ ساله می‌باشد. تجربه فضایی او شامل ATLANTIS در سال ۱۹۸۹ و شاتل (کلمبیا) ۱۹۹۲ و یک سفر ده روزه در اواسط ۱۹۹۵ در ATLANTIS خواهد بود.



JEFFREY HOFFMAN: متولد ۲ نوامبر ۱۹۴۴ بروکلین نیویورک و خود را اهل SCARSDALE نیویورک می‌داند. از دبیرستان (SCARSDALE) در سال ۱۹۶۲ فارغ التحصیل و در رشته نجوم در سال ۱۹۶۶ تحصیلات خود را خاتمه داد و دکترای خود را از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۷۱ بدست آورد. او در سال ۱۹۸۸ موفق به دریافت لیسانس در رشته علوم مادی از

دانشگاه RICE گردید.

همسر او باربارا CATHRINE ATTRIDEE از گرینویچ انگلستان است و دارای دو فرزند بنام ساموئل ۱۹ ساله و ORIN ۱۵ ساله می‌باشد.

تجربیات فضایی او شامل پرواز در DISCOVERY سال ۱۹۸۵ و کلمبیا ۱۹۹۰ و ATLANTIS در ۱۹۹۲ و ENDEAVOUR در سال ۱۹۹۳ می‌شود.



SCOTT HOROWITZ: متولد ۲۴ مارچ ۱۹۵۷ در فیلادلفیا و خود را اهل 1000 OAKS کالیفرنیا می‌داند. تحصیلات خود را در مدرسه NEWBURY کالیفرنیا در سال ۱۹۷۴ به پایان رساند و سپس در رشته مهندسی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا به تحصیل پرداخت و در رشته مهندسی فضایی در سال ۱۹۷۹ موفق به پایان تحصیل شد و دکترای خود را در سال ۱۹۸۲ از انستیتو تکنولوژی جورجیا بدست آورد.

او همسر LISA MARIE KERN می‌باشد و در سال ۱۹۹۲ لقب فضانورد را کسب کرده ولی هنوز تجربه فضایی ندارد.



MARSHA IVINS: متولد ۱۵ آپریل ۱۹۵۱ در بالتیمور تحصیلات خود را در مدرسه NETHER PROVIDENCE واقع در پنسیلوانیا در سال ۱۹۶۹ به پایان رساند و ادامه تحصیل در رشته مهندسی فضایی در دانشگاه کلرادو و در سال ۱۹۷۳ به تحصیلات خود خاتمه داد.

او هنوز ازدواج نکرده و تجربه فضایی او شامل پرواز در کلمبیا در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴ و ATLANTIS در سال ۱۹۹۲ بوده است.



DAVID WOLF: متولد ۲۳ اگوست ۱۹۵۶ در ایندیاناپولیس، تحصیلات خود را در مدرسه نورت سنترال در سال ۱۹۷۴ واقع در ایندیاناپولیس خاتمه داد. ادامه تحصیل او در رشته مهندسی برق بوده و در سال ۱۹۷۸ به پایان رسانیده و دارای درجه دکترا در رشته داروسازی از دانشگاه ایندیانا در سال ۱۹۸۲ می‌باشد.

هنوز ازدواج نکرده و تجربه فضایی او شامل پرواز در کلمبیا در سال ۱۹۹۳ می‌باشد.

شرح عکس روی جلد

تصویر روی جلد اثر نقاش هنرمند دکتر شهرام فرشادفر می‌باشد که در آن حضرت موسی را به هنگام خروج از مصر و شکافتن دریای سرخ به صورت سمبلیک نشان داده است. در این نقاشی رنگ‌های آبی کهکشان مظهر ضمیر آگاه، رنگ طلایی مظهر عشق و رنگ‌های سفید و قرمز و قهوه‌یی نشانگر ردای حضرت موسی می‌باشد. شاخه‌های چپ و راست نشانی از دست‌ها و سه شاخه بالای تصویر نشانگر تاج حضرت موسی می‌باشند. رنگ‌های آبی پائین تصویر نشانگر ضمیر ناخودآگاه است.

با پرداخت حق اشتراک خود ما را هرچه بیشتر در راه رسیدن به اهداف عام المنفعه یاری دهید.

GLATT KOSHER

«گلات کوشر»

سازمان جشنها

پرسابقه ترین واولین
کیترینگ ایرانی درآمریکا

باتاسیس بزرگترین آشپزخانه

«گلات کوشر»

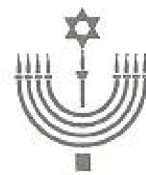
درکالیفرنیا زیرنظر ربانوت محترم ایرانی و
آمریکائی ـ به سرپرستی وزیرنظر مستقیم

RABBI
YEHUDA BUKSPAN

وباچندین سال سابقه کار دربرگزاری بزرگترین جشنها و میهمانیها دربسیاری از
هتل های درجه اول لوس آنجلس-تمپلها- ومنازل شما



سازمان جشنها



بامدیریت استثنائی بهزاد مسرور

میهمانیهای شمارا مجلل ، شاهانه ، وغیرقابل تصور برگزار میکند

غذاهای خوشمزه و **«گلات کوشر»** سازمان جشنها متفاوت ومتمایز ازهرغذای دیگری است



فراوانی ، قیمت های مناسب و بسیار ارزان
برای هرتعداد میهمان پذیرفته میشود

فقط به

سازمان جشنها

تلفن کنید

(818) 884-0054

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله هیجدهم

۳۵ ـ ما و شما

روز دوشنبه نهم مه ۱۹۹۴ کانون سخن در لس آنجلس مرا برای سخنرانی دعوت کرد. قرار شد در بارهٔ گوشه هایی از تاریخ یهود ایران سخنانی ایراد کنم. در این سخنرانی تعداد قابل توجهی از برادران و خواهران مسلمان ایرانی حضور داشتند. از امتیازات این گردهمآیی یکی این بود که اغلب حضار افراد تحصیل کرده و دانشگاه دیده بودند، دوم اینکه قشرهای مختلف عقیدتی، از حزب الهی گرفته تا ناسیونالیست های سلطنت طلب افراطی، در این سالن جمع بودند. سخنرانی و سؤال و جواب قریب چهار ساعت طول کشید. دو موضوع دوستان مسلمان را قدری تکان داد: (۱) ستم هایی که در ایران بر سر جامعه یهود وارد آمد ـــ خصوصاً در دورهٔ صفویه و قاجار؛ (۲) فاجعه جوامع یهودی ساکن حجاز در صدر اسلام.

برای اکثر حضار سخنان من غیر قابل هضم بود؛ یا اگر بهتر بگویم، باور کردنی نبود. اینها نمیدانستند که در تبریز یهودیان را در اوائل دوره قاجار سر بریده و تمام جامعه را بباد فنا دادند. اینها نمیدانستند ک تمام جامعه یهودی مشهد را در دوره محمد شاه قاجار بزور مسلمان کردند. اینها از هیچکدام از فجایع دوره صفویه اطلاع نداشتند. اینها نمیدانستند که در ایران، حتی تا صد سال پیش، یهودیان تهران مجبور بودند با «وصله جهود» در اجتماع ظاهر شوند. اینها خبر نداشتند که حتی در دوره احمد شاه، که رضاخان وزیر جنگ بود، یک آخوند حکم کرد که یهودیان تهران را قتل عام کنند؛ چرا؟ برای اینکه به الاغ نوکر ایشان از طرف فراش مدرسه آلیانس اهانت شده بود ـــ فراش قدری سر الاغ را برگردانده بود تا بچه های مدرسه، که باصفی منظم پیش میرفتند، زیر دست و پای این خر زبان نفهم له نشوند!

واما آنچه برای دوستان فرزانه مسلمان عجیب مینمود فجایعی بود که در صدر اسلام در حجاز علیه یهودیان این ناحیه صورت گرفت. من در سخنرانی خودم در این مورد وارد جزئیات نشدم. فقط به ذکر مختصری از «فتح خیبر»، که در سال هفتم هجرت (۶۲۸ میلادی) صورت گرفت، بسنده کردم. این موضوع در متن سخنرانی نبود، و فقط هنگام سؤال و جواب، ناگزیر، پیش کشیده شد. در آن هنگام، وقتی به چهره های افروخته مینگریستم حیفم آمد که نگویم (و گفتم):

رفقا هزار و چهار صد سال شما حرف زدید و ما خاموش نشستیم چون جرأت حرف زدن نداشتیم. امشب بگذارید ما حرفمان را بزنیم و شما خاموش بنشینید، با یک تفاوت، که نه تنها حق دارید حرف بزنید، بلکه من از شما تمنا میکنم مرا به شدت مورد انتقاد قرار بدهید، تا لااقل جلسه امشب یک فایده داشته باشد ـــ درک ارزش والای دمکراسی و لذت آزادی بیان و ابراز عقیده برای همه!

ما هیچوقت و در هیچ مرحله از تاریخ کوچکترین دشمنی با ملت ایران نداشته ایم و نداریم و نخواهیم داشت. ملت یهود با یونانیها، رومیها و عربها، فقط برای دفاع از سرزمین خود، و برای حفظ جان و مال و ناموس خود، جنگیده است. ملت یهود هرگز با ملت ایران ستیزی نداشته است؛ هرگز با ملت ایران جنگ نکرده است. عکس آن درست است. در بسیاری موارد، در بغرنج ترین مراحل تاریخ، ملت یهود و ملت ایران همدیگر را یاری داده اند[1].

متأسفانه امروز، دولت ایران، نه ملت ایران، تنها دولتی است که علناً فریاد میزند که کشور اسرائیل باید نابود گردد. این شعار مشموم را بر در و دیوار مغازه ها و سوپر مارکت های تهران آویزان کرده اند تا تاریخ، همانطور که رژیم رایخ سوم را از یاد نمی برد، رژیم جمهوری اسلامی ایران را نیز از یاد نبرد. سالهاست که دولتمردان هیچ کشور عربی، از جمله کشور لیبی که قذافی آنرا رهبری میکند، چنین سخنی، که بوی متعفن جنایت «جنوساید» از آن بر میخیزد، از دهان خارج نمیکنند. چقدر دردناک است وقتی خمپاره ای از سوی لبنان شلیک میشود که دستهای عرب و پول و رهبری ایران آنرا هدایت میکنند. کشتار یهودیان بی گناه آرژانتین و مسافران اتوبوس خط ۵ تل آویو چه تاج افتخاری بر تارک جمهوری اسلامی قرار میدهد؟

دوستی و محبتی که یهودیان ایرانی نسبت به ایران و ایرانی دارند حتی کمتر در میان اغلب ایرانیان مسلمان دیده شده است. میخواهم تأکید کنم که این دوستی تنها از جانب یهودیان ایرانی نیست، بلکه ملت یهود هر کجا هست نام ایران را بخاطر سرداران بزرگ تاریخ این ملت چون کوروش و داریوش با افتخار بر زبان میراند. از اعراب سخنی نمیگویم، چون دشمنی اغلب آنان با ایران و ایرانی و فرهنگ ایران با شیر مادر اندرون شده با جان بدر رود. آنها فقط در یک مورد خود را به ایران نزدیک میکنند: با پول ملت زحمتکش ایران، که در این روزها به سختی روزگار میگذرانند، دست به خونریزی مردم بی گناه بزنند ـــ بعداً اگر فرصتی شد و ایران را ضعیف دیدند چشم طمع به خاک این سرزمین دوخته خنجر بر پشت ملت ایران فرو میکنند. ملت ایران نباید هرگز از یاد ببرد که اگر نیروی هوایی

اسرائیل کوره های اتمی بغداد را با خاک یکسان نمیکرد[1]، فرزندان ایران دچار سرنوشتی وحشتناکتر از فاجعه هیروشیما میشدند.

این حقیقت دارد، و حقیقت را نباید و نمیشود پنهان نگاه داشت، که توده هایی از ملت ایران نسبت به هموطنان یهودی خود ظلم و ستم فراوان روا داشته اند. این ظلم و کشتار آنقدر هول انگیز است که نظیر آن حتی در کشور های عربی کمتر دیده شده است. **این وظیفه وجدانی ملت ایران است که از سرگذشت برادران یهودی خود با خبر باشد. این وظیفه وجدانی و اخلاقی جامعه یهود ایران است که آنی آرام نگیرد تا آخرین فرد ملت شصت میلیون نفری ایران از این حقایق تلخ و دردناک مطلع گردند. نه برای انتقام، نه برای رفع مسؤلیت، نه برای ارضای جوانب منفی نفس اماره، بلکه برای آگاهی از حقیقت؛ حقیقتی که راه را برای به زیستی مسالمت آمیز دو ملت باستانی باز میکند؛ حقیقتی، که مانند تمام حقایق، بشریت را به راستی و رستگاری راهبری میکند.**

بگذارید دردی را افشاء کنم که درد ما و شماست. شاید شما نمیدانید وقتی سانحه ای بر ملت ایران، مانند زمین لرزه، روی میدهد «دگر عضو ها را نماند قرار». عضو دیگر پیکر ایران، صد و پنجاه هزار نفر یهودی ایرانی اند که در کشور اسرائیل زندگی میکنند. بیایید با چشمان خود ببینید چگونه ماتم ایرانیان ماتم گروه یهودیان پارسی زبان اسرائیلی ست.

سال ۱۹۷۸ بود. ایران در آتش هرج و مرج و انقلاب میسوخت. روابط بین اسرائیل و ایران همچنان صمیمی بود. من در آنسال دو سفر کوتاه به ایران داشتم. اوضاع را دگرگون میدیدم؛ این دگرگونی را در دو گزارش مفصل (آوریل و اوت) به اطلاع وزارت خارجه اسرائیل رسانیدم[2]. دکتر مرتضی مرتضائی، سفیر ایران در اسرائیل، و اوری لوبرانی، سفیر اسرائیل در ایران، به نحو احسن وظائف خود را انجام میدادند. ناگهان اتفاق ناگواری در ایران روی داد، که به علت ارتباط موضوعی آن با این یادداشت، حاضر به ذکر آن در اینجا شدم.

سپتامبر ۱۹۷۸ در طبس زلزله ای روی داد که قلب همه ما ایرانی زادگان را که در اسرائیل زندگی میکنیم جریحه دار ساخت. دختر سیزده ساله ام، که مادرش در ایران زاده نشده، با دیدن مناظر جگرخراش خانه های زلزله زده، اجساد بیجان و شیون کودکان سخت ناراحت شد. او از من خواست که تمام اندوخته آن سال را هر چه زودتر برای کمک به زلزله زدگان به ایران بفرستم. نامهٔ زیر خود گویای این حس همدردی ست:

سوم ماه مهر سال ۲۵۳۷ شاهنشاهی

۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸

جناب آقای دکتر مرتضی مرتضائی

رامت گن، اسرائیل

دوست دانشمند و سرور فرزانه درود فراوان بر شما،

ابتداء میخواهم از طرف خود و از طرف استادان همکارم سانحه دردناک زمین لرزه را که موجب مرگ هزاران و بی خانمان ساختن ده ها هزار تن از برادران و خواهران ایرانی عزیز ما گردیده اظهار تأسف کنم و امیدوارم باز ماندگان این سانحه بر اثرات سنگین این غم بزرگ چیره شده و همچنان بزندگی شرافتمندانه خود و آبادانی کشور ادامه دهند.

دخترم، شارون، از مشاهده صحنه های جانگداز زمین لرزه در تلویزیون اسرائیل مانند همه ما سخت ناراحت شد و از من خواهش کرد که همهٔ اندوخته او را بمبلغ چهار صد و شصت و پنج لیره برای بچه های ماتم زده این سانحه بفرستم. وقتی بار گفتم این مبلغ نا چیزی است، در جواب گفت با این مبلغ میشود بمدت یکسال روزی یک استکان شیر برای یک بچه تهیه کرد[3].

طولی نکشید نامه مذکور در ارتباط با سانحه زمین لرزه چنین پاسخ داده شد:

وزارت امور خارجه

شماره ۲۳۴۲ / ۹ - ۲۶۰

تاریخ ۱۸ / ۹ / ۱۳۵۷

جناب آقای دکتر امنون نتصر

دوست ارجمند و عزیزم

مبلغ / ۴۶۵ لیره موضوع نامه سوم مهر ماه جنابعالی جهت پرداخت به زلزله زدگان طبس به وزارت امور خارجه شاهنشاهی حواله شد. از آن وزارت از اینجانب خواسته شده است که مراتب قدردانی و سپاس وزارت امور خارجه را بخاطر این اقدام نوعدوستانه به فرزند خرد سال شما ابلاغ نمایم.

مزید توفیق و سعادت و سلامت جنابعالی و فرزند دلبندتان را از خداوند مسئلت دارم.

ارادتمند صمیمی

مرتضی مرتضائی

---

۱ رک به: روابط اشکانیان با یهودیان، ره آورد، جلد ۳۴، لس آنجلس، ۱۹۹۳، ص ۳۰ - ۳۵.

۲ متن این دو گزارش را به موقع خود منتشر خواهم ساخت.

۳ ادامه این نامه در شش صفحه در محور روابط دو کشور اسرائیل و ایران دور میزند که در موقع مناسب متن آن منتشر خواهد شد.

نوری از قعر تاریکی

الی ویزل از آشویتس، زندگی یهودی و ستیزش برای حقوق بشر، سخن می‌گوید.

شاعر، معلم، رویا پرداز، مرشد و عالم، بازمانده هالاکاست، نویسنده ۳۷ کتاب، برنده جایزه صلح نوبل و مدال طلای کنگره از آمریکا، الی ویزل شصت و شش ساله برای بسیاری تلؤلو بهترین نمونه یک یهودی در میان قوم خود، در نیمه دوم قرن بیستم است.

یک ستاره ولی نه دور، با صورتی که هزاران حرف دارد و چشمان مغموم و عمیق در مواقع بی‌شماری در تاریخ اخیر به ما خیره شده - رهبری در تغییر اوضاع یهودیان روسیه، درخواست عاجزانه از پرزیدنت ریگان که به بازدید قبرستان افسران اس - اس نرود، ترغیب پرزیدنت کلینتون که برای مردم باسنیا در آن منطقه دخالت کند، و حتی اخیراً تشویق رئیس جمهور لهستان، لخ والسا که قربانیان یهودی را چندی پیش در مراسم سالگرد آزاد سازی آشویتس یاد نماید.

او در سال ۱۹۲۸ در شهرک کوچکی در ترانسیلوانیا به دنیا آمد. یک نوجوان عمیقاً روحانی، که تلمود و کبالا را خوانده بود. در ۱۹۴۴، دنیای او دچار تلاطمی شدید گردید. خانواده او همراه با تمامی مردم به آشویتس فرستاده و پدر، مادر و خواهر کوچکش نابود شدند. کتاب اول او به نام «شب» (که پاورقی آن را در همین نشریه چشم انداز می‌خوانید) که در سال ۱۹۵۶ به چاپ رسید، سرگذشت او را در این باره شرح می‌دهد. کتابی که آن را سرچشمه هر چه نوشته و خواهد نوشت، نام می‌برد.

کتاب‌های او و درسهایی که به عنوان پرفسور در دانشگاه بوستون می‌دهد، او را در ارتباط مستقیم با هزاران نفر قرار می‌دهد. در نوشته‌هایش، درست مثل رابطه حضوری، یک نفوذ مؤثر ساده، یک اصرار مشابه در مورد اهمیت بی حد خاطره و یاد به چشم می‌خورد. خاطره هالاکاست، درست - اما تمامی محور تاریخ یهودی هم همینطور. می‌گوید:

«امروزه ما نمی‌توانیم واقعاً یک یهودی باشیم بدون این که احساسی در مورد این تراژدی نداشته باشیم. این یک عنصر مرکزی، یک پایه‌ای از خاطره ماست. اما نه تنها عنصر. قبل از آن خیلی چیزهای دیگر است، تلمود، میدراش، اگر چیزهای دیگر را ندانید، برای همیشه در یک حالت غمناک خواهید ماند.»

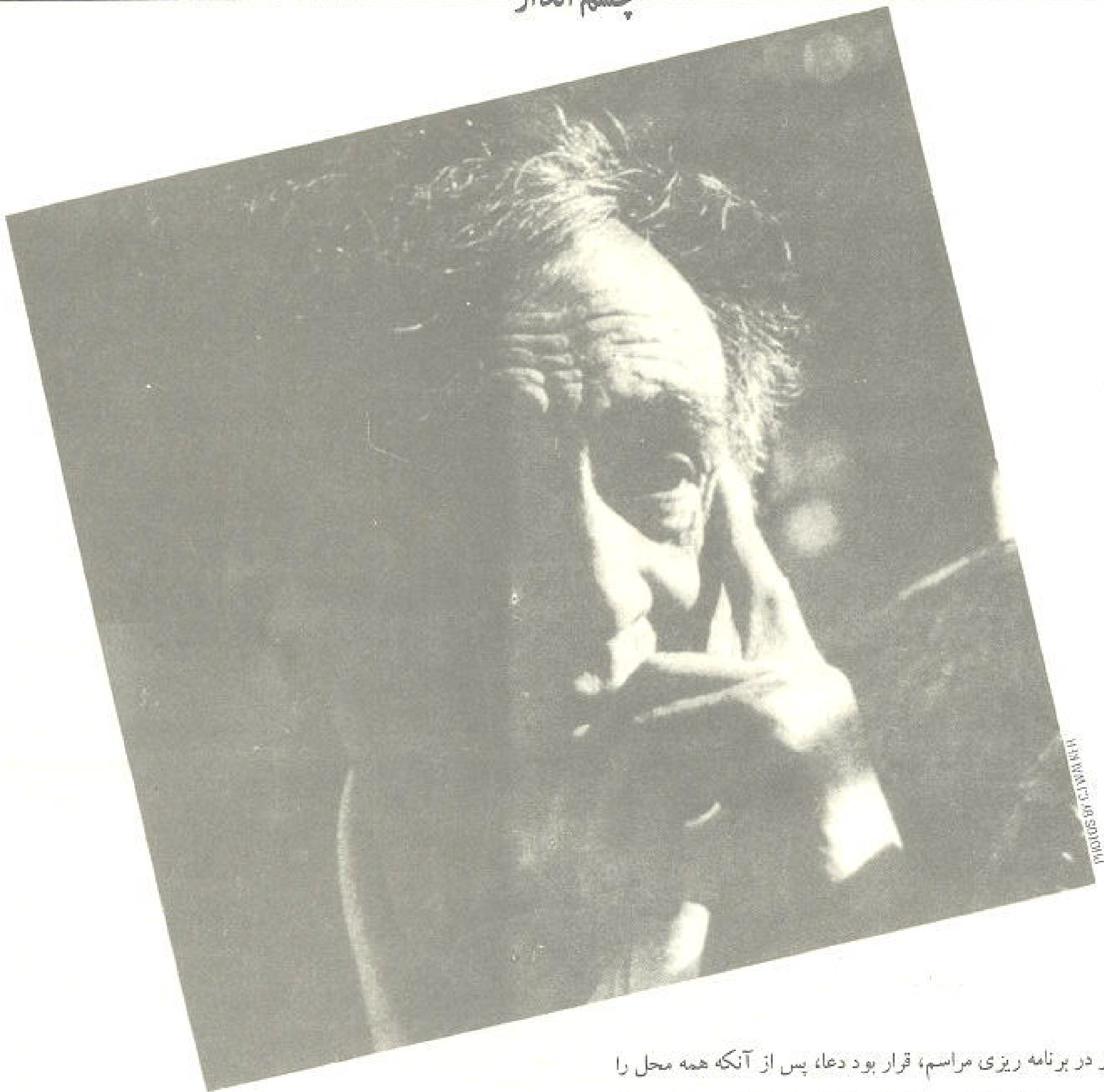
ماه گذشته در مراسم پنجاهمین سالگرد آزاد سازی آشویتس، در لهستان شرکت کردید، چه احساسی داشتید؟

این اولین و آخرین مراسم از نوع خود است. بدبختانه بخاطر اوضاعی که قبل از مراسم پیش آمد حتی تصمیم گرفتم که شرکت نکنم ولی چون پرزیدنت کلینتون مرا رئیس گروه اعزامی از طرف خود نموده بود و می‌خواستم به این تناقضات را خاتمه بدهم، شرکت کردم.

لخ والسا، جمله‌ای به سخنرانی خود به این مضمون، «مخصوصاً ملت یهود»، را وقتی از رنجهای ملل دیگر نام برد اضافه نمود. آیا بخاطر دخالت شما بود؟

من خواستم. دقیقاً اگر نخواسته بودم، اتفاق نمی‌افتاد. در همین حال، احساس کردم کوچک شده‌ام. که بایستی برای این موضوع بجنگیم. ما بردیم...اما حتی برایش جنگیدن، غلط بود. این چیزی نیست که باید برایش جنگ کرد. پنجاه سال بعد از واقعه، بایستی به لهستان بیاییم که به لهستانیها بگوییم که قربانیان اصلی، اکثریت قریب به اتفاق یهودی بودند؟ این جنگ است؟

و والسا، سخنرانی او حاضر شده بود. بنابراین تفاوتی بین آنچه نوشته شده بود و گفته شد وجود دارد. درخواست من از او اول، دعا،



بود. در در برنامه ریزی مراسم، قرار بود دعا، پس از آنکه همه محل را ترک می‌کردند انجام و پس از آن قدیش اجرا گردد. وقتی یک یهودی می‌میرد، قدیش گفته می‌شود، وقتی صدها هزار یهودی می‌میرند کسی نباید برای آنان قدیش بگوید؟

تا این موضوع را گفتم، والسا، قبول کرد فقط اعتراض کرد که چرا قبلاً به او نگفتم. می‌شناختمش - من کسی بودم که برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ او را به آشویتس آوردم.

واکنش او در آن موقع چه بود؟

بسیار تکان خورد بود. سخنرانیهایی آنجا شد - از کمک من به SOLIDARITY (که لخ والسا رهبری آن را به عهده داشت - مترجم) تشکر کرد و من به او قول دادم که تمام ما پیامبران او خواهیم بود که آزادی را به کشورش بیاوریم. اما من او را نگاهبان قربانیان یهودی انتخاب کردم. به او گفتم، نگاهبان ما برای این آرامگاه نامرئی باش، چراکه ما نمی‌توانیم بیائیم. دیگر یهودی‌ای اینجا نیست و او قول داد.

برای این خاطر بسیار برایم دردناک بود و باین خاطر زود توانستم مسئله را فیصله دهم. گفتم، نگاه کن، این عمل باید انجام شود. من قدیش می‌گویم و مراسم آخرش یک مراسم یهودی شد. با دعاهای یهودی شروع و با قدیش خاتمه یافت. یک مراسم یادبود مردگان

کاملاً یهودی.

اما دومین موردی که از او خواستم این بود که بگوید اکثریت قربانیان یهودی بود و او هم گفت.

فکر می‌کنید والسا، آدم درستی است؟

خیلی از دوران فعالیت‌های انتخاباتی‌اش دلخور بود. (والسا، حرفهایی که بوی آنتی ستیزم می‌داد را در زمان فعالیتهای انتخاباتیش زده بود) که من دوست نداشتم و او هم می‌دانست چون من هم جواب داده بودم. اما میدانید، سیاستمداران، مخصوصاً در اروپای شرقی. من برای هیچ پستی در آنجا کاندید نمی‌شوم اینجا هم همینطور، هیچ جایی نمی‌خواهم.

اما شما، بهر حال وجدان ما هستید.

نه خواهش می‌کنم نگوئید. جدی میگم. نمی‌خواهم مردم این را بگویند. وجدان، چیزی نیست که آدم به کسی قرض بدهد. هر کسی برای خودش وجدان خودش را دارد. نه کسی وجدان من است و نه من وجدان کسی هستم. من می‌توانم به وجدان کسی رو کنم و چیزی بخواهم.

اما به عنوان نگاهدارنده خاطرات....

نه. همه ما هستیم.

بسیاری از نویسندگان هالاکاست خودکشی کرده‌اند. آیا این بخاطر دردی است که در غایت تحمل آن خارج از حد است؟

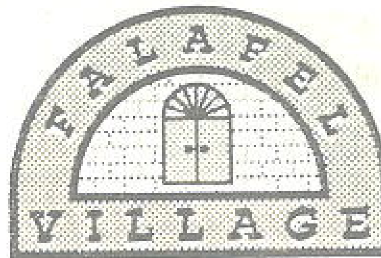
درد خاطرات نه. برای نویسندگان درد عدم توانایی برای ایجاد رابطه کردن در مورد خاطرات است. و برای اینکه با موضوعی طرفیم که نمی‌توانیم درباره‌اش توسط کلمات رابطه ایجاد کنیم و نویسندگان چیزی بجز کلمه ندارند، به همین خاطر است که پال سلان شاعر CELAN PAUL در فرانسه، KOSINSKI BETTELHEIM, و یک لیست بزرگ بزرگ وجود دارد. ترسناک است.

شما از اولین کسانی بودید که نطفه موزه یادبود هالاکاست آمریکا را گذاشتید، نتیجهٔ آن را چگونه می بینید؟

فکر می‌کنم من ۹ تا ۱۰ سال از زندگیم را در آن سرمایه گذاری کردم. خوب است. هیچ وقت نمی‌کردم که در جلب مردم آنقدر موفق باشد.

در مورد آدمهایی که برای دلایل غلط، مثل تهییج احساسات به آنجا

UNDER R.C.C.
SUPERVISION



انواع غذاهای اسرائیلی
فلافل
کباب
سالادهای گوناگون
دسرهای خوشمزه

GLATT KOSHER
DELIVERY
AVAILABLE

کیترینگ برای کلیهٔ مراسم شما

FALAFEL VILIAGE GLATT KOSHER CATERING SERVICE
16060 VENTURA BLVD. # 103 ENCINO, CA 91346
(CORNER OF WOODLEY)
TEL; (818) 783-1012

می‌روند چه نظری دارید؟

مثل یک کتاب را برای دلیلی غلط خواندن؟ ما نمی‌توانیم کنترل کنیم. من کاری را می‌کنم که می‌توانم، می‌نویسم، و بعد خواننده هم باید چیزی از خودش را بدهد. همراهی - و شما نمی‌توانید کنترل کنید. نبایستی کنترل کنید. تنها دیکتاتوریها کنترل می‌کنند. ما درست به مصداق «تو نیکی میکن و در دجله انداز» کاری می‌کنیم. نانی در آب می‌اندازیم. یک کسی بالاخره آنرا پیدا می‌کند. بعضی وقتها ممکن است زارعی باشد، شاید دزدی، یا یک شخص گرسنه‌ای که حواسش جمع بوده - کی می‌داند؟

چرا تا ده سال پس از هالاکاست در این باره شروع به نوشتن نکردید؟

۱۰ سال برای من طول کشید تا درباره‌اش بنویسم. می‌نوشتم، اما نه درباره این موضوع. می‌دانستم که خواهم نوشت ولی به ۱۰ سال وقت احتیاج داشتم که کلمات را پیدا کنم.

برای کسانی که در دهه ۵۰ بزرگ شده‌اند، هالاکاست مورد بحث قرار نگرفت. فکر می‌کنید تمام ما احتیاج به زمان داشتیم تا بتوانیم به آن نظر بیاندازیم؟

«شب» در سال ۱۹۶۰ در آمریکا چاپ شد. در ۳۰۰۰ جلد و من نمی‌توانستم ناشری برای آن پیدا کنم. اول به زبان یدیش (زبان مخصوص یهودیان اروپائی - مترجم)، در ۱۹۵۶ در آرژانتین و ۱۹۵۸ در فرانسه چاپ شد. یادم می‌آید که دلال ناشر فرانسوی نمی‌توانست ناشری در آمریکا پیدا کند، علیرغم استقبال بی سابقه در فرانسه و فرانسوا موریاک، خدای من، این بزرگ‌ترین مرد که مقدمه آن را نوشت، ناشری اینجا پیدا نمی‌شد. بالاخره یک ناشر کوچک ۱۰۰ دلار به ما داد - ۵۰ دلار به ناشر فرانسوی رسید و ۱۰ در صد به دلال من.

بعضی ربای‌ها می‌خواستند راجع به کتاب حرف بزنند و مادرها می‌آمدند و می‌گفتند «بچه‌های ما را با این داستانهای غمناک دل آزرده نکنید.» کم‌کم مردم شروع کردند. آسان نبود.

اما هدف اولیه من دستیابی به بازماندگان هالاکاست بود. نمی‌خواستم به تمام جهان دست پیدا کنم. می‌خواستم بدانند. بایستی شاهد باشند، چون هر کدام از آنان حرفی دارند بزنند. حتی امروزه هم خیلی دست نویس دریافت می‌کنم. بعضی از آنان ثروتمندند، که از آنان می‌خواهم صندوقی ایجاد کنند که این خاطرات را نشر بدهم.

رحیم یعقوبیان

مشاور خرید وفروش و اجاره املاک

در اسرائیل

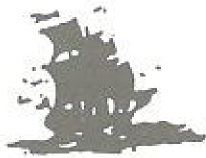
جهت هرگونه مشاوره ویا سرمایه گذاری
در اسرائیل
لطفاً باشماره مستقیم تلفن ـ فکس
۰۴۵۱ - ۵۰۵ - ۳ - ۹۷۲
ویا درلس آنجلس با مهندس شهرام یادگاری
تلفن ۸۳۴۹ - ۸۵۸ - ۳۱۰
فکس ۰۸۵۲ - ۸۵۸ - ۳۱۰
تماس بگیرید

آیا شما برای بیمه خود زیاده از حد پرداخت میکنید؟

به سرپرستی **ایرج منیفی**

بیمه های

- تجارتی
- صدمه بدنی در محل کار
- ضمانت نامه
- درمانی و سلامت
- اتومبیل
- منزل
- بازنشستگی
- عمر و از کار افتادگی



Caspian Insurance Services

(818) 781-0401
FAX: (818) 781-4441
16438 VANOWEN st., SUITE F
VAN NUYS, CA 91406



بخاطر اینکه هر کسی داستانی دارد و الان موقع تعریف کرد نشان است. وقتی بازماندگان به آمریکا آمدند مردم می‌گفتند راجع به این موضوع صحبت نکن. در اسرائیل هم همینطور - فراموش کن - این جا یک کشور جدید است - گذشته را فراموش کن- داریم یک زندگی نو شروع می‌کنیم.

اما امروزه، نسل جوان‌تر، نوه‌های بازماندگان، به نظر می‌رسد خیلی علاقمند به شنیدن هستند.

من ایمانی قوی به جوانان دارم، عکس العمل یهودیان آمریکایی در مورد یهودیان روسی بسیار از جوانان تأثیر پذیرفت. وقتی در سال ۱۹۶۵ شروع به جنگیدن برای حقوق روسها کردم، هیچ سازمانی یهودی تکان نخورد. گوش به این موضوع نمی‌دادند. کسانی که واکنش نشان دادند جوانان بودند. نمی‌خواستند مثل والدین یا پدر بزرگ و مادر بزرگهایشان در مورد یهودیان اروپائی باشند.

در مورد یادبود هالاکاست هم همینطور. جوانان خوبند، شایسته معلمین و رهبران بهتری هستند، جامعه یهودیان آمریکائی به رهبری نیاز دارد. ما رهبرانی که سرمشق بوده و ملهم شده باشند، نداریم.

جامعه یهودی آمریکائی در رابطه با تغییراتی که در اسرائیل صورت می‌گیرد و روند صلح را چگونه می‌بینید؟

به عقیده من روند صلح غیر قابل برگشت است، ما نبایستی به آن صدمه‌ای وارد کنیم. جنگ یعنی مرگ، مرگ، جواب هیچ چیزی نیست. من معتقدم که ملت اسرائیل و فلسطین از رفتن به قبرستان خسته شده‌اند. عرفات بخاطر ضعفی که نشان می‌دهد، همه ما را ناامید کرده ولی به هر حال اسرائیل باید راهی برای ادامه دادن به این روند پیدا کند.

مثل یهودیان آمریکائی، یهودیان در غربت (گالوت) همیشه یک مسئله بوده. نه رابطه اسرائیل با اعراب، بلکه رابطه اسرائیل به یهودیان در گالوت. آیا ما دو ملتیم یا یک قوم؟ دوست دارم فکر کنم که از یک قومیم. که برادران یکدیگریم.

وقتی یک یهودی به اسرائیل می‌رفت، معمول بود که از او می‌پرسیدند: کی می‌آیی؟ اونجا چکار می‌کنی؟ به عقیده من این غلط

است. البته نهایتاً این سئوالی است که هر یهودی باید روزی از خودش بپرسد - ما اینجا چکار می‌کنیم؟ حالا بعد از ۲۰۰۰ سال انتظار یک کشور یهودی داریم. ولی نمی‌خواهم آن‌ها این سئوال را بکنند. من خودم باید بپرسم - ما درک مخصوص خودمان را از زندگی یهودی داریم، حتی اگر جوابی به این سئوال اینجا چیکار می‌کنم نداشته باشم. یک روز - سال بعد، در یروشالئیم.

در مورد برخورد بین گروههای ریفورم - کنسروتیو و ارتدکس در آمریکا چه نظری دارید؟

دوست ندارم در بگومگوهای بین یهودیان دخالت کنم، اگر بتوانیم صلحی بین آنان ایجاد کنم، جایزه نوبل دیگری خواهم برد. نه من نه هیچ کس دیگری خواهد توانست. چیزی که از آنان انتظار دارم - تحمل یکدیگرست.

شما بسیار ایمان را به سئوال کشیده‌اید. آیا مرتب به کنیسا می‌روید؟

گاهی می‌روم - سعی می‌کنم مذهبی باشم. من طبیعتاً با خدا بگومگو می‌کنم. اما از ایمان درونی نه از بیرون. بعد از بگو مگو با او، می‌روم دعا می‌کنم.

پدر شدن چه اثری بر شما داشت؟ «پسر ویزل در سال ۱۹۷۳ بدنیا آمد. او و همسرش در شهر نیویورک زندگی می‌کنند).

از لحظه‌ای که پدر شدم یک آدم دیگر شدم. پس از تولد پسرم، در امور حقوق بشر بسیار در گیر شدم. قبلاً برای وضعیت و مهاجرت یهودیان روسی فعالیت می‌کردم. احساس کردم، چون یک پسر دارم، بچه‌های دیگری ناخواسته با این دنیا وارد می‌شوند. ما بایستی جهان را برای آنان بهتر کنیم.

خیلی سخت است بچه بودن، جوان بودن، به دانشجویانم نگاه می‌کنم و برایشان تأسف می‌خورم. چی داریم به آن‌ها می‌دهیم؟ حتی دوران من آسان‌تر بود. بعد از جنگ دوران بسیار سختی را گذراندم، روزهایی بودند که واقعاً غذای کافی برای خوردن نداشتم، ولی بهر حال نوعی امید وجود داشت که دنیا دارد یاد می‌گیرد و اوضاع باید بهتر شود. حالا، بسیاری از بت‌ها خیانت کردند. بسیاری از پناهگاه‌های امن از بین رفتند. خیلی سخت است.

کجا هستیم و در چه حالی؟

خیلی گیج، همه در حالی که خیلی به قرن بیست و یک نزدیکیم، اینطورند. از یک طرف می‌توانیم بگوئیم هیچ وقت این قدر خوشحال

زمین و دیگر املاک شما را در اسرائیل خریداریم.

جمشید شبان و همکاران

با بیش از چهل سال تجربه و کمال امانت داری، بهترین مرجع برای همکاری کامل در جهت فروش، خرید و یا مدیریت امور املاک شما می‌باشند.

برای هر گونه مشاوره و کسب اطلاعات مورد علاقه‌تان با آقای جمشید شبان در اسرائیل تماس بگیرید:

شماره تلفن **Tel. 011-972-3-5465531**
شماره فکس **Fax 011-972-3-6054554**

Att: Mr. J.J. SHABAN
54 Pinkas Ave.
Telaviv 62261
ISRAEL



بستنی و فالوده اکبر مشتی

محصولی جدید از اکبر مشتی

برای اولین بار بستنی ایرانی تهیه شده از شیر گیاهی
NON DAIRY

بستنی و فالودهٔ کاشر اکبر مشتی تهیه شده از عالی ترین مواد اولیه
فروش در کلیهٔ فروشگاه‌ها و رستوران‌های معتبر ایرانی در سراسر آمریکا
بستنی کاشر موجود است

در جشن ها ومیهمانی هایتان ازکیتر خود بخواهید بستنی اکبر مشتی سرو نماید

تهیه شده از مواد ۱۰۰٪ طبیعی

تلفن مرکز پخش (213) 874-0144 در سراسر آمریکا

1525 N. La Brea Ave.,Los Angeles,CA 90028
(Corner of Sunset & La Brea)



نبوده‌ایم. قادریم به کنیسا برویم، خیلی بیشتر از قبل از جنگ در یشیواها (مدارس مذهبی یهودی) دانشجو داریم. از طرف دیگر اسرائیل در خطر است، یهودیان از طرف انتی سمیتها و ازدواج مختلط در خطرند. از هر دو جنبه می‌توانید به آن نگاه کنید.

آیا زیاد به اروپای شرقی می‌روید؟

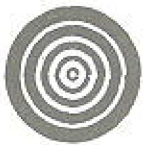
زیاد نه - به روسیه رفتم. کارهایی است که می‌توان آنجا انجام داد. جاهای دیگر در اصل سانتی مانتال بودند. همیشه می‌خواستم به محل تولدم برگردم. وقتی آنجا نیستم می‌خواهم آنجا باشم. می‌خواستم برگردم تا ببینم، که شاید تمام اتفاقاتی که افتاده تنها رویای من بوده، که شاید هنوز یهودیان در آنجا هستند.

اما به مجردی که به آنجا می‌آیم می‌خواهم محل را ترک کنم. ترس تمام وجودم را می‌گیرد. دو سه باری که برگشتم بسیار ترسیدم. آنی که وارد می‌شود، می‌خواهم برگردم.

واکنش شما به فرو ریختن دیوار برلن در سال ۱۹۸۹ چی بود؟

در موردش در نیویورک تایمز نوشتم، گفتم که نگرانم، دیوار، هشتم یا نهم نوامبر فرو ریخت. شب کریستال KRISTALNACHT (شب مخوفی که نازیهای ضد یهود در آلمان در ۹ نوامبر ۱۹۳۸ به کنیساها و مغازه‌های یهودی حمله کردند) را همه فراموش کردند. گفتم شب کریستال را همه همدیگر فراموش کرده‌اند، دیگر چه چیزی را فراموش خواهند نمود؟ و نامه‌های ضد یهودی برای من فرستاده شد، شما یهودیان به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کنید، فقط خودتان به حساب میائید به خواسته‌های دیگران توجهی ندارید.

در عین همین حال، چیزهای خوبی هم بود، وزیر فرهنگ اطریش در نامه‌ای از من خواست به وین سفر کنم و آن‌ها روزی را به افتخار من سازمان خواهند داد. من جواب نوشتم درست یک روز بعد از آنکه والدهایم (رئیس پیشین سازمان ملل که به ریاست جمهوری اطریش انتخاب شد و یهودیان اعتقاد دارند و با مدارک ثابت کرده‌اند که در



جنایات نازیها در جنگ دوم جهانی دست داشته است) آنجا را ترک کند، خواهم آمد.

جوابی به شما داد؟

فکر نمی‌کردم بدهد. اما بعد از انتخابات آمدم. آن روز را روز جنگیدن با فاشیسم نام گذاشته بودند. ۸۰ هزار آدم آنجا بودند. به من گفتند از بالکونی صحبت خواهم کرد که هیتلر در سال ۱۹۳۸ سخنرانی کرده بود و از آن موقع کسی از آن محل برای ایراد سخنرانی استفاده نکرده است. می‌خواستم دعا بخوانم ولی فکر کردم آن محل پاک نیست، نتوانستم. خیلی ساده گفتم: «هیچ وقت مطمئن نبودم که حس عدالتی در تاریخ وجود داشته باشد، اما حس شوخی در آن است».

در نوشته‌ها و کتابهایتان، می‌گوئید که چگونه ما قادر نیستیم به نفرت ادامه بدهیم. آیا واقعاً به این موضوع معتقدید؟

کاملاً. فکر نمی‌کنم ما یهودیان قادر به نفرت ورزیدن باشیم. از خود نفرت داشتن، آری. امّا یهودیان نمی‌توانند از یکدیگر متنفر باشند. هر سال و چندی سمینارهایی در تشریح نفرت برگزار می‌کنم.

وقتی ما در تورات از نفرت صحبت می‌کنیم تنها در مورد نفرت برادر است. نگاه کنید، با نفرت ورزانی در میان خودمان داریم، فناتیکهای یهودی پر از نفرت هستند. اما فکر نمی‌کنم یک خصوصیت یهودی باشد.

چرا آدمها از ما نفرت دارند؟

انتی سمیتیزم به قدمت وجود ملت یهود است. تا به امروز نمی‌دانم چرا. وقتی از من می‌پرسند، معمولاً جواب می‌دهم از من نپرسید، از آنها بپرسید! من بایستی کار آنها را آسان کنم؟ بگذار خودشان دنبالش بروند که چرا از من متنفرند. من هیچ وقت آنها را ندیده‌ام. آنتی سمیت‌ها از آدمهایی که هرگز ندیده‌اند، یا نشنیده‌اند، متنفرند. این واقعیتی که شما یک یهودی هستید یک آنتی سمیت در شهر کیو (KIEV) را از شما متنفر می‌کند. در نبراسکا، شما را هرگز ندیده، از شما متنفر است. مثل عشق می‌ماند. عشق را هم نمی‌توان توضیح داد.

حسادت است. غبطه خوردن، فناتیک بودن، مذهب، ما خدایشان را کشته‌ایم و بقیه قضایا با تمام تناقضاتشان از ما متنفرند چون فقیریم، از طبقه کارگریم، کمونیستیم. در همان حال نیز متنفرند چون ثروتمندیم. از ما متنفرند برای آنکه عاجزیم و از طرف دیگر دنیا را داریم کنترل می‌کنیم. از ما نفرت دارند چون خیلی منطقی هستیم یا باندازه کافی منطق سرمان نمی‌شود. راهی برای برنده شدن نیست. مائیم، نه کاری که می‌کنیم. چون هستیم از ما متنفرند.

در مورد سیاست یهودیان محافظه کار چه نظری دارید؟

کشور آزادی است. بگذار راه ارتباط و تضاد و رویاروئی لفظی باز باشد - سالم است.

و دیگران، کسانی که راست افراطی نامیده می‌شوند؟

پت بوکانن را در جلسه‌ای در مورد BITBURG دیدم، آن موقع رئیس ارتباطات کاخ سفید بود. یک آدم کثیف است. فکر نمی‌کنم عشق به یهودیان از خصوصیات بارز او باشد. فکر می‌کنم او یکی از کسانی بود که سفر ریگان را به BITBURG ترتیب داد. (الی ویزل قرار بود که نشان طلای کنگره را در سال ۱۹۸۵ دریافت کند وقتی خبر رسید که پرزیدنت ریگان قرار است که از قبرستان افسران اس اس در BITBURG آلمان دیدن کند، در سخنان پذیرش این مدال در کاخ سفید، از پرزیدنت خواهش کرد که به دیدار این قبرستان نرود. ویزل گفت: «آقای رئیس جمهور، آنجا، جای شما نیست. جای شما با قربانیان اس اس‌هاست».

متعجبم بعد از حرفهای شما چرا عقیده ریگان عوض نشد؟

او همیشه به توصیه کارمندان دوروبرش گوش می‌داد، همیشه. متن سخنانم را روز قبل برایش فرستادم، گفتم، آقای رئیس جمهور بخوانید و به من بگوئید.

روز تشریفات او را دیدم. قرار بود مراسم در اطاق شرقی انجام شود ولی بخاطر قضیه BITBURG آن را در کوچک‌ترین اطاق کاخ سفید برگزار کردند. فکر کردند که مدال مرا هر چه زودتر بدهند و قال قضیه را بکنند.

به او گفتم: شما حرف می‌زنید، مدالی به من می‌دهید، من صحبت می‌کنم. بعد تصورش را بکنید، شما با سابقه‌ای که در بازیگری دارید، وقتی من حرفهایم تمام شد، بر می‌گردید به محل سخنرانی و میگوئید نخواهم رفت. گفتم آن وقت شما قهرمان دنیا خواهید بود. و در ضمن در کارآکتر هم است، نشان خواهید داد که به کسی نیاز ندارید، که شما خودتان تصمیم می‌گیرید.

او گفت بله، اما یک ساعت پیش با صدراعظم هلموت کهل صحبت کردم و او اصرار دارد. گفتم بسیار خوب، درک می‌کنم، بعد از این که این حرفها را زدید. به اطاق خود در کاخ برگردید، به صدراعظم تلفن کنید و بگوئید، مرا می‌شناسی، من یک مرد مسن و سانتی مانتالی هستم، راه دیگری نداشتم، جبران خواهم کرد. فکر می‌کنید که صدراعظم چکارتان بکند؟ قطع رابطه می‌کند

ریگان گفت کارمندانم مخالف این هستند. او مرد پاکی بود. ولی به حرف کارمندانش گوش می‌داد.

در پنجاه سال آینده چه چیزی انتظار ما را می‌کشد؟

من و شما به قوم پیامبران تعلق داریم. در سنت ما پیامبران آخر و عاقبت خوبی نداشته‌اند. تمامشان کشته شدند. می‌خواهید من پیامبر بشوم؟ من نمی‌دانم فردا چه کار خواهم کرد.

چطور هنوز می‌توانید به این قشنگی بنویسید؟

خیلی سخت کار می‌کنم. هر کتابی را همیشه سه بار می‌نویسم. خیلی سخت گیرم. هر دست نویسی اولش سه برابر آخرش است. دائم کوتاه می‌کنم و می‌برم.

هر روز غیر از روز شبات دارم می‌نویسم. تا حالا ۳۷ کتابم چاپ شده‌اند. شبها ۴ ساعت می‌خوابم. اگر ۵ دقیقه بیشتر بخوابم احساس بدی می‌کنم. از میگرن رنج می‌برم.

از چه چیزی لذت می‌برید؟

همه چیز - نوشتن، خواندن، با دوستان بودن، گوش دادن به موسیقی.

به خودتان اجازه می‌دهید از دست آوردهایتان خوشحال باشید و احساس غرور کنید؟

همیشه متنی وجود دارد که همه چیز را با آن اندازه می‌گیرند. یک مثالی برایتان می‌زنم. در سال ۱۹۶۸، یک جایزه بسیار مهمی در ادبیات فرانسه وجود داشت بنام THE PRIX MEDICIS (که ویزل بخاطر «گدائی در یروشالئیم» این جایزه را برد). در اطاق ناشرم در فرانسه نشسته بودم که از نتیجه این مسابقه اطلاع پیدا کنیم. ناشرم خیلی خیلی عصبی بود. می‌گفت باور نمی‌کنم. آیا واقعاً اینقدر آرام و راحتی؟ خوشحال نمی‌شی اگر این جایزه را ببری؟ آنقدر ساکتی که انگار اهمیتی برایت ندارد؟ به او گفتم: وقتی یک اتفاق بد برایم می‌افتد چشمانم را می‌بندم و به ۲۵ سال پیش فکر می‌کنم. آنوقت هیچ چیزی دیگر بد نیست.

وقتی یک اتفاق خوب می‌افتد. چشمانم را می‌بندم، خودم را در ۲۵ سال پیش می‌بینم و چیزی که خوب است دیگر به آن خوبیها هم نیست.

اما این به آن معنی نیست که لذت نمی‌تواند واقعی باشد، یک لذت سالم و خوب است، که من می‌خواهم، انتظارش را دارم و برایش دعا می‌کنم. بعد چشمانتان را که برای لحظه‌ای می‌بندید و می‌بینید لذت یک کم آلوده است.

شاید نباید چشمانتان را ببندید.

می‌خواهم. می‌خواهم. می‌خواهم زندگی کنم.□

ما خریدار املاک شما در اسرائیل هستیم

ABLE INVESTMENTS
Real Estate Investments & Consultations

انجام کلیه امور ملکی در اسرائیل

* خرید * فروش * ارزیابی * رسیدگی حقوقی

* مشاوره درامور سرمایه گذاری

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس بگیرید:

TEL: (818) 789 - 4894 FAX: (818) 789 - 4895


گلت کاشر
کیترینگ یافا سازمان دهندهٔ
مجالس و جشن‌های شما
با ۱۶ سال سابقه درخشان
יפה קייטרינג
הקייטר שלך
לכל האירועים
תשלובת מאכלים
מרוקאים ועל האש
הפרסי
לאניני הטעם הטוב
שירותמעולה ואוכל
ללא תחרות
למוסדות, משרדים
וסטודנטים מחירים מיוחדים
לפני כל אירוע היוועץ עמנו קודם
לפני כל החלטה
יש לנו מה להציע שלא תוכל לוותר
גלאט כשר
לפנות ליעקב (213) 656-9232

خانه و خانواده

از: جاده کم عبور
نوشته: اسکات پک

«فرزندان خود را طوری بار بیاورید که هنگامیکه محیط خانه را ترک می‌کنند تا قدم به دنیای بیرون بگذارند پایبند به اعتقاداتی که به آنان آموخته‌اید حتی تا هنگام پیری بمانند.»

این یک راهنمائیست که در Book of) (Proverbs آمده است. البته این گفته برای والدین که دایماً در حال دست و پنجه نرم کردن برای به وجود آوردن انضباط هستند غیر ممکن به نظر می‌آید. بزرگ‌ترین مسأله برای والدین پیدا کردن متدیست که در حینی که به بچه‌ها استقلال را می‌آموزد فضا برای راهنمائی‌های والدین هم بگذارد. تجربه ثابت کرده که انضباط مثبت مؤثرترین شیوه در رابطه با فرزندان است. بیاد داشته باشید که از انضباط مثبت برای کنترل فرزندانتان استفاده نکنید، بلکه فقط بعوض آموزش «کنترل نفس».

این متد باعث بوجود آوردن اعتماد بنفس در بچه‌ها می‌شود و نتیجتاً به آنها روش بدست آوردن استقلال را نشان می‌دهد. بطور خلاصه انضباط مثبت باعث پایه ریزی و ساختن یک زندگی سالم و خوب برای فرزندانتان می‌شود.

بگفته دکتر بتلهایم روانشناس: «بیشتر والدین انضباط و تنبیه را در یک مقام مساوی قرار می‌دهند. در صورتی که تحقیقات نشان



داده است که تنبیه کم اثرترین متد برای بوجود آوردن کنترل شخصی شناخته شده». او معتقد است که بهترین راه برای مبدل شدن به یک انسان با کنترل شخصی تقلید از اشخاص محبوب و ایده‌آل آنهاست. بعبارت دیگر بهترین روش برای والدین اینست که خود طوری رفتار کنند که دلشان می‌خواهد همان را در بچه‌های خود مشاهده کنند. بطور مثال: طرز صحبت کردن آنها با فرزندان خویش که باید با لحنی احترام آمیز و مؤدبانه باشد، تمیز و مرتب بودن، احترام گذاشتن به قوانین جامعه، انتقاد کردن، دستور دادن و...

شما می‌توانید از نکات زیر بعنوان راهنما برای بوجود آوردن انضباط مثبت استفاده نمائید.

۱ - بوجود آوردن محدودیتها: با بچه‌های کوچک‌تر از تعداد کمتری قوانین و محدودیتها شروع کنید. دلایل این محدودیتها را برای فرزندان خود توضیح دهید. این دلایل می‌توانند شامل: امنیت، سلامتی، ارزشهای فامیلی باشند.

۲ - کمک گرفتن از خود بچه‌ها برای برگزیدن قوانین: همیشه به فرزندان خود این شانس را بدهید که افکار و عقاید خود را ابراز

نمایند. ولی بیاد داشته باشید که بعضی اوقات عقاید و نظرات آنها درست نیست و آن موقع خود شما هستید که باید تصمیم گیرنده باشید.

۳ - توضیح عواقب شکستن قوانین: همیشه نوع و شدت تنبیه را با نوع خطا مطابقت بدهید. تهدیدهای تو خالی باعث جدی نگرفتن حرفهای شما در آینده خواهد شد و نتیجتاً بی اثر ماندن زحمتهای شما.

۴ - ساعت معین برای کارهای روزانه: ساعتهای معینی را برای وقت خواب، غذا خوردن و کارهای خانه بگذارید. این باعث آگاهی فرزندانتان از انتظارات شما می‌شود.

۵ - تشویق و تمجید: فرزندان خود را هنگامیکه سعی بر آن دارند که اعمال خود را بهتر سازند تشویق کنید و به آن‌ها اطمینان دهید که دفعه بعد حتی موفق‌تر خواهند بود.

۶ - جدا کردن از عشق به فرزند از اعمال بد او: عشق خود را نسبت به فرزندانتان ابراز کنید. «با وجود اینکه آنقدر این عمل تو مرا ناراحت کرده ولی من هنوز دوستت دارم».

با وجود تمام کوشش‌های والدین، بچه‌ها هنوز قانون شکنی خواهند کرد. در این موقع بهترین شیوه اینست که خونسردی خود را حفظ کنید و سعی کنید منصفانه عمل کنید که از ارتکاب دوباره آن عمل جلوگیری شود.

دکتر گوتمن پیشنهاد می‌دهد که فرزندان خود را در مرحله هویت دادن به یک مشکل و پیدا کردن یک راه حل برای آن مشکل شریک کنید. این روش به آنها یاد می‌دهد که «هیچ مشکلی آنقدر بزرگ نیست که حل آن غیر ممکن باشد و آنها مسئول اعمال خود هستند».

تکنیکهای کمکی برای بوجود آوردن انضباط شامل:

۱ - توجه بچه را به شیئی جلب کردن - حواس بچه را به کمک یک اسباب بازی پرت کنید.

۲ - زمان تنهایی و ساکت بودن - این عمل باعث می‌شود که فرزندتان آرامش خود را باز



بیابد و قادر به توضیح مسأله بشود.

۳ - دور کردن شیئی مورد علاقه - برای مثال یک اسباب بازی او را برای مدتی از او بگیرید. از گرفتن پتو و یا خرس عروسکی بچه‌تان خودداری کنید. این اشیا احساس امنیت به بچهٔ شما می‌دهد و نتیجتاً باعث می‌شود که آرامش خود را باز یابد.

استفاده از این تکنیکها به فرزندان شما انضباط مثبت می‌آموزد. با نوجوانها (تین ایجرها) شیوه‌ای متفاوت از آنچه که ذکر شده باید بکار برد، چرا که آنها مسئولیتهای بیشتری را به عهده می‌گیرند. اما هنوز احتیاج به محدودیتهایی در آزادیهای روزانه خود دارند. دو روانشناس یهودی «کتاب فامیل یهودی» می‌نویسند: «بهترین متد، گفتگو و بحث کردن است». یکی از آن‌ها می‌افزاید که: «هر چقدر که من بیشتر برای احساسات پدر و مادرم ارزش قایل می‌شوم آنها هم متقابلاً برای احساسات من ارزش بیشتری قایل می‌شوند».

انستیتوی ملی سلامت فکری پیشنهاد می‌کند که از نکات زیر هم برای رابطه بهتر با فرزندان خود کمک بگیرید.

۱ - وقتی که فرزند شما در حال صحبت است به او توجه مطلق خود را بدهید.

۲ - سعی کنید که آرامش خود را حتی وقتی اختلاف عقیدهٔ زیادی بین شما هست حفظ کنید. صدای خود را بالا نبرید و سعی کنید که نقطه نظر فرزند خود را هم بشنوید و بعد راجع به آن با او صحبت و مذاکره کنید.

۳ - همیشه با لحنی مؤدبانه با فرزند خود صحبت کنید و به او نشان دهید که برای او احترام قایل هستید.

۴ - از قضاوت کردن برحذر باشید. البته مقصود این نیست که از تمام عقاید و ارزشهای خود چشم پوشی کنید و یا با هر چه که فرزندتان گفت موافقت کنید، ولی سعی کنید که همواره آنها را درک کنید.

۵ - راه را باز بگذارید تا فرزندانتان براحتی بتوانند راجع به هر مسأله‌ای هر چقدر که حساس است با شما صحبت کنند. هیچگاه احساسات آنها را با خندیدن و یا تحقیر کردن آنها جریحه دار نکنید.

۶ - نسبت به رفتار و اعمال فرزندانتان علاقه نشان دهید ولی به مسائل شخصی و داخلی آنها که مربوط به خود آنهاست احترام بگذارید.

با وجودی که استفاده از نکات زیر برای تین ایجرها توصیه می‌شود ولی استفاده از آنها برای بچه‌های کوچک‌تر می‌توانند باعث ساختن یک پایه درست برای دوره نوجوانی باشد.

اگر احساس می‌کنید که کنترل فرزندانتان را از دست داده‌اید بهترین نقطه برای شروع مروری از انتظارات خود شما از فرزندانتان هست. سعی کنید رفتار و خواسته‌های خود را ارزیابی کنید. شما حتی می‌توانید از وجود یک معلم، دوست و یا ربای هم کمک بگیرید.

یکی از بهترین متدها دور هم جمع شدن‌های خانوادگی است. این روش نه تنها باعث می‌شود که فرزندان شما احساس اهمیت کنند بلکه کمک می‌کند که فرزندانتان مسئولیتهای خود را بپذیرند.

پیشنهاد دکتر بتلهایم به والدین اینست که دوران بچگی و نوجوانی خود را بیاد بیاورند. فراموش نکنید که والدین شما هم به سختی شما را درک می‌کردند و چقدر این مسأله برای شما دردناک بود.

با احترام گذاشتن به شخصیت فردی فرزندانتان و با در نظر گرفتن طبیعت هر شخصی والدین می‌توانند پایه و اساس یک زندگی خوب و سالم را برای فرزندان خود بنا کنند. □

پدران و مادران عزیز

باتشویق فرزندانتان برای همکاری در نشریه چشم انداز ،

- آنان را در محیطی سالم و یهودی وارد می کنید
- کردیت دانشگاهی خواهند گرفت
- نبوغ واستعدادشان راپرورش خواهید داد
- توصیه نامه خوبی برای ادامه تحصیلات و شغل آینده دریافت خواهند نمود .

۳۱۰ - ۴۷۹ - ۴۷۹۸

سازمان سیامک برپاخاسته تا افرادی که در جامعه ما نیاز به کار دارند را حمایت نماید. چنانچه شما به دنبال استخدام شخصی هستید و یا بر عکس به دنبال کار می‌گردید، با دفتر سازمان تماس بگیرید. هدف ما اینست که اشخاصی راکه به دلایل مختلف نیاز به یک کار شرافتمندانه دارند تا امرار معاش خود را بگذرانند را پشتیبانی نماییم.

Tiffany

هیچ جورابی جوراب تیفانی نمیشه

کیفیت و قیمت های جوراب تیفانی
غیر قابل رقابت است

۱۱۲۷ خیابان میپل جنوبی ــ داون تاون لوس آنجلس
تلفن : ۲۱۳ـ۷۴۸ـ۸۸۲۳ فکس : ۲۱۳ـ۷۴۸ـ۲۶۲۹

دکتر سهیل خــــدادادی



SOHEIL KHODADADI, D.M.D., D.D.S

پیشرفته‌ترین درمانهای دندانپزشکی برای اطفال و بزرگسالان

تلفن ۲۴ ساعته
(310) 271-3003

250 N. Robertson Blvd., Suite 412
Beverly Hills, CA 90211

- دارای درجه دکترا از U.S.C
- عضو کادر آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه کالیفرنیای جنوبی
- عضو انجمن دندانپزشکان آمریکا و کالیفرنیا

ترجمه: روبرت صالح ربیع
به قلم: ربای سوزان شنور
RABBI SUSAN SCHNUR

سئوالهای عاشقانه



با اینکه ازدواج‌های یهودیان ایرانی با غیر یهودیان، حد زیادی از ازدواجهایمان را تشکیل نمی‌دهد، مقالهٔ زیر نکاتی را بررسی می‌کند که دانستن آنها برای یکایک اعضای جامعه ما بسی ضروری است.

با حضور داشتن در مراسم ازدواج متعدد در بیست سال گذشته، نهایتاً تجربهٔ این سال‌ها به من این را آموخته که می‌توانم سرنوشت هر ازدواج را پیشاپیش تجسم کنم.

شاید به راحتی بتوانم بگویم که ازدواج این دو فرد، ازدواجی شیرین و سرشار از آرامش روحی است یا اینکه بعد از مدتی تلخی، جدایی و نابسامانی پایان پذیر آن است.

منظورم از این ازدواج‌ها، ازدواج‌های یک یهودی با یک غیر یهودی است.

هنگامی که این دو فرد رابطه‌ای معنوی و عاشقانه را برقرار می‌کنند، اغلب مسئله تفاوت مذاهب توجه طرفین را جلب نمی‌کند. دلیل این عدم توجه به اختلاف مذاهب، شاید این باشد که هر دو طرف از رلی که مذهب در زندگی آن‌ها بازی می‌کند ناآگاهند. غافلند از آنکه عشق موقعی شکوفا می‌شود که ما با شناختن کامل از خود وارد آن بشویم. شناخت عاملی از شخصیت و ارزشهای معنوی و مذهبی خود، که رویهم رفته، فردی کامل را تشکیل می‌دهند.

مسئولیت بخش بزرگی از شکل گیری ارزشهای مذهبی یک فرد، بر عهدهٔ پدر و مادر اوست. پدران و مادران هستند که می‌توانند این ارزشها را برای فرزندان توضیح دهند و به آنان اثرات مثبت این ارزشها را در زندگی روزمره بیاموزند.

برای بازتر کردن دیدگاه فرزندان، والدین می‌توانند چند سئوال زیر را با آنها در میان بگذارند. این باعث می‌شود که فرزندان عمق اثرات مذهب را در ازدواج آینده‌شان بهتر درک کنند.

زمان این سئوال کردن‌ها را خودتان انتخاب کنید ولی توصیه‌ام این است که آنرا در دوران برمیتصوا یا بت میتصوا و یا هنگام صحبت در مورد مسائل عاطفی و جنسی با فرزندتان در میان بگذارید.

کسانی که در حال حاضر ازدواج با فردی غیر یهودی را در نظر دارند، می‌توانند سئوالات زیر را از خود و یا از همسر آینده‌شان بکنند و آیندهٔ ازدواجشان را با دیدی بازتر ارزیابی کنند.

۱ - برای من تا چه حد یهودی بودنم اهمیت دارد؟

۲ - آیا یهودی بودن من مانع از برقراری روابط دوستانه با افرادی بخصوص می‌گردد؟

۳ - آیا من از یهودی بودن خود خجالت می‌کشم؟

۴ - ۱۵ سال از امروز، من مراسم پوریم و پسح را چگونه برگزار می‌کنم؟ عید کریسمس را چطور؟

۵ - ارتباط روحی، معنوی و فرهنگی من با کدام جامعه بیشتر است؟ آیا ۱۵ سال از امروز این ارتباط ثابت می‌ماند و یا فرق خواهد کرد؟

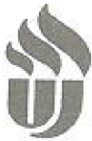
۶ - آیا علاقه و کشش من به این فرد به خاطر غیر یهودی بودن و در نتیجه تفاوت محلی او با دیگران است؟ آیا در دراز مدت و در یک رابطهٔ محکم و پایداری چون ازدواج، این تفاوت او برای من کماکان دلپذیر و پر کشش خواهد ماند؟

۷ - اگر بخواهم به چند بنیاد خیرخواهانه در جامعه کمک کنم، آیا یهودی بودن آن‌ها برایم مطرح است یا نه؟

۸ - واکنش همسر آیندهٔ غیر یهودی‌ام در مورد تمسخر یهودیان چگونه خواهد بود؟ آیا واکنش او (چه مثبت و چه منفی) در من اثری می‌گذارد؟

۹ - وقتی در یک جشن تولّد، مراسم عروسی یا مراسم تدفین یهودی شرکت دارم، آیا احساسات معنوی و روحی‌ام در این مراسم متفاوت از مراسم فوق در محیطی غیر یهودی است؟ چگونه؟





نگاهی به هالاکاست

یکشنبه ۳۰ آوریل

برنامهٔ مشترکی از سازمان سیامک

UNIVERSITY OF JUDAISM

سخنرانی

پرفسور ZEV GARBER

ساعت ۱ تا ۴ بعد از ظهر

مکان

UNIVERSITY OF JUDAISM

15600 MULHOLAND DRIVE

شما اگر این نشریه را پسندیده‌اید و توانایی ترجمه و یا خبرنگاری و مصاحبه با شخصیت های معتبر جهانی را دارید با ما تماس بگیرید.

آیا همجنس گرائی در دوران جنینی شکل می‌گیرد؟

آیا گرایش جنسی و همجنس گرائی پیش از بدنیا آمدن شکل می‌گیرد؟

شیارهای کف دست و یا اثر انگشت، پیش از زایش و از هفتهٔ ۱٦ دوران جنینی نمایان می‌شود.

پژوهشگران در کانادا پس از بررسی اثر انگشت ٦٦ نفر همجنس گرا و مقایسهٔ آن با شیارهای کف دست ۱۸۲ مرد معمولی که همجنس گرا نبودند دریافتند که در ۳۰ در صد همجنس گرایان تعداد شیارهای کف دست چپ بیش از دست راست بوده است. در صورتی که در مردان عادی تنها ۱۴ در صد آن‌ها تعداد شیارها در دست چپ بیش از دست راست بود. معمولاً زنها و مردهای عادی تعداد بیشتری شیار در کف دست راست خود دارند.

با دید به اینکه شیارهای کف دست در دوران جنینی نمایان می‌شود و دانش به اینکه در همجنس گرایان تعداد این شیارها در دست چپ بیش از دست راست می‌باشد، این اختلاف با افراد عادی نشان می‌دهد که احتمال این که همجنس گرائی و تمایل جنسی، پیش از زایش شکل گیرد، زیاد است. افزون بر آن در بررسی‌های دیگر مشاهده شده است که در افراد عادی دقت شنوائی در گوش راست بیش از گوش چپ است ولی در افراد همجنس گرا دقت شنوائی در هر دو گوش برابر می‌باشد.

شیار سطح خارجی مغز که دو نیم کرهٔ راست و چپ مغزی را از جلو به عقب از هم جدا می‌سازد بنام شیار SAGITAL در همجنس گرایان نمایان‌تر می‌باشد. شاید این امر ارتباط دو نیمکره مغزی را دی همجنس گرایان کامل‌تر کرده و دقت در گوش را یکسان می‌سازد.

تعداد در صد همجنس گرایان که چپ دست می‌باشند خیلی زیادتر از افراد غیر همجنس گرا می‌باشد.

یک ژن ویژه که بتواند پیام همجنس گرائی و گرایش جنسی را در جنینی صادر نماید تا کنون پیدا نشده است. پژوهش‌های آینده شاید این گونه اسرار را روشن سازد.



تازه‌های پزشکی

از دکتر نیسان بامداد

سردبیر بخش پزشکی

بیماری ایدز

زنهای مبتلا به بیماری ایدز در حال حاضر فقط ۱۵ در صد کل بیماران ایدز را تشکیل می‌دهند ولی این گروه و فرزندان آن‌ها با سرعت بیشتری روز به روز افزایش می‌یابند.

در یک بررسی نشان داده شده است که ۵۰ در صد کل بیماران مبتلا به ایدز از نژاد سیاه یا اسپانیائی بوده و ۲۰ در صد آن‌ها را زنها، تشکیل می‌داده‌اند.

فقر و بی‌خانمانی از علل سرعت مرگ در بیماران مبتلا به ایدز بوده است.

به نظر می‌رسد که زنهای مبتلا زودتر از مردها می‌میرند. دلیل علمی برای این موضوع وجود ندارد مگر اینکه بگوئیم زنهای مبتلا در خانه و خانواده بیشتر مورد شکنجه قرار می‌گیرند. در یک بررسی نشان داده شده که ۴۶ در صد زنها و ۳۶ در صد مردها در یک دوران معین با شرایط مساوی فوت کرده‌اند.

شاید زنها دیرتر از مردها به خیال درمان خود می‌افتند و دیرتر به پزشک مراجعه می‌کنند و یا اینکه پزشک کمتر در زنها مشکوک به بیماری ایدز می‌شود و آن را برای تشخیص جستجو می‌کند!!

بیماری ایدز

عامل شماره یک مرگ و میر جوانان

بیماری ایدز در بین جوانان ۲۵ تا ۴۴ ساله در سال ۱۹۹۳ بزرگ‌ترین عامل مرگ و میر بوده است.

پیش از این تاریخ بزرگ‌ترین عامل مرگ و میر جوانان تصادفات رانندگی بود. اکنون بیماری ایدز جای آن را گرفته است.

آمار مقامات بهداشتی آمریکا نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۱ تا کنون ۴۴۱۰۰۰ نفر به این بیماری دچار شده‌اند و بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر از این بیماری مرده‌اند.

در سال ۱۹۹۳ از هر یک صد هزار نفر جوان در امریکا ۳۶ نفر از بیماری ایدز درگذشتند. در صورتی که تلفات از تصادفات رانندگی ۳۲ نفر در هزار بود. بیشتر بیماران مبتلا به ایدز را سیاهان و اسپانیائی تبارها تشکیل می‌دهند.

بطور متوسط در هر سه ماه در کشور آمریکا ۴۰۰۰۰ نفر به بیماری ایدز دچار می‌شوند.

WESTWOOD VISION

وست وود ویژن



مدیریت: آلبرت فولادیان، فارغ التحصیل پاریس و دارای بورد تخصصی از ایالت کالیفرنیا

نماینده فروش مارک های بسیار معروف و معتبر اروپایی

مجهز به لابراتوار عینک و دقیق ترین دستگاههای کامپیوتری

با همکاری دکتر بهنام فولادیان اپتومتریست فارغ التحصیل از آمریکا

با عینک‌های زیبای دلخواه وست وود ویژن زیبائی‌های جهان را بهتر ببینید

قبول مدیکال

پارکینگ مجانی

(۳۱۰)۴۴۱-۱۷۹۷

(310) 441-1797

1314 WESTWOOD BLVD, W. LOS ANGELES, CA 90024

AVI
SPECTRUM CULTURAL

نقره‌کاری آنتیک

- تعمیرات
- بازسازی
- روکش
- پالیش

انواع نقره آلات آنتیک و نو طبق نظر شما

کپی سازی و ساختن طرحهای مختلف توسط الکتروفورمینگ یا قالب سازی

(۸۱۸)۵۰۶-۴۴۷۸

میزگرد - بحث‌های آزاد

گروه یاران سیامک از شما دعوت می‌کند در دنباله برنامه‌های متفاوت و ابتکاری بحثهای آزاد این گروه شرکت فرمائید.

این سری میزگردها در ۴ نوبت متوالی در تاریخهای (دومین دوشنبه هر ماه) April 3, March 13 June 12, May 8 می‌باشد.

بحث‌ها شامل:

۱ - شناختن وجود مرد

۲ - شناختن وجود زن

۳ - زندگی مجرد در دههٔ ۱۹۹۰

۴ - انتخاب همسر شامل:

علامتهای رشد فکری - روحی و عاطفی

علامتهای آمادگی برای ازدواج

علامت خطرها

سن ازدواج

هدف: ایجاد سلسله بحث‌های مختلف و تبادل افکار مابین شرکت کنندگان با همکاری خانم دکتر مهشید پایان - روانشناس و مشاوره خانواده می‌باشد.

شروع: ۷ - ۷/۳۰ بعد از ظهر آشنایی

برنامه رأس ساعت ۷/۳۰ بعد از ظهر به مدت ۲ ساعت

(به علت محدودیت زمانی و اهمیت مباحث این برنامه رأس ساعت ۷/۳۰ شروع می‌شود و از قبول شرکت کنندگان بعد از ساعت ۷/۳۰ معذوریم.)

محل: STEPHEN S. WISE TEMPLE

15500 Stephen S. Wise Dr., Los Angeles, CA 90077

ورودیه: ۵ دلار

به دلیل محدود بودن جا این برنامه ویژهٔ اعضاء مجرد زیر ۴۵ سال سازمان سیامک می‌باشد و حداکثر شرکت کنندگان ۲۰ نفر می‌باشد.

برای اطلاعات بیشتر با تلفن یاران سیامک با شماره تلفن ۱۱۶۱-۲۸۱ (۳۱۰) تماس حاصل فرمائید.

آگهی درچشم‌انداز بنفع شما و جامعه است

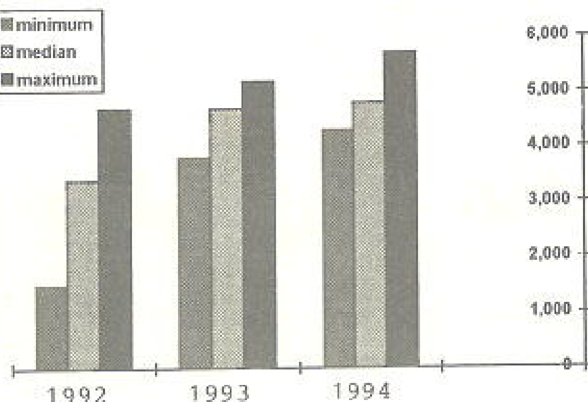
چشم‌انداز در عرض مدت کوتاه کمتراز چهار سال عمر خود پرخواننده ترین نشریه غرب آمریکا است .

گواهی اداره پست آمریکا برای شماره گذشته ، نشان دهنده ارسال آن به ۶۱۷۴ خانواده میباشد . تیراژ کلی این نشریه ۷۰۰۰ شماره میباشد که مازاد آن درگردهمایی های لوس آنجلس پخش میشود و یا به کشورهای دیگر ارسال میگردد .

ادامه انتشار این نشریه کمکی به روشن شدن اذهان - بالابردن غرور و نگهداری میراث های یهودی است و ارزشهای انسانی برای جهانیان .

نرخ آگهی برای هر شماره

	۳ شماره	۶ شماره	یکساله
تمام صفحه	۳۵۰ دلار	۳۰۰ دلار	۲۵۰ دلار
نیم صفحه	۲۰۰ دلار	۱۵۰ دلار	۱۲۵ دلار
ربع صفحه	۸۵ دلار	۷۵ دلار	۶۵ دلار
CLASSIFIED		۱۵ دلار	۱۰ دلار
پشت صفحه ۴ رنگ	۱۰۰۰ دلار	۹۰۰ دلار	۸۰۰ دلار
صفحه داخل جلد ۲ رنگ	۴۵۰ دلار	۴۰۰ دلار	۳۵۰ دلار



POSTAL SERVICE PERMIT SYSTEM [illegible]
[illegible] STATEMENT OF MAILING/3607 WEIGHING AND DISPATCH CERTIFICATE

STATION OR UNIT: BMAU [illegible]
FINANCE NUMBER : 05-8100 [illegible]

INTERNATIONAL JUDEA FOUNDATION
PO BOX 3074
BEVERLY HILLS CA 90212-0074

DATE OF MAILING 03/15/95 | CLASS THIRD | PROC CAT FLATS | TYPE BULK NON-PROFIT
NO. SACKS 43 | NO. TRAYS 0 | NO. PALLETS 0 | NO. OTHER 0
WEIGHT OF SINGLE PIECE (LBS) 0.3696 | TOTAL PIECES 3,817 | TOTAL POUNDS 1,410.0000

MAILED:
PERMIT NO. 00000
NAME:

POSTAGE:
PART A
PART B
PART C
PART D [illegible]

ENTERED IN SYSTEM
03/15/95 14:43:59

ADDITIONAL POSTAGE:
SPECIAL SERVICES
VERIFICATION

NBRVP: RANDOM SELECT
ERRORS: 0.00%

TOTAL POSTAGE: $890.28

I CERTIFY that this mailing has been inspected concerning: 1)eligibility for the rate of postage claimed; 2)proper preparation (and presort where required); 3)proper completion of the statement of mailings and 4)payment of the re[illegible]ired annual fee.

VAN NUYS CA BMEU-A 91409 MAR 15 1995 USPS

ROUND STAMP REQUIRED
TIME____ AM / PM

ROUND STAMP REQUIRED
TIME____ AM / PM

SIGNATURE OF WEIGHER

RECEIVED FOR PROCESSING BY

POSTAL SERVICE PERMIT SYSTEM TRANS# [illegible]
3600-N STATEMENT OF MAILING/3607 WEIGHING AND DISPATCH CERTIFICATE

STATION OR UNIT: BMAU
FINANCE NUMBER : 05-8100
COMPANY PERMIT USED: N
PERMIT NO: 01562

INTERNATIONAL JUDEA FOUNDATION
PO BOX 3074
BEVERLY HILLS CA 90212-0074

DATE OF MAILING 03/16/95 | CLASS THIRD | PROC CAT FLATS | TYPE BULK NON-PROFIT
NO. SACKS 30 | NO. TRAYS 0 | NO. PALLETS 0 | NO. OTHER [illegible]
WEIGHT OF SINGLE PIECE (LBS) 0.0000 | TOTAL PIECES 2,351 | TOTAL POUNDS 867.0000

MAILED:
PERMIT NO. 00000
NAME:

POSTAGE:
PART A
PART B
PART C
PART D $465.2110

ENTERED IN SYSTEM
03/16/95 11:31:50

ADDITIONAL POSTAGE:
SPECIAL SERVICES
VERIFICATION

NBRVP:
ERRORS: 0.00%

TOTAL POSTAGE: $465.21

I CERTIFY that this mailing has been inspected concerning: 1)eligibility for the rate of postage claimed; 2)proper preparation (and presort where required); 3)proper completion of the statement of mailing; and 4)payment of the required annual fee.

VAN NUYS CA BMEU-B 91409 MAR 16 1995 USPS

ROUND STAMP REQUIRED
TIME____ AM / PM

ROUND STAMP REQUIRED
TIME____ AM / PM

SIGNATURE OF WEIGHER

RECEIVED FOR PROCESSING BY

نوشته: خانم آرلین ارلیخ



پر کردن گور مادرم

به من گفته بودند «صداشه، اون گرومپ گرومپی که قلبتو پاره میکنه». به من گفته بودند «منظره اونه - تصویری که تا آخر عمرت از جلو چشمت دور نمی‌شه.»

راجع به K'VURA صحبت می‌کردند. پر کردن گور مادرم. آنقدر خاک روی کفن او بریزم تا ناپدید شود. با بیلچه آنقدر خاک روی او بریزم تا زیر یک تل خاک قرار بگیرد.

می‌دانستم راست می‌گویند. می‌خواستم گور مادرم را قبل از اینکه این اتفاقات بیفتد، ترک کنم، قبل از آنکه آن صداها و منظره از یاد نرفتنی را بشنوم و ببینم. حداکثرش می‌خواستم کمی خاک را به خاطر حفظ ظاهر روی کفن او بریزم. همانطور که غریبه‌ها گور او را کنده بودند، می‌خواستم بعد از آنکه من رفتم خودشان هم آن را پر کنند. می‌خواستم بروم و به خودم بقبولانم که هنوز زنده است.

اما ربای اصرار داشت: «میتصوای بزرگی است. نشانه احترامی است که به مادرت می‌گذاری. CHESED SHEL EMET است، عملی است نشانه محبت که بدون در نظر گرفتن خودت انجام می‌دهی.»

«اگر یک عمل خاک‌سپاری مطابق هلاخا برای مادرت میخوای و میخواهی که من این عمل را انجام بدهم، پس باید این طوری انجام شود.»

خاک سپاری طبق هالاخا درست همان چیزی بود که می‌خواستم. به برادرم هم التماس کرده بودم: دیوید، ترا به خدا بگذار این کار را برای او انجام بدهم. SHOMRIM، (بیدار ماندن تا لحظه خاک سپاری)، را انجام بدهم. و در آن تابوت، کمی از خاک اسرائیل بگذاریم

که انگار در خاک سرزمینی که عاشقش بود و هرگز آن را ندید خاک شده باشد. اگر خودش هم می‌توانست این جوری می‌خواست.

با همه اینها در مقابل حرفهای ربای مقاومت کردم. برای K'RIA خودم را آماده کرده بودم، یقه لباسم را پاره می‌کردم چون ربای حاضر نبود روبان ببرد. به عقیده‌اش که در طی دوره SHIVA در خانه‌مان حاضر نشد زنها را جزو MINYAN حساب کند هم احترام گذاشتم.

اما این یکی؟ گوش دادن به ذرات خاک که پشت سر هم روی تابوت مادرم می‌ریزد...به برادرم - دائی‌ها و پسر خاله‌ها نگاه کنم که با بیلچه خاک روی مادرم می‌ریزند...که لحظه خداحافظی را طولانی و طولانی‌تر کنند؟ شک داشتم که بتوانم تحمل کنم.

شک داشتم که برادرم هم بتواند عمل کند. حداقل ظاهراً اینطور بنظر می‌رسید که او مرگ مادر را سخت‌تر از من تحمل می‌کند. بارها و بارها تحملش را از دست می‌داد و گریه می‌کرد، به هق و هق می‌افتاد و هیچ کس هم نمی‌توانست آرامش کند. اما حالا نگاهی از روی ترس به هم انداختیم. بالاخره با اشاره و تکان سر گفت «بله. راست است».

من مردن مادرم را دیدم. دستهایش وقتی به سردی مرمر تبدیل شد در دستان من بود. در صدای ناگهانی تیز و خفیف دستگاه تنفس مصنوعی، صدای بالهای فرشتگان مرگ را شنیدم. با همه اینها، وقتی پرستار گفت «تمام شد؛ قالب تهی کرد»، باور نکردم و بی‌حس شدم. در آن لحظه شروع کردم خودم را از خودم جدا کنم.

در آن حالت ناباور و انکار ماندم. مرثیه مرگ او را با چشمانی خشک و دستانی بی لرزش نوشتم، چرا که مرگش یک تصویری ناباورانه بود. بارها و بارها، طی مراسم خاک سپاری، به خودم قول دادم که تا مراسم تمام شد به او تلفن می‌کنم و تمام این اتفاقات را برایش تعریف می‌کنم. با خنده نوه کوچکش همراه شدم چرا که طنینی از خنده‌های او را داشت. حضورش را با هر نفسی که فرو می‌دادم حس می‌کردم، چرا که هر ذره کوچکی از او مثل قندیلهای یخ در هوای تازه ژانویه معلق بود.

با این همه، سنت یهودی‌ام که مراسم عزاداریش را با این همه اصرار خواسته بودم بر علیه انکار من برخاسته بود. از هر طرف می‌چرخیدم، از من می‌خواست - حالا دیگر به آرامی و به اصرار - که با حقیقت روبرو بشوم. سرعت تدفین و خاک سپاری او. حضور بی انکار تابوت و پوشش او. و سرود Eli Malei Rachamim. سنت



یهودی داشت دیواری که دور خودم کشیده بودم را امتحان می‌کرد. دیوار پا بر جا ماند.

بعد - وقتی به گورستان رسیدیم - مصیبت. ربای به ما گفت «حداقل یک ساعت تأخیر خواهیم داشت» چون گورکن‌ها کارشان تمام نشده. «فقط سه فوت را کنده‌اند.» از سنگها - قلوه سنگها و خاک و گل شکایت دارند. می‌گفتند در این گورستان تا بحال با هیچ تکه زمینی اینقدر مشکل نداشته‌اند.

یک ساعت تأخیر به ۲ ساعت و بعد بیشتر تبدیل شد. چندین بار از تل کوچکی که درست شده بود بالا رفتیم تا ببینیم گورکنها چقدر جلوتر رفته‌اند. هر بار در اثر فشار سرما برگشتیم. تبدیل به یک توده آدم عاجز شده بودیم.

شروع به یک حساب خودخواهانه کردم. آدمهای مسن کم‌کم دارند خسته می‌شوند. جوانترها هم که باید بود سر قرارهایشان بروند. می‌توانستم شرایط جدی موجود را بهانه کنم.

از عمل K'VURA امتناع داشتم و حالا عذر خوبی وجود داشت که زیرش بزنم و بگویم یک مراسم غیر هالاخایی و فوری انجام بشود.

ولی وقتی به کفن مادرم و Shomer بغل او که در ماشین نعش کشی بود نگاهی انداختم. دیدم که نمی‌توانم جنازه او را روی زمین و کنار یک گور باز بگذارم. و آخر کار هم چند نفر غریبه او را به خاک بسپارند.

بالاخره، گور آمده شده برادر زاده‌هایش او را از روی تل خاکی، در حالی که بچه‌هایش به دنبال او می‌آمدند، بالا بردند - دیگران مشغول دعا خواندن بودند. فکر من جای دیگری بود. دیگران کلمات عبری را به زبان می‌آوردند. من با زبانی دیگر ولی خاموش، کلماتی از شعری که تنها بخشی از آنرا بیاد داشتم می‌خواندم:

مگذار صدای زرد اشعه خورشید
آرامش این زمین را بهم بزند
چرا که ما نور خورشید را
زیر بارانی از خاک و سنگ و غبار خاموش کردیم

برادرم اولین بیلچه را برداشت. ناگزیر با پشت بیلش همانگونه که رسم یهودیت می‌گوید اولین کلوخ خاک را برداشت و گذاشت در گور بریزد. حالا دیگر صدای چون طبل خاک و سنگ بود که می آمد و من دانستم که یتیم شده‌ام.

برادرم، مثل آدم جن زده تند و تند بیل می‌زد. این حرکت دیوانه‌وار پسر عمویی را نگران کرد، دستش را به آرامی روی شانه او گذاشت و در گوشش زمزمه کرد «DAVE، سخت نگیر». اما انگار دیوید، جایی دیگر و در سیاره‌ای دیگر بود.

با حالتی عصبی، بیل را پر و خالی می‌کرد، ذرات خاک بسرعت تبدیل به کلوخ می‌شدند. صورتش قرمز و یک شکل دیگری شده بود ولی همچنان و با همان سرعت مشغول بود. عزا، شکل آدمیزاد به خودش گرفته بود.

عموها - دائیها و پسر عموها و پسر دائیها بیلهای دیگر را برداشتند، صدای تق و تق تبدیل به یک ریزش مداوم و یکنواخت شده بود. اینج به اینج، مادرم ناپدیدتر می‌شد. زور زدم تا برای آخرین بار نظری به تابوت او بیاندازم. مثل کسی بود که بسرعت در میان شنی بلعیده می‌شود. هر مردی کارش تمام می‌شد، بیل را در خاک فرو می‌کرد و به کسی تحویل نمی‌داد. هر کسی باید بود، داوطلبانه بیل را بردارد.

یک دائی ۷۵ ساله‌ام در صف منتظر نوبت ایستاده بود. دامادش گفت «پدر، شما مجبور نیستید. من می‌ریزم». دائی جواب داد: «نه، من سهم خودم را انجام می‌دهم».

آخرین هدیه او به مادرم. آخرین هدیه برادرم به او. و هدیه من هم همینطور - هدیه‌ای بود از غم و پذیرفتن مرگ. حالا او زیر تپه‌ای از خاک آرمیده. پسر عمویی بسرعت و با آرامی با مقداری خاک سوراخی باقی مانده را می‌پوشاند. قدیش را می‌خوانیم. پشتم را به گور می‌کنم و با تأنی به جمع عزاداران بی‌پیوندم. همانطور که راه می‌روم اشک می‌ریزم. زیرا میدانم که مادرم مرده.□

کیترینگ گلت کاشر جک بروخیم
Royal Catering (Glatt Kosher)
By Jack Berookhim
زیر نظر مستقیم آر. سی سی (R.C.C)
مدیریت، خوشنامی و تجربه طولانی و درخشان مهندس جک بروخیم در امور هتلداری و کیترینگ، رمز موفقیت چشمگیر ماست.
(۳۱۰)۴۵۸-۹۹۹۳
(310) 458 - 9993
جشن های بزرگ و کوچک شما را شاهانه برگزار می کنیم
کیترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتس (ولی)
و بسیاری از هتل های درجه اول لوس آنجلس
برای برگزاری مراسم عروسی، برمیتصوا، بت میتصوا، شاور، سمینار، کنفرانس نمایشگاه و غیره در مجتمع فرهنگی «ارتس» با ما تماس بگیرید.

آیا تعهدات کیپور خود را پرداخته اید؟

تأملی در مجموعهٔ «۱۰۰۱ خاطره» یا گنجینه‌های طلایی

بقلم: مهندس منوچهر کوهن

عضو هئیت مدیره و نایب رئیس انجمن کلیمیان تهران ۱۳۶۳-۱۳۵۸

عضو هئیت مدیره و مسئول کتابخانه مرکزی کلیمیان تهران ۱۳۷۳-۱۳۶۷

و با نام خداوند یگانه

«که انسان را بسان خود و واجد شعور و درک و حکمت خلق کرد که بتواند بین خوب و بد، راست و دروغ تفاوت گزارد و آنگاه که بر مسند قضاوت می‌نشیند و قلم به دست می‌گیرد وجدان و حق را فراموش ننماید».

انگیزه‌های متعددی باعث شد تا نوشتن این مطلب را (هر چند سریع، سبک و ناکافی) برای خود وظیفه‌ای بدانم. نکاتی که مرا مجبور به انجام این وظیفه نمود عبارتند از:

۱ - تأکید آقای روح الله کهنیم در جشن معرفی مجموعهٔ ۱۰۰۱ خاطره بر صحت و درستی مطالب مجموعه، تا آنجاکه می‌توان از نظر تاریخی به آن استناد نمود و اصرار بر این نکته که «زیر بار هیچ فشاری، رفاقتی، دوستی برای نوشتن موضوعی نرفته‌ام مگر که به درستی مطلب اعتقاد داشتم».

۲ - ذکر مطلبی مشابه نکته فوق در صفحه ۱۱ «مجموعه ۱۰۰۱ خاطره».

۳ - تشویق و تأیید همه جانبه‌ای که در روز جشن معرفی کتاب از آقای روح الله کهنیم به عمل آمد تا جایی که تعدادی از سخنرانان مجموعه را «سند هویت جامعه یهودیان ایرانی» و یا نظایر آن نامیدند که در آن روز (و قبل از مطالعه کتاب) بسیار باعث خوشحالی اینجانب شد.

۴ - تکذیب شدید یکی از آقایان که در کتاب بسیار بایشان پرداخته شده است و ایشان را «منشأ خدمات بسیار برای یهودیان در ایران و در لس آنجلس» دانسته‌اند، درست یک روز پس از جشن معرفی کتاب «۱۰۰۱ خاطره» که در حضور نفر سوم کتاب را «تحریف تاریخ» عنوان نمود بلافاصله مواجه با عکس العمل و پرسش این جانب گردید: «آقای...خان» به شما دیروز به این مجموعه تقدیر نامه دادید. چرا امروز این چنین شدید آن را تکذیب می‌کنید؟ این دوگانه بازی در مسائل اجتماعی چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ آیا این مردم که شما خود را خادم آنان می‌خوانید ملعبه و بازیچه شما هستند...؟» و آقای....در پاسخ گفتند: «دیروز دلایلی وجود داشت و امروز دلایل دیگر و من حاضرم ادعای خود را ثابت کنم». و این گفتگو با دخالت آقای دکتر....که نفر سوم حاضر بر گفتگو بود و شخص مطلع و عضو فعال چند هئیت مدیره و سازمان لس آنجلس است خاتمه یافت.

۵ - نوشتهٔ آقای داریوش فاخری در مقاله «گنجشکهای خونه» نشریه شماره ۳۹ چشم انداز مارچ ۹۵ - اسفند ۱۳۷۳ - در مورد مجموعه «۱۰۰۱ خاطره» که نوع تفکر و برداشت متفاوتی را مطرح می‌نمود.

نکات فوق باعث گردید که علی رغم فرصت اندک موجود (که عازم ایران هستم) به تأملی درباره مندرجات «۱۰۰۱ خاطره» بپردازم. و به نتایجی برسم که متعاقباً خواهم نوشت.

بدیهی است اگر آقای روح الله کهنیم همان طور که در اکثر صفحات کتاب خود بر صداقت خود تأکید می‌نماید این بار نیز در کمال وضوح و صداقت اعلام می‌داشت:

«این کتاب اتوبیوگرافی و مجموعه خاطرات شخصی و خانوادگی من و دوستان من است که در کارهای اجتماعی هر یک به نوعی فعالیت داشته.و دارند و در انتخاب آن‌ها هیچ ضابطه‌ای جز دسترسی، شناسایی و آشنایی و علاقه فی ما بین حاکم نبوده است (و اگر نام شخصی ذکر نشده است فقط به دلیل عدم دسترسی بوده است) که از خلال آن خاطرات می‌توان به قسمتی از نکات وقایع اجتماعی معاصر یهودیان ایران آگاهی پیدا نمود و اینجانب (روح الله کهنیم) هیچ تأکید یا اصراری بر صحت مطالب آن ندارم و گویندگان و نویسندگان مطالب خودشان مسئول درستی اظهارات خود هستند». و در مجلس معرفی و یا

در مقدمه کتاب نیز بدون اغراق فقط به واقعیت کتاب پرداخته می‌شد و در حد همان «۱۰۰۱ خاطره» از آن ذکر می‌شد باز هم نوشتن این همه خاطرات و جمع آوری این همه اتوبیوگرافی و صرف مدت زیادی وقت و هزینه خود کاری قابل توجه و احترام است (هر چند ممکن است کارهای مهم‌تری هم در زمینه‌های اجتماعی وجود داشته باشد). و بانی این اقدام شایسته تشویق.

اما مشکل از اینجا شروع می‌شود که این مجموعه «۱۰۰۱ خاطره» (که از عنوان ۱۰۰۱ شب نیز الهام گرفته است) بیشتر مجموعه خود ستایی‌ها و فرافکنی آرزوهای برآورده نشده اجتماعی افراد از خویش و دوستان است که بارقه‌های از حقیقت و گوشه‌هایی از واقعیات اجتماعی و تاریخی را نیز در آن می‌توان یافت، به عنوان سند تاریخ معاصر یهودیان ایران و شناسنامه سازمان‌ها و برگ هویت فعالیت اجتماع معرفی و مطرح می‌شود والا هر کس می‌تواند خود و دوستان خود را دکتر و پروفسور، شاعر و مؤسس و بنیانگزار، دبیر کل، و رئیس کل، و خلاصه جامع جمیع محسنات و عناوین حتی رسالت و نبوت و نظر کرده خداوند بداند. و عکس‌های آلبوم خانوادگی خود و دوستان خود را در صفحات متعدد و به ابعاد بزرگ و کوچک و به دفعات مکرر چاپ کند و یا از آیه‌های تورات مقدس و یا از غزلیات حافظ و سعدی و خیام هر مقدار می‌خواهد انتخاب کند و به چاپ برساند و به عنوان کتاب و تألیف عرضه نماید که البته می‌تواند کار فرهنگی و مثبت هم تلقی شود.

و با توجه به برخورد نوع دوم است که وظیفه خوانندگان کتابی که می‌خواهد «تاریخ قومی» باشد اما «مجموعه خاطرات» است،

قلم به دست گرفتن و نوشتن و شمارش مشکلات، نواقص، غلط‌ها و ارائه راهنمایی و نظرات توأم با حسن نیت می‌شود. آن زمان است که مسئله از مورد خاطرات شخصی فراتر می‌رود. و به حیطه «آگاهی تاریخی و اجتماعی» پا می‌گذارد که همه انسان‌ها در مقابل رفع مشکلات و اصلاح آن و در مقابل تاریخ مسئول هستند و اگر ساکت بمانند «مجرم و گناهکار». و این گونه است که مصمم شدم تا نظراتم را بنویسم و در اختیار علاقمندان قرار دهم.

البته اینجانب راجع به وضع سازمان‌ها و نحوه خدمات فعالین در لس آنجلس به علت مدت کوتاه حضورم در این شهر اظهار نظری نکرده‌ام اما با توجه به سابقه حضور ممتد و طولانی در متن فعالیت‌های اجتماعی یهودیان ایران لااقل از سال ۱۳۴۰ شمسی و به شرح زیر:

۱ - سال ۱۳۳۵ - ورود به خلوتص ایران (شروع مأموریت شیمعون حناساب).

۲ - سال ۱۳۴۰ - عضویت هئیت «مذکیروت مرکزی خلوتص ایران» به اتفاق آقای سیروس نظریان، سعید ساسونی و دیگران.

۳ - سال ۱۳۴۲ - پیوستن به سازمان دانشجویان یهود ایران به عنوان نماینده دانشکده هنرهای زیبا.

۴ - سال ۱۳۵۰ - بنیانگزاری جامعه فارغ التحصیلان یهود ایران به اتفاق آقای دکتر سالار نیکو و دیگران.

۵ - سال ۱۳۵۶ - بنیانگزاری «گروه بررسی مسایل یهود ایران» به اتفاق مرحوم یوسف کهن، مرحوم مهندس عزیز دانش راد، پروفسور ایرج لاله‌زاری، پروفسور شموئیل رهبر، دکتر بقراط صفایی و دیگران.

۶ - سال‌های ۵۸ تا ۱۳۵۷ - عضویت در هئیت مدیره انجمن کلیمیان تهران.

۷ - سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۵۸ - عضویت در هئیت مدیره انجمن کلیمیان تهران و نایب رئیس اول انجمن.

۸ - سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۶۷ - عضویت در هئیت مدیره انجمن کلیمیان و مسئول تشکیل کتابخانه مرکزی کلیمیان.

خود را محق به اظهار نظر در موارد:

الف: کل کتاب «۱۰۰۱ خاطره»

ب: مسایل مربوط به فعالیت‌های اجتماعی در ایران قبل و بعد از انقلاب می‌دانم.

الف: کلیات

۱ - مجموعه «۱۰۰۱ خاطره» فاقد یک محور اساسی واحد است زیرا:

۱-۱ - از حدود ۸۰۰ صفحه کتاب ۱۲۸ صفحه آن خاطرات خصوصی و شخصی و عکس‌های خانوادگی آقای مؤلف است که مقداری از آن مربوط به کارهای اجتماعی است و فاقد نکتهٔ با ارزش تاریخی و اجتماعی است و به شرح نکاتی نظیر عکس خانواده مؤلف در صفحات ۷۰۷ - ۷۳۲ - ۷۳۳ و نحوه خریدن شیرینی و پوشیدن لباس افسری صفحه ۷۰۳ نحوه امتحان دادن، اسم و لقب معلم‌های

مدرسه (آقای فینگر)، صفحه ۶۹۶، افسر نگهبان شدن در روز جمعه صفحه ۷۰۶ و یا نحوه نپرداختن مالیات بر درآمد تحت عنوان «معجزه الهی» صفحات ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ و از این قبیل پرداخته‌اند.

۱-۲ - عکس چهار نفره مرحوم القانیان، مرحوم یوسف کهن، مرحوم ابراهیم موره و مؤلف در صفحات ۹۱ - ۱۳۳ - ۱۳۶ بیهوده تکرار شده است و غیر از آن ۳۷ صفحه کتاب دارای عکس‌های تکراری است.

۱-۳ - بیست و نه صفحه کتاب شامل شعر و پند و اندرز از حافظ و دیگران است که ارتباط آن به تاریخ و فعالیت اجتماعی یهودیان جای تفکر دارد؟

۱-۴ - فصل‌های بی ارتباط دیگری نظیر خاطرات برگزاری مجلس یادبود مشترک زنده یادان مرحوم حاج حبیب القانیان و مرحوم آقاجان کهنیم (که خدایشان بیامرزد و به گردن جامعه حق بسیار دارند) و مطالبی نظیر چگونگی چاپ کارت دعوت و چه و چه در صفحات ۶۰۱ تا ۶۱۰ و یا بناهای تاریخی تهران صفحات ۲۹۵ تا ۲۹۸ و مطالبی مشابه باعث می‌شود که مجموعه به صورت «از هر چمن گلی» که در اصطلاح فرهنگ فارسی به نام «کشکول» معروف است، درآید که فقط ۴۴۰ صفحه آن، آنهم «در صورت صحت» که به دلایل آتی جای تردید دارد، به صورت گوشه‌ای و سایه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی یهودیان ایران باشد.

۱-۵ - کل کتاب علاوه بر نداشتن محور واحد موضوعی، فاقد نظم و ترتیب فصل بندی و «راهنمای موضوعی» و فهرست اعلام اسامی اشخاص و مکان‌هاست. به طور مثال: مطالب مربوط به انجمن‌های کلیمیان تهران در صفحات ۵۴ تا ۶۱ مندرج است. اما مطلب و عکس مربوط به انجمن کلیمیان تهران در سال ۱۳۷۰ در صفحه ۲۶۷ و ۲۶۸ چاپ شده است. و یا خاطرات خود مؤلف به صورت چند فصل در میان چاپ شده است و این گسیختگی مطالب و نظم در سراسر کتاب مشهود و واضح است و به نظر من مُخِل نظم کتاب، چنان که اگر شخصی بخواهد مطلبی را در مورد شخصی یا موضوعی پیدا کند امکان آن به سهولت میسر نیست.

ب: نکات و مسایل مربوط به فعالیت‌های اجتماعی کلیمیان

۲ - قسمتی از اغلاط فاحش تاریخی در مجموعه ۱۰۰۱ خاطره

۲-۱ - در مورد نحوه انجام انتخابات نمایندگان مجلس که آقای کهنیم تأکید بسیار بر درستی آن دارند از نظر اینجانب لااقل دو دوره که در جوانی شاهد آن بودم کاملاً فرمایشی، مخدوش و ساختگی بود. در یک دوره شخص کاندیدا که توانسته بود تأیید قبلی مقامات کشوری را جلب کند، کلیه لیست‌ها و فرم‌های رأی و برگه‌های شمارش آرا را در اختیار داشت و در روز انتخابات که جریان انتخابات در ظاهر و در حوزه‌ها طی می‌شد، آن کاندیدا لیست‌ها را به سلیقه خود توسط دوستان پر می‌کرد و همین نکته است که در صفحه ۱۴ کتاب عنوان گردیده است:

«آقای موسی برال به تورات مقدس قسم خوردند که این تعداد آرا را به نام دکتر موسی برال خوانده‌اند». و البته همه کلیمیان آگاه و نکته سنج توجه دارند معنی این قسم آن نیست که آرا درست نوشته شده یا صحیح شمارش شده است بلکه همان طور که قسم خورده شده است فقط صحت «خواندن آرا» قسم خورده شده است و من نمی‌دانم تأکید مؤلف که قاعدتاً بایستی بیشتر از همه افراد به نحوه انتخابات آگاه و وارد باشند بر صحت انتخابات در این برهه زمان چه دلیلی دارد؟

۲-۲ - در مورد نمایندگان کلیمیان در مجلسین ایران بعد از انقلاب که در صفحات ۱۸ و ۱۹ کتاب مورد اشاره قرار گرفته است معلوم نیست چرا مؤلف علی رغم سهولت کامل در پرسش نام وکلا در این مورد هم دچار لغزش و اشتباه فاحش شده‌اند و بنابراین برای خواننده آگاه کتاب جای سئوال باقی می‌ماند که وقتی مطلبی به این سهولت و هم زمانی (بعد از انقلاب) که شاید بیش از ۷۰٪ ایرانیان یهودی از آن آگاه هستند غلط است چگونه می‌توان به مطالب گذشته‌های بیش از ۱۷ سال (قبل از انقلاب) اطمینان نمود؟

اسامی وکلای بعد از انقلاب به شرح مندرج در کتاب عبارتند از:

۱ - فرهمندپور، ۲ - خسرو ناقی، ۳ - عزیز دانش راد، ۴ - نیکزاد، ۵ - دکتر نیکو، ۶ - سیروس کیوانی.

که صحیح آن عبارتست از:

۱ - مهندس عزیز دانش راد، نماینده مجلس خبرگان - مجلس قانون اساسی جمهوری اسلامی.

۲ - اسحق فرهمند پور، ایشان رأی آوردند ولی اعتبار نامه ایشان به تصویب نرسید بنابراین هرگز نماینده مجلس نبودند.

۳ - آقای خسرو ناقی - دو دوره.

۴ - مرحوم آقای دکتر منوچهر نیکروز - دو دوره.

۵ - آقای دکتر کورس کیوانی - آخرین دوره - شروع نمایندگی سال ۱۳۷۲.

بنابراین نه آقای نیکزاد نامی و نه شخصی به نام نیکو در انتخابات شرکت نداشته‌اند چه رسد که نماینده شده باشند و نام صحیح آقای دکتر کیوانی هم کورس می‌باشد.

۳ - گوشه‌ای از اغلاط جزئی و بی دقتی‌ها

۱ - ۳ - صفحه ۲۷۴ نام کنیسای «عبداله» غلط و صحیح آن «کنیسای عبدالله زاده مشهدی» (روبروی کنیسای ابریشمی) می‌باشد.

۲ - ۳ - صفحه ۶۷۱ نام همسر آقای دکتر شکرالله کهنیم (برادر روح الله) خانم شهلا بنداود غلط می‌باشد و صحیح آن «شهلا میرزاده» است. که البته تذکر همه نواقص کار همگان است.

۴ - پرسش‌هایی از آقای روح الله کهنیم

مسلماً مؤلف به اینجانب به عنوان یک عضو کوچک جامعه کلیمی (که در کتاب در سه مورد خدماتم مورد اشاره قرار گرفته است). اجازه می‌دهند که برای روشن شدن افکار عمومی و ابهاماتی که برای اینجانب پس از قرائت کتاب به وجود آمده است و درج تجربیاتشان برای آیندگان سؤالاتی را مطرح نمایم و تقاضا کنم در صورت امکان به آن‌ها پاسخ مقتضی بدهند:

۱ - ۴ - آیا مؤلف شخصاً معتقد به صحت و اصالت کلیه مطالب کتاب بوده‌اند؟ و مطالب رسیده را فقط در صورت «باور داشتن» چاپ کرده‌اند؟

۲ - ۴ - آیا ضابطه‌ای برای انتخاب افراد وجود داشته است؟

۳ - ۴ - آیا تعداد صفحاتی که به هر فرد اختصاص داده شده فقط به علت اهمیت آن شخص در خدمتگزاری است؟

۴ - ۴ - ارتباط زمانی وقایع (تقدم و تأخر خاطرات و وقایع) چگونه حفظ شده است؟

۵ - ۴ - نظم و ترتیب فصل‌های کتاب و موضوعات انتخابی بر اساس چه ضابطه‌ای تصمیم گیری شده است؟

۶ - ۴ - نپرداختن به شرح حال بزرگانی نظیر دکتر ایرج لاله زاری، دکتر شموئیل رهبر، دکتر یعقوب آئینه چی (ریاست دانشکده داروسازی)، دکتر بقراط صفایی اولین و تنها برنده یهودی جایزه سلطنتی بهترین کتاب) و ده‌ها فرد قابل احترام یهودی ایرانی دلیل خاصی دارد؟

۷ - ۴ - ذکر نکردن نام اعضا انجمن کلیمیان تهران در سال ۱۳۵۷ به ریاست آقای مهندس عزیز دانش راد و با عضویت افرادی نظیر مرحوم یوسف کهن، مرحوم لقمان امینی، مرحوم روح الله ربیعی، مهندس نهورای، مهندس سیروس نظریان، دکتر سعید همتی، مهرداد مبصری، هارون یشایائی و مهندس منوچهر کوهن.

و همینطور ذکر نکردن نام اعضا انجمن کلیمیان تهران از سال ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۳ که در بحرانی ترین دوره تاریخ معاصر ایران توانستند بهر تقدیر و با کمک کلیه سازمان‌های ایرانی کلیمی و افراد کلیمی ساکن ایران امنیت کلیمیان ایران را در دوران انتقالی انقلاب و در زیر باران بمب و موشک عراق با از جان گذشتگی و فداکاری حفظ نمایند و به جای شرکت در مجالس جشن‌های مکرر (از قبیل جشن ۲۵۰۰ سال) فقط در حل مشکلات و نابسامانی‌ها شرکت داشتند و با ریاست آقای موسی آزادگان و نیابت ریاست، آقای مهندس منوچهر کوهن و آقای عبدالله دقیقیان و همکاری آقایان - نجات مرغزار، منصور پوراتحاد، مرحوم لقمان میکائیل، مهندس فریدون ربیعی، صالح یدیدی، مرحوم داود کاشانی، مهندس حبیبیان، ناصر داودیان، و دیگران (که حافظه‌ام فعلاً با عرض پوزش یاری نمی‌کند) بوده است آیا دلیل خاصی داشته است؟....(حتی به صورت فهرست اسامی افراد).

۵ - پیشنهادات و نتیجه گیری

۱ - ۵ - درخواست از همه خوانندگان کتاب و افراد ذی صلاح برای اظهار نظر و اصلاح غلط‌های کتاب.

۲ - ۵ - ایجاد نظم در فصل بندی و موضوعات کتاب.

۳ - ۵ - جدا کردن مطالب تاریخی (که مسئولیت صحت و درستی آن

به عهده آقای کهنیم می‌باشد) از اتوبیوگرافی‌ها و خاطرات (که مسئولیت درستی آن‌ها به عهده نویسندگان اتوبیوگرافی می‌باشد).

۵-۴ - اختصاص یک بخش جداگانه به خاطرات و نظرات آقای کهنیم.

۵-۵ - ترتیب فهرست نام اشخاص و مکان‌ها برای کتاب که برای سهولت دسترسی به مطالب کتاب بسیار ضروری است.

۵-۶ - حذف عکس‌های تکراری و اضافی و فصل‌های نامربوط.

۵-۷ - چاپ یک متمم برای توضیح اغلاط کتاب موجود قبل از اصلاح آن در چاپ دوم.

۵-۸ - ذکر شماره‌های پلاک ثبتی املاک مورد گزارش در تهران و شهرستان‌ها. زیرا هم اکنون در ایران در مورد شناسایی املاک انجمن کلیمیان تهران دچار مشکلات هستیم و توضیح آنکه دفترچه‌های اسناد مالکیت املاک انجمن نزد چه اشخاصی امانت بوده است.

۵-۹ - توجه به نکات فوق در جلد دوم «۱۰۰۱ خاطره» که به گفته آقای مؤلف به زودی آماده چاپ می‌شود.

به هر حال همانطور که مؤلف خود نیز آگاهی داشته‌اند نوشتن تاریخ کار آسانی نیست و چنین هم نیست که هر نوشته را بتوان به عنوان «تاریخ مکتوب یک قوم» آن هم یهودی وانمود کرد.

ضروری می‌دانم تأکید نمایم کار و زحمات و هزینه‌های انجام شده توسط مؤلف را نمی‌توان یک جا بطور دربست و کامل رد یا تأیید نمود. (چون می‌دانم مؤلف در این راه حسن نیت و شوق خدمت داشته‌اند و بسیاری از اشکالات این کتاب ناشی از مشاورین متملق و دو دوزه رفتار است). بلکه به مصداق «عیب می جمله بگفتی - هنرش نیز بگوی».

یادآور شوم که معمولاً اغلب کارها به خصوص کارهای فرهنگی دارای نکات مثبت و منفی توأم است. بنابراین همین نفس شروع به این کار و پرداختن به حفظ خاطرات افراد و نام خدمتگزاران اجتماع با هزینه شخصی کار قابل توجه و در خور احترام است. و راه درست فعالیت اجتماعی آنست که نکات مثبت را تشویق و تأیید و بزرگ کرد (هر چند خلاف سلیقه بعضی یا همگان باشد) و نکات منفی را با ذکر دلیل و مورد متذکر شد تا در قدم‌های آتی و چاپ‌های آینده با صلاح آن اقدام شود.

امیدوارم مؤلف، آقای روح الله کهنیم نیز در ادامه این راه با توجه به حقایق، واقعیات، انتقادات، و تذکرات بجا و به دور از هر گونه «یأس یا تأثیر پذیری» از «تشویق و تکذیب» های بی محمل و با رعایت موازین اصولی موفق باشند.

با بهترین آرزوها برای همه انسان‌ها خصوصاً

خادمین راستین اجتماع



دکتر رابرت خانیان

دندانپزشک عمومی و زیبائی

ROBERT KHANIAN, D.D.S.

General & Cosmetic Dentistry

فارغ التحصیل از دانشگاه .U.S.C

عضو کادر آموزشی دانشگاه .U.S.C

عضو انجمن دندانپزشکان آمریکا و کالیفرنیا

عضو آکادمی دندانپزشکی عمومی

تلفن اورژانس ۲۴ ساعته (۸۱۸) ۹۹۰-۶۹۸۱

16550 Ventura Blvd., Suite 414

Encino, Ca 91436

پذیرائی با تعیین وقت قبلی

قبول اکثر بیمه‌ها

نوشته: الی ویزل

برگردان از متن اصلی فرانسه : نینا استوار

NIGHT
شب


Professor Elie Wiesel

در سایه ساختمان چرت مختصری زدیم آن نظامی (S.S) درآن اطاق گل آلود اشتباه میکرد «آشویتس» یک استراحتگاه کامل بود!

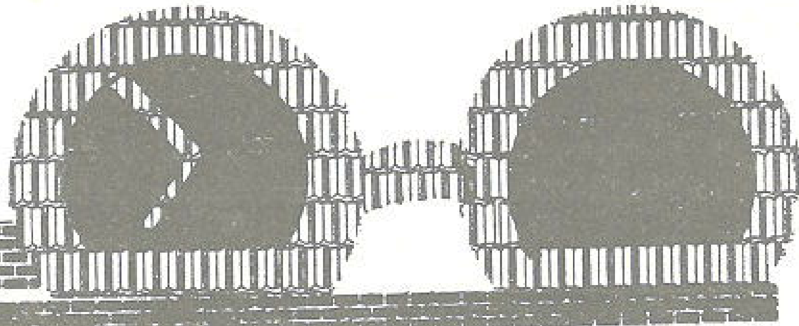
بعدازظهر مجدداً مارا تقسیم کردند . سه زندانی یک میز و وسائل جراحی آوردند ما در حالیکه آستین دست چپ را بالا زده بودیم یک یک از جلوی میز میگذشتیم و سه نفر از قدیمی های آنجا با سوزن شماره‌ای روی بازوی چپ ما می نوشتند «من ۷۷۱۳ - A» شدم . اسم دیگری نداشتم .

غروب سردسته‌های کارگران آمدند و حاضر و غایب شروع شد . نزدیک در ، ارکستر مارش نظامی می نواخت . و ده ها هزار زندانی در صف ایستاده (S.S) ها شماره آنهارا بازرسی میکردند .

پس از حضور و غیاب زندانیان تمام ساختمانها ، به اطراف پراکنده شده و در بین افراد آخرین دسته تازه وارد به جستجوی دوستان و آشنایان و همسایگان پرداختند .روزها می گذشت . صبح قهوه سیاه ، ظهر سوپ (از روز سوم هنوز هیچی نشده هرنوع سوپی را با اشتها می خوردیم) ساعت ۶ عصر حضور و غیاب بعد کمی نان به همراه چیزی دیگر . ساعت ۹ شب هم به بستر میرفتیم .

بهمین زودی هشت روز بود که در آشویتس بسر می بردیم . درموقع حضور و غیاب درحالیکه در انتظار شنیدن صدای زنگ پایان مراسم بودیم یکدفعه شنیدم که یک نفر از کنار صف گذشته و می پرسد کدامیک از شما (WIESEL) است و از شهر (SIGHET) آمده . کسی که به دنبال ما می‌گشت مرد کوچکی بود با صورتی پر چروک و قیافه‌ای که او را مسن تر از سن حقیقی نشان میداد . پدر جواب داده ، من (WIESEL) هستم . مردک لحظه‌ای پدرم را نگریست و درحالیکه پلکهایش را بهم مالید گفت : مرا می شناسید ، مرا شناختید ، یکی از خویشان شماهستم . (STEIN) بهمین زودی فراموشم کردید . (STEIN) از آنورس شوهر (REIZEL) همسر شما خاله خانم من بود . اغلب برای ما نامه می داد ، چه نامه‌هایی . پدر او را بجا نیاورد . بنظرم بزحمت با او آشنایی داشت . پدر همیشه تا خرخره در کارهای کمیته یهود بود و کمتر از کار افراد خانواده چیزی سرش می شد . همیشه غرق در افکارش بود و حواسش بجای دیگری مشغول بود . یکبار یکی از دخترخاله‌ها بدیدن ما آمده بود بعد از ۱۵ روز تازه پدرم حضورش را دریافته بود ، نه او (STEIN) را بیاد نیاورد . من کاملاً او را بخاطر آوردم ، و زن او را قبل از رفتن به بلژیک دیده بودم .

مرا در سال ۱۹۴۲ باینجا تبعید کردند ، وقتی که شنیدم از منطقه شما یک گروهی به اینجا آمده بسراغتان آمدم فکر کردم شاید از همسر و فرزندانم که در آنورس مانده‌اند خبری دارید . من هیچ چیز از آنها نمیدانستم . بعد از سال ۱۹۴۰ مادرم حتی نامه‌ای هم از آنها دریافت نکرده بود اما به دروغ گفتم بله مادرم از احوال آنها جویا می شد . (REIZEL) و بچه ها حالشان خوب است . او از خوشحالی اشک میریخت ، میخواست بیشتر بماند تا خبرهای خوشی کسب کرده و از جزئیات مطلع شود . اما یک افسر (S.S)



نزدیک شد و او در حالیکه دور می شد فریاد کشید روز بعد برمیگردم . صدای زنگ اطلاع داد که میتوانیم پراکنده شده و بدنبال غذای شب که از نان و مارگارین تشکیل شده بود برویم . آنقدر گرسنه بودم که همه را همانجا بلعیدم . پدرم گفت نباید همه را یکباره خورد فردا هم روزی است و وقتی دید نصیحت او کمی دیر ادا شده و از غذای من چیزی باقی نمانده سهمیه خود را اصلاً دست نزد و گفت من گرسنه‌ام نیست .

در «آشویتس» سه هفته ماندیم . کاری نداشتیم انجام دهیم جز اینکه بخوابیم ، عصر و شب زیاد می خوابیدیم ، تنها نگرانی ما این بود که از رفتن سر باز زنیم و تا آنجاکه ممکن است همانجا باقی بمانیم . این کار زیاد مشکل نبود کافی بود که باسم کارگر متخصص نام نویسی نکنیم . کارگر معمولی را برای همیشه آنجا نگه میداشتند . در آغاز هفته سوم بود که رئیس ساختمان ما جایش را بدیگری داد. چرا ؟ برای اینکه بنظر دیگران رفتار او بیش از حد انسانی بود ! رئیس جدید سبع و بیرحم بود و دستیارانش غولهای بی شاخ و دمی بودند . روزهای خوب به پایان رسیده بود و ما از خود می پرسیدیم که بهترنیست تاکاری کنیم که با دسته بعدی از اینجا برویم ؟

(STEIN) خویشاوند ما باز هم بدیدن ما میامد و اغلب یک نصفه سهمیه نانش را باخود میاورد .

- بیا الیزر ، اینهم برای تو .

هربارکه میامد گونه‌هایش را اشک فراگرفته بود . مرتب اشک میریخت واشکها روی صورتش می ماسید . اغلب به پدرم می گفت - مراقب پسرت باش . خیلی ضعیف است . خیلی لاغر شده . برای اینکه از دسته بندی جان سالم بدربرید خوب مراقب خودتان باشید ، غذا بخورید . هرچه شد و هرکجاکه شد . هرچه راکه توانستید ببلعید بخورید که اینجا ضعفا زیاد دوام نخواهند آورد .....

و خود اوچنان نحیف وبی‌بنیه بود .

او همیشه میگفت ، تنها چیزی که مرا زنده نگهداشته این است که بدانم (REIZEL) و کوچولوهایم زنده‌اند . اگر برای آنها نبود دوام نمی آوردم .

یک شب با چهره درخشان بطرف ما آمد و گفت ، دسته جدیدی از آنورس رسیده‌اند فردا صبح به دیدنشان خواهم رفت حتماً آنها خبری دارند ، این راگفت و رفت .

دیگر او را ندیدم حتماً از خبرها آگاه شده و خبر واقعی را دریافته بود .

شب روی بستر ناراحت خود دراز کشیده و سعی میکردیم چند آهنگ (حسیدیم) را بخوانیم (AKIBA - DRUMER) با آن صدای پرطنین و گرفته‌اش قلب ما را ریش میکرد .

عده‌ای از خداوند حرف میزدند ، از مشیت الهی ، از گناهان قوم یهود ، و از آزادی آینده ، من دعا خواندن را ترک کرده بودم . حالا (GIOBBE) ایوب را خوب فهمیده و درکش میکردم . منکر وجود خداوند نبودم اما به عدالت کامل او شک برده بودم .

(AKIBA - DRUMER) میگفت خداوند مارا در بوته آزمایش گذاشته است . میخواهد ببیند آیا قادریم به امیال و مقاصد نادرست خود تسلط پیداکرده ، وشیطان را از خود دور کنیم . ما نباید نا امید شویم ، حتی اگر بدون ذره‌ای شفقت مارا مجازات کند باز نشانه این است که دوستمان دارد .

(HERSCH - GENUD) که به تفسیر تورات وارد بود از به آخر رسیدن دنیا و از ظهور ماشیع صحبت میکرد .

فقط میان این پرحرفی ها گاهگاه فکری بسرم میامد . دراین ساعت مادرم کجاست و ..... زیپورا

یکبار پدرم گفت - مادر ، زن جوانی است حتماً در یک اردوگاه کار مشغول است - زیپورا ؟ مگر نه اینکه او هم حالا دختر خانمی است ؟ پس او هم در اردوگاه کار است . چطور می توانستیم حرف همدیگر را باور کنیم ، ما تظاهر میکردیم و ایکاش حداقل آن دیگری باورش می شد .

تمام کارگران متخصص به اردوگاه های دیگر فرستاده شده بودند و ما یک عده صدنفری کارگر ساده بودیم . منشی ساختمان اعلام کرد که امروز نوبت شماست و شما هم امروز میروید .

ساعت ده صبح سهمیه روزانه نان را بما دادند و بعد یک عده ده نفری (S.S) ما را محاصره کرده و شمردند . از در آهنی که به بالای آن این جمله بچشم میخورد «کار باعث نجات انسان است» گذشتیم ما درست در وسط میدان بودیم . روی جاده‌ای که غرق آفتاب بود در آسمان چند تکه ابر کوچک و سفید بچشم میخورد . آهسته راه میرفتیم ، نگهبانان ما عجله‌ای نداشتند و ما هم راضی بودیم . درحالیکه از شهرک های کوچک میگذشتیم خیلی از آلمانی ها بدون تعجب مارا نگاه میکردند مسلماً قبلاً چنین حرکتهای دسته جمعی را دیده بودند بدون آنکه ککشان بگزد .

درجاده به زنهای جوان آلمانی برخوردیم و نگهبانان شروع به نظربازی با آنها کردند . دخترها شاد و سرحال می خندیدند و اجازه میدادند که نگهبانان آنهارا در آغوش بگیرند و ببوسند و قلقلک دهند آنوقت می خندیدند . همگی می خندیدند و کلمات عاشقانه بهم میگفتند . قسمت زیادی از راه پیمایی باین نحو سپری شد و حداقل این مدت از کتک خوردن و شنیدن فریاد نگهبانان معاف بودیم . بعد از چهار ساعت راه پیمایی به اردوگاه جدید رسیدیم . به اردوگاه (BUNA) و درآهنی پشت سر ما بسته شد

اردوگاه مثل اینکه دچار مصیبتی شده باشد ، خالی و مرده بود . تنها چند زندانی که لباس پوشیده بودند در بین ساختمانها باین طرف و آن طرف میرفتند . طبق معمول قبل از هرچیز مارا از زیر دوش گذراندند ، و بعد مسئول قسمت بما پیوست ، او مرد چاق و قوی هیکلی بود با شانه‌های پهن و گردنی کلفت مثل گاوهای میدان گاوبازی . موهای فرفری و لبهای کلفتی داشت و لبخندی هم گهگاه درچشمان آبی مایل به خاکستری‌اش برق میزد . رویهمرفته اینطور بنظر میامد که مرد خوبی است . در گروه ما چند کودک ۱۰ تا ۱۳ ساله بودند که او فوراً نظرش به آنها معطوف شد و دستور داد برایشان غذا آوردند بعد از آنکه لباسهای جدیدی بما دادند در دو چادر مستقر شدیم تا بعد از تعیین «کماندو» مربوطه به ساختمانها منتقل شویم . شب روسای کماندوهای مختلف از سرکار برگشتند و ما بعد از حضور و غیاب بدنبال دوستان و آشنایان خود گشتیم در ضمن از آنهایی که قبلاً دراین اردوگاه بودند می پرسیدیم که کدام کماندو بهتراست و یاکدام ساختمان خوب است که سعی کنیم وارد آنجا شویم و همه یک زبان میگفتند (BUNA) عالی ترین اردوگاه است و اینجا میشود دوام آورد.. مهم این است که جزو کماندوی کارهای ساختمانی انتخاب نشوی ...... انگار که حق انتخاب با ما بود

رئیس چادر ما آلمانی بود که با آن لبهای گوشت آلود و دستهایی که شبیه پنجه گرگ بود قیافه آدم کشها را داشت . مسلماً زندگی اردوگاه باعث تضعیف او نشده بود چون خیلی بخودش مطمئن بود و با آن هیکل چاق و درشت مدام در حرکت بود . او هم مثل رئیس اردوگاه بچه هارا دوست داشت و بعد از ورود ما دستور داد برای آنها نان و مارگارین و کمی سوپ آوردند . بعدها فهمیدم که این توجهات عاری از نظر شخصی نبوده و بچه ها در اینجا وسیله یک معامله واقعی دربین هموسکسوئل ها بودند ، رئیس چادر سپس بما گفت - شما سه روز در اینجا در قرنطینه هستید و بعد برای کار میروید ، فردا صبح هم معاینه پزشکی دارید .

یکی از دستیاران او پسر جوانی که از چشمهایش پستی و دنائت می‌بارید ، بمن گفت - میخواهی جزو «کماندو» خوبی باشی ؟

البته ، اما بشرط اینکه با پدرم باشم .

قبول میکنم و خودم هم ترتیب این کار را میدهم ، اما درمقابل یک چیز جزیی از تو میخواهم کفشهایت را .

من درخواست او را رد کردم چون کفشها تنها چیزی بود که برایم باقی مانده بود . البته کفشها حسابی نظرش راگرفته بود ، اما من هم زیربار نرفتم . بعد از مدتی بالاخره کفشها از دستم رفت و البته این بار درمقابل چیزی هم دستم را نگرفت .

صبح روز بعد در اولین ساعات صبح معاینه پزشکی داشتیم . سه دکتر که روی نیمکتی نشسته بودند دست بکار شدند ، اولی زیاد معاینه‌ام نکرد و باین قناعت کرد که پرسید - حالت خوب است ؟ چه کسی جرات داشت بگوید نه ؟

دکتر دندانپزشک بعکس آدم با وجدانی بنظر میامد و دستور داد دهانم را باز کنم ، مسلماً نه برای معاینه دندانهای پوسیده ، او بدنبال دندان طلا میگشت ، هرکسی دندان طلا داشت نامش را در دفتر مخصوصی ثبت میکرد و من یک روکش طلا داشتم .

سه روز اول بسرعت برق گذشت . روز چهارم صبح زود هنگامی که جلوی چادر ایستاده بودیم ، روسای کماندوها آمدند و هرکدام آنها در بین ما شروع به انتخاب کسانی کردند که از آنها خوششان آمده بود . تو ... تو ... و تو ، درست مثل اینکه جنس

میخرند و یا حیوانی را انتخاب می کنند ما بدنبال رئیس جوان خود براه افتادیم و نزدیک در اردوگاه جلوی اولین ساختمان ایستادیم . این ساختمان متعلق به اعضاء ارکستر بود . داخل شوید ، و ماباتعجب ازخود میپرسیدیم ماراچه به موسیقی ؟ ارکستر یک مارش نظامی میزد . همان مارش همیشگی و رئیس اسکاندیناو ما میگفت - چپ ، راست ، چپ ، راست . ماموران نظامی (S.S) کاغذ و مداد در دست شماره مردانی که خارج میشدند را یادداشت میکردند ، تا وقتی که آخرین کماندو خارج شد ارکستر همان مارش را میزد . دراین موقع رئیس ارکستر چوبش را کنار گذاشت و اعضاء ارکستر دست از کارکشیدند . رئیس فریاد زد صف ببندید و همگی در صف های پنج نفری قرار گرفتیم . اعضاء ارکستر هم به صف ما پیوستند و آنوقت بدون موزیک اما قدم رو از ساختمان بیرون رفتیم .

هنوز صدای مارش در گوشمان طنین انداز بود ، چپ ، راست ، چپ ، راست .

کم‌کم با اطرافیان شروع به صحبت کردم . موزیسین ها تقریباً همگی یهودی بودند ، (JULIEK) یک لهستانی عینکی که لبخند فیلسوفانه‌ای روی صورت رنگ پریده‌اش سایه انداخته بود . (LOUIS) که از هلند آمده بود و ویولونیست درخور توجهی بود ، اما از اینکه نمیتوانست آهنگهای بتهون را اجراء کند دلخور بود .

یهودیان حق نداشتند موزیک آلمانی را اجراء کنند ، (HANS) برلینی جوان و رهبر آنها یک جوان لهستانی بود بنام (FRANEK) که قبلاً دانشجوی دانشگاه ورشو بود . (JULIEK) برایم توضیح داد که ، ما در یک انبار وسایل الکتریکی کار میکنیم که باینجا نزدیک است و کارها هم خیلی مشکل و خطرناک نیست . اما (IDEK) رئیس آنجا بعضی وقتها حالت جنون پیدا میکند دراین جور مواقع بهتراست که آدم پا روی دم او نگذارد . (HANS) لبخند زنان بمن گفت - کوچولو برای تو جای امیدواری هست ، کماندوی خوبی بتورت خورده - ده دقیقه بعد جلوی انبار بودیم . یک نظامی ، یک کارمند آلمانی و یک کارفرما بدیدن ما آمدند . و ما همانقدر نظر آنهارا جلب کردیم که مقداری خرت وپرت و بنجل نظر یک تاجر را .

آنجا عده زیادی لهستانی غیر نظامی و چند نفری هم فرانسوی وجود داشت و زنها با نگاه به موزیسین ها سلام دادند . دوستان جدید ما حق داشتند کار آنچنان سخت نبود . ما درحالیکه روی زمین نشسته بودیم میبایستی چراغ های کوچک و لوازم ظریف برقی را شمارش کنیم . کارفرما با آب وتاب اهمیت این کار را برای ما شرح داد و گوشزد کرد که هر کسی دراین کار اهمالی کند سروکارش با او است .

اما همکاران جدید ما بمن اطمینان خاطر دادند که ، نترس او باید این حرف را بزند هرچه باشد کارفرما است .

(FRANEK) رئیس گروه ما مرا به گوشه‌ای کشید و گفت - زیاد خودت را خسته نکن و عجله هم بخرج نده فقط مواظب باش که (S.S) مچت را نگیرد .

رئیس ، من میل دارم که کنار پدرم باشم .

باشد ، پدرت هم در کنار تو کار میکند . واقعاً که عجب شانسی آوردیم !.

دو پسر جوان به گروه ما پیوسته بودند (YOSSI) و (TIBI) . دو جوان اهل چکسلواکی که پدر و مادر آنها در (BIRKENAU) مشمول جدا سازی شده بودند . این دو برادر یک روح در دو بدن بوده و برای یکدیگر جان میدادند ، آنها خیلی زود با من دوست شدند و چون زمانی عضو موسسه جوانان یهود بودند اشعار عبری زیادی میدانستند . گاه این فرصت دست میداد که ما آهنگهایی را آهسته زمزمه کنیم ، این نواها آبهای آرام رود اردن و تقدس باشکوه اورشلیم را درنظر ما مجسم میکرد .

اغلب از فلسطین حرف میزدیم . پدر و مادر آنها هم شهامت بخرج نداده بودند که همه چیز را فروخته و به فلسطین مهاجرت کنند و ما تصمیم گرفتیم که اگر تا روز آزادی جان سالم بدر بردیم حتی یک روز هم در اروپا نمانده و با اولین کشتی به حیفا برویم .

(AKIBA DRUMER) که همیشه در عالم تفسیر نوشته های تورات سیر میکرد موفق به کشف نوشته‌ای شده بود که ترجمان عددی آن روزهای آینده را روز آزادی پیش بینی میکرد .

ما چادرهارا ترک کرده و به ساختمان موزیسین ها آمده بودیم . حالا حق استفاده از یک پتو و تکه‌ای صابون را داشتیم . رئیس ساختمان یک یهودی آلمانی بود و داشتن رئیس یهودی برای ما خالی از لطف نبود .

او آلفونس نام داشت . یک مرد جوان که قیافه‌اش بطور عجیبی زودترازمعمول پیر شده بود . آلفونس با تمام وجود خود را وقف کارهای ساختمان مربوط به خودش کرده بود و هر وقت که دستش میرسید یک پارتی سوپ مخصوص برای جوانها و ضعیف ترها ترتیب میداد . برای آنهایی که خواب یک ظرف سوپ را بیشتر میدیدند تا خواب آزادی را !.

ادامه دارد

میزگردهای گروه یاران

در دنباله سلسله میزگردهایی که توسط گروه یاران تنظیم شده، اولین جلسه میزگرد با برنامه‌های جدید شروع شد، در این برنامه که با شرکت دکتر مهشید پایان روانشناس خانواده و دوازده نفر از علاقمندان، اجراء شد بحث بسیار جالبی در مورد شناخت زن و مرد، تأثیر خانواده با مذهب و بطور کلی اجتماع در ایجاد تشابه و تضاد اخلاقی این دو جنس بین افراد و خانم دکتر پایان صورت گرفت.

این برنامه مدت دو ساعت در یکی از کلاسهای کنیسای Stephen S. Wise صورت گرفت و با دو تمرین روانشناسی شروع شد. در این تمرین‌ها در گروههای دو نفری هر شخصی سه دقیقه وقت داشت که راجع به موجودی مهم که در زندگی او اثر مشخصی داشته صحبت کند. منظور از انجام این تمرینها بیشتر به منظور آشنایی بین افراد و برداشتن دیوارهای تصوری و یا اجتماعی قضاوت بود. مهم‌ترین برداشت از این دو ساعت این بود که افراد گروه همه با هم در مورد پیچیده بودن وجود زن و ساده و بسیط بودن وجود مرد هم عقیده بودند. صحبتهایی که در این جا نوشته می‌شود عقاید شخصی افراد این گروه بود و هیچ نوع آمار بخصوصی برای اثبات این تئوریهایی که در موردشان بحث کرده عرضه نشده است. اعتقاد بر این است که زن بخاطر ساختمان فکری و احساسی و نوع پرورشش در خانواده به عنوان «مواظبت کننده» شخصیت برهان تراشی دارد. شناخت زن به آسانی شناخت مرد نیست. بر عکس مردان، در زندگی زن مشخصی به عنوان «فراهم کننده» دارند که از کودکی در خانواده و اجتماع به آنها گوشزد می‌شود. زنها در پروسه هر کاری بیشتر وقت می‌گذارند و مردها فقط به نتیجه هر قدمی فکر می‌کنند، زنها احساساتی‌تر و مردها منطقی‌تر هستند. زنها بیشتر به مواظبت احتیاج دارند و مردها بیشتر دنبال جواب می‌گردند. (۱)

صحبت دیگری شد در مورد مجرد بودن در سالها ۹۰. یکی از آقایان در نهایت تأسف بحث جالبی را راجع به اثر رادیو و تلویزیون و مجله‌های مد و غیره مطرح کرد. او می‌گفت که مردان با دیدن زیباترین مدلهای زن و یا هنرپیشه‌های سینما که از داشتن صورت و هیکل بسیار زیبا بهره دارند و به زیبایی ظاهری بیشتر اهمیت می‌دهند. بیشتر مردان زیبایی سیرت را نادیده می‌گیرند و همینطور زنها هم با توجه به قد و قامت مردان از توجه به کیفیتهایی که در زندگی مهم‌تر هستند خودداری می‌کنند.

در حقیقت رقابتی بین زندگی واقعی و انسانهای جامعه ما وجود دارد. هنرپیشه‌ها و مدلها که از قد و مو و چشم و هیکل بی نقص هستند و در دنیای واقعی یک دختر و یا پسر معمولی که صاحب بهترین قد و مو و چشم و هیکل نیست قرار دارند. البته با تبلیغهایی که در مورد چاقی و لاغری و خوش اندامی می‌شود عده زیادی از زنان و مردان مجبورند در رژیمهای سخت باشند و گاهی از بدن نه چندان زیبای خود شرم داشته باشند.

حتی این تأثیر در بچه‌ها نیز کاملاً دیده می‌شود و امراض غذایی مثل آنارکسیا در جامعه بطور وحشتناکی به چشم می‌خورد.

صحبت جالب دیگر تأثیر نوع خانواده و اثر کوچک‌ترین تشویق‌ها و یا انتظارات خانواده شد که چگونه می‌تواند راه زندگی انسانی را تا ابد تغییر دهد. مثلاً برای فردی که تحصیلات را در خانواده‌اش بسیار مهم می‌دانسته، درس خواندن بزرگ‌ترین هدف زندگی می‌شود و به خاطر درس خواندن و به هر جایی رسیدن باید از لذتهای دیگر زندگی که در طی دوران رشدش در جلوی پای او قرار می‌گیرد چشم بپوشد صرفاً بخاطر اینکه ویروس درس خواندن را در وجودش تزریق کرده‌اند. در نتیجه نوع انتخاب همسر و پیغامهای

لفظی و غیر لفظی که بعداً خود این انسان به بچه‌های خودش خواهد داد صرفاً در روابط با جهان یادگیری بچگی خویش است. مثالهای متعددی در در این مورد گفته می‌شود که شامل رفتارهای بسیار عادی اجتماعی است از قبیل غذا خوردن در جمع و یا بلند خندیدن و حتی در مورد اختلاف سلیقه و انتخاب مرد زن در نوع ابراز احساسات شخصی و عاطفی خویشتن صحبت و تئوری زیاد است و مطمئناً در جلسات آینده در موردشان صحبت خواهد شد.

دکتر پایان به عنوان مثال یک دیاگرام Diagram کشید که زندگی را به یک درخت تشبیه کرد که تنه درخت از هزاران پیغام از طرف پدر و مادر و خانواده و اجتماع و مذهب تشبیه کرد که این تنه درخت از هزاران پیغام از طرف پدر و مادر و خانواده و اجتماع و مذهب بطور کلی دروس اخلاقی ساخته شده است و بعد این پیغامها پخش‌تر و پخش‌تر به صورت شاخه‌های جنبی منشعب رشد می‌کنند و هم زمان که شخصی برای استحکام شخصیت خویش سعی می‌کنند ریشه‌های بسیار قوی سنتها و حتی ترک سنتها در زندگی او وجود دارد پس با شناخت این پایه‌ها حداقل می‌توانیم درک کنیم که چرا هر انسانی شخصیت مجزا و جدایی بخش از دیگری دارد.

بحث دیگر در مورد روابط عاطفی بین زن و مرد و اثر روابط جنسی در ساختن این روابط به عقیده خانم دکتر پایان روابطی مستحکم و همیشگی و پایدار خواهند بود که از نظر عرفانی (Spritual) و معنوی (عرفان صرفاً معنی کبالایی ندارد بلکه شناخت قلبی و بی آلایش احساس بین دو انسان می‌باشد) با هم عقیده باشند و با علاقه انسانی و عاطفی با هم رشد کنند اگر بعد از این روابط انسانی یک زن و مرد از نظر جنسی به هم علاقمند شدند می‌توانند زندگی کامل را در کنار هم داشته باشند.

در جلسات بعد بحثها و مسائل رابطه دقیق‌تری باز خواهیم کرد چون این مسلم است که برای ایجاد زندگی سالم نه فقط شناخت شخصی هر کسی لازم است بلکه شناخت جنس مخالف، محیط، دو فرهنگ کلی نیز برای شروع زیبای روابط انسانی و صحیح لازم است. هر شخصی با داشتن شناخت انسانها و زمینه‌های فکری و تحصیلی و روش و پایه و ارزش فردی و خانوادگی می‌تواند آگاهانه‌تر شخص مورد نظر خویش را برای زندگی مشترک انتخاب کند. چون واقعیت این است که همه ما نتیجه‌ای هستیم از گذشته خویش.

به قول گفته انسانی مهم در زندگی من، همه، علاوه بر مسئولیتهای شخصی خود مسئولیتی بزرگ در مقابل اجتماع خویش داریم و اگر خود را نشناسیم و عاشق خویش نباشیم قادر به تشخیص عشق و عشق ورزیدن به یار و همسر خود نیز نخواهیم بود.

در ادامه این بحثها راهها و متدهای خودشناسی را تا آنجا که امکان عرضه می‌باشد در اختیار شما خواهیم گذاشت که با آگاهی از احساسات شناخته و ناشناخته و کمبودها سعی بر پیداکردن یک جامعه سالم روانی و اجتماعی بکنیم. خواست ما ایجاد محیط سالم زندگیست، با ما همراه باشید.

۱ - از کتاب Dr. John Grey: MEN ARE FROM MARS, WOMEN ARE FROM VENUS




نگاهی به هالاکاست

یکشنبه ۳۰ آوریل

برنامهٔ مشترکی از سازمان سیامک

UNIVERSITY OF JUDAISM

سخنرانی

پرفسور ZEV GARBER

ساعت ۱ تا ۴ بعد از ظهر

مکان

UNIVERSITY OF JUDAISM

15600 MULHOLAND DRIVE

پیوند دلها

برای تماس با افراد زیر با تلفن
۴۷۹۸_۴۷۹(۳۱۰) تماس حاصل نمائید



دوشیزه ۳۹ ساله ، قد ۵/۷ فوق دیپلم با شغل آزاد ، باشخصیت ، وفادار ، رمانتیک و اهل خانواده مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ ساله با قد ۵/۱۰ با شخصیت ، نجیب و تحصیلکرده میباشد

کد ۸۰۴۰

آقایی ۳۵ ساله لیسانس ، شغل آزاد ، قد ۵/۷ خونگرم اهل خانواده ، دست و دلباز ، شوخ طبع از خانواده محترم ، قبلاً ازدواج کرده ، علاقمند به همسری ۲۹-۳۴ ساله ، قد ۵/۷ با تحصیلات دیپلم به بالا ، اجتماعی ، خونگرم ، پای بند خانواده ، نظربلند واهل زندگی میباشد . مجرد ویا قبلاً متاهل ، شغل مهم نیست

کد ۷۸۱

آقایی دیپلمه، ۳۸ ساله، قد ۵/۹، خونگرم، مهربان، بسیار اصیل، شوخ طبع، خانواده دوست و پایبند به اصول و اخلاق ایرانی، مایل با ازدواج به خانمی ۲۹ تا ۳۴ ساله، قد متوسط، شاغل، فداکار، خونگرم، ساده و دور از دنیای تجملات، اصیل، خانواده دوست، مهربان، و با احساس و نجیب، مجرد یا قبلاً متأهل، بدون فرزند می‌باشد.

کد ۶۰۲

آقایی ۳۸ ساله با تحصیلات دانشگاهی، شغل آزاد، قبلاً متأهل بدون فرزند، مهربان، صادق، اهل خانواده، مایل به آشنایی و ازدواج با دوشیزه‌یی ۳۵-۳۱ ساله بسیار درستکار و خانواده دوست می‌باشد.

کد ۷۱۵

دوشیزه‌ای ۳۸ ساله ، لیسانسه ، فروشنده نقره با درآمد ۲۸۰۰۰ دلار در سال ، خوش اخلاق ، مهربان ، صادق ، درستکار و پای بند اصول اخلاقی مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ تا ۵۰ ساله دارای شغل آبرومند ، درآمد کافی زندگی ، مجرد یا قبلاً متاهل ، خانواده دوست ، مهربان ، شریف ، با احساس مسئولیت اهل تفریح و ورزش

کد ۲۶۲

آقایی ۳۶ ساله مقیم کانادا ، قد ٦ فوت لیسانسه با درآمد ۳۵۰۰ دلار ، اجتماعی ، خونگرم و زن پرست مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۳ ساله با تحصیلات کالج ، خوش اخلاق و مهربان میباشد . درصورت ازدواج میتوان در کالیفرنیا زندگی نمود .

کد ٦۱۳

دوشیزه‌ای ۲۷ ساله ، دیپلمه ، قد ۵/۲ با محبت ، عاقل و نجیب و خانواده دار ، ناشنوا مایل به ازدواج با آقایی ۳۲ - ۳۰ ساله ، قد ۵/۲ به بالا با تحصیلات دیپلم و شغل خوب که بتواند از خانواده خود نگهداری کند ، خانواده دار با محبت و عاقل و نجیب که زبان علامتهارابرای افراد ناشنوا بداند

کد ۷۸۵

دوشیزه‌ای ۴۰ ساله ، قد ۵/۲ بافوق لیسانس در حسابداری MBA چشم و مو مشکی ، تیپ شرقی ، مایل به ازدواج با آقایی مجرد بالای ۴۰ سال که آمادگی ازدواج داشته باشد .

کد ۷۰۱

خانمی زیبا ، جوان ، جداشده ، مهربان ، باگذشت ، باقلبی پاک حدود ۵ فوت ، مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ تا ۵۵ ساله ، تحصیلات مهم نیست و شغل آزاد ،

مجرد یا قبلاً متاهل ، قد بلند ، مهربان میباشد

کد ۶۴۱

آقایی ۳۴ ساله ساکن لوس آنجلس با قد ۵/۴ فوت ، تحصیلات دانشگاهی با شغل حسابداری و درآمد ۳۰ هزار دلار در سال ، شوخ طبع ، هنردوست علاقمند به گردش ، ویولونیست ، تسلط به انگلیسی و عبری ، آگاهی در علم جدید کبالا ، علاقمند به تشکیل خانواده و به مادیات بی توجه علاقمند به همسری بالای ۲۰ سال با تحصیلات حداقل متوسطه ، درآمد مهم نیست ، مجرد ، باوفا ، خوش خلق و مهربان ، با صفای باطن و علاقمند به تشکیل خانواده

کد ۶۵۵

خانمی ۳۷ ساله ساکن انسینو ، با تحصیلات دانشگاهی همکار یک وکیل با درآمد متغیر ، مجرد ، امین ، مهربان ، باهوش ، خوش قلب ، جذاب ، شوخ طبع ، همسر مورد علاقه بین ۵۰ - ۴۰ باهوش و شاغل با درآمد مکفی ، مجرد یا قبلاً متاهل ، درستکار ، تحصیلکرده ، شوخ ، جذاب

کد ۳۵۱

خانمی ۳۸ ساله ساکن تارزانا با فوق لیسانس پرستاری شغل آزاد و درآمد ۵۰۰۰ دلار درماه ، دارای ۲ فرزند با خصوصیات اهل زندگی ، مهربان ، تحصیلکرده ، رمانتیک ، با احساس ، پای بند اصول اخلاقی ، زیبا با گذشت علاقمند به یافتن همسری بین ۴۵ - ۴۰ ساله با قد متوسط لیسانسه شاغل با درآمد مناسب مجرد یا قبلاً متاهل باگذشت ، مهربان ، اهل زندگی ، رمانتیک ، باوفا ، فهمیده نسبتاً خوش قیافه ، موقعیت مالی زیاد مطرح نیست

کد ۸۲۴

دخترخانمی ۲۸ ساله با قد ۵/۳ فوت لیسانس حسابداری با درآمد ۲۵۰۰۰ دلار در سال ، مجرد ، جذاب ، باهوش ، با شخصیت واحساس و تحصیلکرده مهربان ، نظر بلند ، با معرفت ، خوش سلیقه از خانواده بسیار خوب و درستکار علاقمند به ازدواج با آقایی بین ۲۸ - ۳۸ سال قد ۶ - ۵/۵ فوت ، دیپلم به بالا با شغلی آبرومند و درآمدی در سطح رفاه ، ازدواج نکرده ، مهربان با شخصیت ، دست و دلباز ، نظر بلند ، خوش اخلاق با قیافه‌ای در سطح قابل تحمل ، قدرشناس

کد ۵۳۹

آقایی ۴۰ ساله مشتاق ازدواج با خانمی تحصیل کرده درحدود ۳۰ سال

کد ۰۲۰

آقایی ۳۶ ساله ، قد بلند متخصص کامپیوتر ، شغل حسابداری چاق خوش قیافه اجتماعی از خانواده خوب و بادرآمد خیلی زیاد تحت مداوا برای تعادل ساکن نیویورک مایل به ازدواج با خانمی ۳۲ ساله قد بلند تحصیلات متوسطه درآمد متوسط مثل خودم اگر چاق باشد مانعی ندارد

کد ۲۳۱

آقایی ۳۰ ساله دکتر دندانپزشک ساکن نیوجرسی قد بلند ، خوش اندام ، ورزشکار ، خانواده دوست ، پای بند به قوانین دین یهود علاقمند به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۶ - ۱۸ ساله با تحصیلات دانشگاهی ، مهربان ، خوش قلب ، خانواده دوست ، زیبا وخوش اندام و پای بند به دین یهود میباشد

کد ۱۸۸

خانم جوانی خوش اندام ۵/۲ رمانتیک، مهربان، خوش قلب، اجتماعی، خوش سلیقه آشنا به زبان‌های عبری و انگلیسی، شاغل، قبلاً متأهل، بدون فرزند، مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی ۵۰-۴۵ ساله، خوش پوش، صادق و وفادار، اهل ورزش و تفریح با درآمد مکفی می‌باشد.

کد ۵۵۷

خانمی ۴۲ ساله ، دیپلمه ، آرایشگر بادرآمد محفوظ بدون فرزند ساکن سن حوزه زیبا خوش اندام مهربان ، خوش سلیقه وفادار با اصالت و علاقمند به پیاده روی و مناطق خوش آب و هوا و دیدنی خواهان ازدواج با آقایی قبلاً متاهل با شغل آبرومند دیپلمه و درآمد در سطح رفاه که خوش اخلاق ، مهربان ، صادق و روشنفکر بدون اعتیاد که بچه درخانه نداشته باشد میباشد

کد ۵۱۱

آقایی ۳۶ ساله لیسانس طراحی مجرد خوش تیپ وبرخورد با عاطفه خانواده دوست با مسئولیت راستگو ورزشکار و از خانواده محترم علاقمند به ازدواج با دوشیزه یا خانمی تا ۳۵ ساله دوست باوفا راستگو زیبا اجتماعی خوش اخلاق و مهربان اهل زندگی و همدم میباشند

کد ۳۷۵

آقایی ۴۰ ساله پزشک - خوش تیپ و خوش برخورد باهوش - اهل تفریح ومسافرت - قبلاً ازدواج کرده مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی ۳۷ - ۲۷ ساله - دارای تحصیلات عالیه در رشته پزشکی و یا رشته های وابسته - فهمیده ، اهل زندگی و خوش برخورد میباشد

کد ۲۵۵

آقایی ۳۳ ساله فوق لیسانس مدیریت بادرآمد مکفی ساکن سان دیه‌گو مسافرت کرده خوش برخورد شوخ طبع مقیم کالیفرنیا از ۱۹۷۹ ، پر انرژی خود ساخته مایل به ازدواج با دختری ۲۸ - ۲۴ ساله دانشجو یا لیسانس شاغل که شوخ طبع و تحصیل کرده اجتماعی باوقار قابلیت تطبیق با ناگواریها آگاه از وقایع روزمره دنیا (نه شایعات درکنیسا)

کد ۷۰۳

دوشیزه‌ای ۳۸ ساله ، لیسانس کامپیوتر و زبان ، راستگو ، اجتماعی ، ورزشکار ، سبزه رو و روشنفکر مایل به

ازدواج با آقایی ۴۶ - ۳۸ ساله با تحصیلات عالیه، مهربان، نظر بلند و روشنفکر میباشد
کد ۷۲۷

خانم دکتری ۳۵ ساله ساکن لوس آنجلس، زیبا خوش برخورد با اصالت از خانواده‌ای محترم و معتقد و پای بند اصول اخلاقی و انسانی مایل به آشنایی با آقایی با حقیقت و با اصالت بمنظور ازدواج و تشکیل خانواده میباشم
کد ۸۰۴

خانمی ۴۸ ساله لیسانس با شخصیت زیبا اندامی متناسب اجتماعی اصیل با محبت علاقمند به خانه وخانواده مایل به ازدواج با آقایی فهمیده خوش ترکیب خوش برخورد خونگرم پای بند به اصول اخلاقی با شغل مناسب و آبرومند با درآمد مکفی میباشد
کد ۹۳۷

آقایی ۳۴ ساله ساکن شمال کالیفرنیا، لیسانس با درآمد ۶۰ هزار دلار در سال، صادق، مهربان، روشنفکر، شوخ طبع، علاقمند به فرهنگ و موسیقی ایرانی مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۸ - ۲۴ ساله، صادق، مهربان جذاب و علاقمند به تشکیل خانواده میباشد
کد ۵۱۵

خانمی ۴۷ ساله، خوش برخورد و مهربان، با شخصیت، روشنفکر، مایل به ازدواج با آقایی فهمیده و خوش اخلاق و نظر بلند می‌باشد.
کد ۶۰۵

خانمی ۵۰ ساله فوق دیپلم شاغل از خانواده اصیل و مهربان، سبزه رو وخوش اندام، اهل تفریح ومسافرت

پای بند به اصول اخلاقی مایل به ازدواج با آقایی ۶۰ - ۵۵ ساله فهمیده و خوش برخورد، خوش پوش اهل مسافرت و تفریح میباشد
کد ۸۱۰

دوشیزه‌یی ۳۶ ساله، لیسانسیه، شاغل قد ۵/۶ از خانواده خوب، خوش اخلاق و مذهبی مایل به ازدواج با آقایی ۴۵ - ۳۶ ساله لیسانسیه و یا دیپلمه، مجرد، صادق وفادار و علاقمند به تشکیل خانواده میباشد
کد ۵۸۵

آقایی ۳۷ ساله، فوق لیسانس، مهندس ساختمان، با درآمد مکفی، مهربان، خوش برخورد، با احساس، راستگو، شوخ، اجتماعی اهل دین و مذهب، اهل مطالعه، شیات نگهدار، قبلاً ازدواج کرده مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی تا حدود ۳۵ سال با تحصیلات دانشگاهی، مهربان، اهل زندگی و خانواده، دین دار، با فرزند و یا بدون فرزند، جذاب و خوش اندام می‌باشد.
کد ۷۰۶

دوشیزه‌ای ۳۲ ساله تحصیلکرده شاغل ۵/۴ فوت فهمیده مستقل خوش اندام مایل به ازدواج با آقایی ۳۸ - ۳۲ ساله دارای تحصیلات دانشگاهی، خونگرم، پای بند به دین یهود با اعتماد بنفس عمیق و مهربان میباشد
کد ۹۰۸

خانمی ۳۸ ساله ساکن نیویورک شاغل، جذاب، مهربان، صادق با شخصیت از خانواده خوب و محترم، خوش قلب، احساساتی، خانه‌دار، دارای ۳ فرزند [illegible] ازدواج با آقایی ۴۵ - ۳۸ ساله با درآمد مکفی، مهربان، بانزاکت، خونگرم، دست و دلباز، خوش تیپ و خوش اندام، معتقد به یک زندگی همیشگی زناشویی براساس درستی - یگانگی میباشد
کد ۲۱۵

آقایی ۳۳ ساله، فوق لیسانس، مهندس، خوش تیپ، خوش برخورد، بسیار با احساس، مهربان علاقه به

تنیس و شنا مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۸ ساله با تحصیلات دانشگاهی، روشنفکر، با شخصیت، صادق و راستگو، خوش قلب، علاقمند به تشکیل خانواده میباشد
کد ۴۵۵

آقایی ۵۱ ساله، پزشک، ۵/۷ فوت قبلاً ازدواج کرده، خوش قیافه، ورزشکار، صادق، مهربان، صمیمی مایل به ازدواج با خانمی تا ۴۵ سال، فهمیده زیبا خوش اندام و خوش اخلاق میباشد
کد ۹۳۵

خانمی ۴۱ ساله، دیپلمه، شاغل، خوش رفتار با محبت خوش قلب و مهربان، درستکار مایل به ازدواج با آقایی ۵۳ - ۴۱ ساله اجتماعی پای بند اصول اخلاقی، قدرشناس باوفا و فهمیده میباشد
کد ۷۴۱

دوشیزه‌ای ۳۵ ساله تحصیل کرده، شاغل، زیبا، خوش اندام و مهربان، اهل تفریح و مسافرت، علاقمند به ازدواج با آقایی ۴۸-۴۰ ساله با خصوصیات مشابه.
کد ۹۴۰

دوشیزه‌ای ۳۵ ساله با تحصیلات دانشگاهی، ورزشکار، رمانتیک، مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ - ۳۵ ساله با تحصیلات دانشگاهی میباشد
کد ۹۶۸

دوشیزه‌ای ۲۷ ساله شاغل، صادق، مهربان و علاقمند به موسیقی مایل به ازدواج با آقایی ۲۷ تا ۳۵ سال، مهربان و خانواده دوست میباشد
کد ۳۰۳

آقایی تحصیلکرده، اجتماعی، مهربان، وفادار، آرام

و صبور و منطقی با درآمد کافی دارای فرزند که زندگی جداگانه دارند علاقمند به ازدواج با خانمی بین ۴۵ الی ۵۰ سال حداقل دیپلمه و پای بند به اصول زندگی و آداب یهودی میباشد

کد ۹۲۳

دوشیزه‌ای ساکن انسینو مایل به ازدواج با آقایی حدود ۵۰ سال با شغل آزاد با درآمد مکفی خوش برخورد و صادق میباشد

کد ۰۲۱

آقایی ۳۰ ساله - دیپلمه - مهربان وخوش برخورد - تحصیل کرده - کارمند مایل به آشنایی و ازدواج با دوشیزه‌یی ۲۴ ساله دیپلمه - خوش اخلاق و خوش قیافه میباشد

کد ۴۶۹

آقایی ۳۸ ساله، لیسانسیه، شغل آزاد، قد بلند، مهربان، مایل به آشنایی و ازدواج با دوشیزه‌یی تا ۳۶ سال می‌باشد.

کد ۶۲۰

آقای آمریکایی ۳۶ ساله پزشک، صمیمی و فعال، با مطالعه، مایل به ازدواج با خانمی تا ۳۵ سال می‌باشد.

کد ۱۶۸

خانمی ۳۰ ساله - قد متوسط - چشمان روشن با تحصیلات دانشگاهی - دارای یک فرزند مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی ۴۰ - ۳۰ ساله مهربان و فهمیده میباشد

کد ۶۳۹

خانمی ۲۴ ساله با تحصیلات دانشگاهی، شاغل، بدون فرزند، زیبا، خوش پوش، نجیب، مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی ۳۵- ۳۰ ساله اصیل با درآمد مکفی می‌باشد.

کد ۸۱۸۸

دوشیزه‌ای ۳۵ ساله تحصیل کرده، شاغل، زیبا، خوش اندام و مهربان، اهل تفریح و مسافرت، علاقمند به ازدواج با آقایی ۴۸- ۴۰ ساله با خصوصیات مشابه.

کد ۹۴۰

آقایی ۲۸ ساله دارای محل سکونت شخصی مایل به آشنایی و ازدواج با دوشیزه و یا خانم تا ۳۵ سال و زن زندگی هستم.

کد ۹۳،۴

آقایی ۳۸ ساله لیسانسیه، شغل آزاد، خوش برخورد، علاقمند به مسافرت، موزیک، و شبات، مایل به آشنایی و ازدواج با دوشیزه و یا خانم ۳۳ - ۲۸ ساله نجیب، خانواده دار هستم.

کد ۵۵۸

آقایی ۴۵ ساله، فوق لیسانس، شغل آزاد، قد بلند، اجتماعی، خوش اندام، ورزشکار، فهمیده، مایل به آشنایی و ازدواج با دوشیزه و یا خانمی، ورزشکار، تیپ شرقی، جدی، اهل زندگی، راستگو، اجتماعی، ۳۰ - ۳۸ ساله هستم.

کد ۷۸

اگر به آینده خود و فرزندانتان علاقمندید بخش انگلیسی این نشریه را هم خودتان بخوانید و هم فرزندانتان را به خواندن آن ترغیب کنید.

ما برای نگاهداری سنت‌ها، میراثها و غرور یهودی می‌کوشیم. شما چطور؟
۳۱۰ - ۴۷۹ - ۴۷۹۸

دل ما با دل شما یکی است

برای کمک دادن و کمک گرفتن ۴۲۹۸ - ۴۲۹ (۳۱۰)



صفحه ازدواج

نشریه چشم انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم را کاملا" پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید.

روی پاکت مرقوم فرمایید **مربوط به صفحه ازدواج** در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند. به هر فرد یک شماره کد داده می شود.

نام و نشان افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهنده باشند ، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند. **سازمان سیامک** ، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی ها جواب می دهند ، نخواهد داشت . درج آگهی ها رایگان می باشد.

(۳۱۰)۴۷۹-۴۷۹۸

P.O. BOX 3074 , BEVERLY HILLS , CA 90212

آگهی دهنده

نام ....نام خانوادگی ....قد ....

سن .... میزان تحصیلات .... شغل.................درآمد ....

آیا قبلا" ازدواج کرده اید ؟ بله ☐ نه ☐ اگربله ، تعداد فرزند ....

نشـــــانی:

تلفن خانه (   ) محل کار (   )

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند

همسر مورد علاقه

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

در آمد .... مجرد ☐ قبلا" متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید.

------------------------------- -------------------------------

از میان نامه‌های وارده



Eretz Cultural Center
EST. 1979
6170 WILBUR AVE • RESEDA, CA 91335 • (818) 342-9303
P.O. BOX 19155 • ENCINO, CA 91416

3-21-95

ریاست محترم هیئت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی

احتراماً به استحضار میرساند :

حدود هشت ماه قبل مجتمع فرهنگی ارتص بارها شفاهاً و عملاً انصراف خود را از حضور در جلسات هیئت اجرائی و هیئت امناء فدراسیون اعلام نموده است و از آن هنگام اهتمام لازم را به منظور رفع نواقص و نقاط ضعف فدراسیون و نیز ایجاد دوستی و برقراری همکاری با تمام سازمانها و با کلیه افرادی که قصدشان خدمت به جامعه است مبذول داشته بهمین منظور سعی و کوشش خود را بکار برده که در پی رسالتی که از سوی مسئولان محترم فدراسیون به نمایندگان مجتمع فرهنگی ارتص داده شده بود ، جلسه‌ای عمومی با حضور نمایندگان کلیه سازمانهای موجود و افرادی که داوطلب خدمت در راه بهبود وضع نابسامان جامعه هستند و نیز اعضای هیئت امنای فدراسیون تشکیل شود و نظرات اشخاص مورد توجه قرار گیرد و با انجام گفت و شنود همه جانبه امکان شرکت تمام سازمانها در فدراسیون و نهایتاً " تقویت فدراسیون یهودیان ایرانی صورت عمل بخود بگیرد ،متاسفانه این پیشنهاد با مخالفت سرسختانه مسئولان فدراسیون روبرو شد . لذا مجتمع فرهنگی ارتص ترجیح میدهد که ضمن اعلام عدم وابستگی بهیچ سازمان و دسته و گروهی، دوستی و همکاری و معاضدت خود را با کلیه سازمانهای فعلی و از جمله فدراسیون یهودیان ایرانی و نیز سازمانهای یهودی دیگری که احتمالاً " در آینده تشکیل شود در راه پیشبرد مصالح ملی و عمومی جامعه حفظ نماید و برای کلیه سازمانهای غیر انتفاعی که هر کدام بنحوی از انحا در راه رفع مشکلات موجود فعالیت می کنند آرزوی موفقیت نماید .

از جمله دلایلی که موجب انصراف مجتمع فرهنگی ارتص از شرکت در جلسات هیئت اجرائی و هیئت امناء فدراسیون بعنوان یکی از سازمانهای عضو می باشد بیو موارد ذیل اشاره نمود .

۱- عدم موافقت فدراسیون با تشکیل جلسه‌ای مرکب از ۲۵ تن از نمایندگان مردم و سازمانها و نیز اعضای هیئت ~~فدراسیون~~ امناء بمنظور طرح نظرات و رفع اختلافات و سعی در ایجاد توافق بین همه سازمانها و فدراسیون .

۲- نادیده گرفتن یکی از ارگانهای بسیار مفید و مورد احترام فدراسیون تحت عنوان کمیته حل اختلاف تحت سرپرستی شخصیت خوشنام و عادل و بیطرفی بنام آقای الیاهو قدسیان و ارجاع اختلافات داخلی فدراسیون ومسائل ملی اجتماع به مقامات قانونی ایالتی

۳- تنزل فدراسیون به سطح یک سازمان معمولی به علت ارائه برنامه‌هائی از قبیل نمایش فیلم با فروش بلیط ورودی ، ترتیب پیک نیک ها و مسافرتهای دستجمعی، ایجاد کنیسا و سایر فعالیتهائی از این قبیل که گر چه بسیار سودمند و مفید و هدفی خداپسندانه دارد ولی در حقیقت خود یک نوع رقابت با تشکیلاتی است که سازمان دارند و نه فدراسیون و چنانچه

ادعا شود فدراسیون بمنظور تامین بودجه داخلی خود چاره‌ای جز انجام فعالیهائی در سطح سازمانی ندارد، در پاسخ باید گفت که با وجود متجاوز از ۲۵ سازمان بقول روسای محترم فدراسیون، اگر فدراسیون بمعنی واقعی عمل کند و سازمانها فدراسیون را بعنوان چتر قبول کنند، با پرداخت تنها ۵۰۰ دلار از هر سازمانی حداقل ۱۲۵۰۰ دلار در ماه و ۱۵۰/۰۰۰ دلار در سال بودجه در اختیار فدراسیون قرار خواهد گرفت که جوابگوی هزینه‌های جاری بطور کامل خواهد بود و در صورت پیش‌آمد مسئله مهمی و در جریان قرار دادن سازمانها شک نیست که کلیه سازمانها همچنانکه در مورد مرحوم شهره بندری زاده و سایر اتفاقات از بذل هرگونه همکاری دریغ نکردند، در آینده نیز همگی به اتفاق روح همکاری خود را نشان خواهند داد.

۴ــ بحساب نیاوردن اکثریت اعضاء هیئت محترم امناء هنگام اخذ تصمیمات مهم و مشورت ننمودن با آنها و اخذ تصمیم در جلسات محدود چند نفری

۵ــ بی اهمیت نشان دادن صندوق ملی که پیرو تصمیم متخذه از سوی متجاوز از یکصدوپنجاه تن نمایندگان مردم و سازمانها و با زحمات زیاد تحت نام IRANIAN JEWISH FUND تشکیل شده و طی شماره ۳۷۲۰۹۰۰۹ در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۹۰ در اداره ثبت شرکتهای لس‌آنجلس به ثبت رسید و در تاریخ ۴ آگوست ۱۹۹۲ مجددا" مورد تائید مقامات مربوطه قرار گرفته است که رونوشت آن عینا" ضمیمه است.

۶ــ تشکیل شورای سازمانها که مقدمه انحلال فدراسیون بشمار میرفت زیرا فدراسیون جدیدی بود در مقابل فدراسیون موجود بدینمعنی که چنین تشکیلاتی به زبان انگلیسی فدرشن به زبان فرانسه فدراسیون و برابر فارسی آن شورای سازمانها است که خود فدراسیون اقدام به تشکیل آن نمود.

۷ــ نارسا بودن مواد آئین نامه و اساسنامه فدراسیون که در صورت موافقت مسئولان فدراسیون احتیاج به حک و اصلاحات زیادی دارد (از جمله روش انتخابات، شرایط انتخاب شدن و لزوم انتخاب لااقل دو سوم از اعضای هیئت امناء از بین افراد زیر ۵۰ سال، تشکیل هیئت اجرائی و نکته‌های مهم دیگر .....)

نا گفته نماند که چنانچه روزی فدراسیون آماده تجدید نظر کردن در روش خود و حاضر به شنیدن انتقادات و نظرات مردم و پاسخ دادن به سوالات مطرح شده از سوی افراد و سازمانها باشد، مجتمع فرهنگی ارتص نیز متقابلا" در تصمیم خود تجدید نظر خواهد نمود و تا آنروز همکاری‌دوستی خود را با فدراسیون و نیز کلیه سازمانهای موجود بطور برابر و با بیطرفی کامل ادامه خواهد داد.

موفقیت و پیشرفت کلیه سازمانها را در راه خدمت صادقانه و بی ریا به جامعه از خداوند متعال مسئلت داریم

از طرف مجتمع فرهنگی ارتص

روبن دخانیان

اطلاعیـــه مهـــم

همکیشان عزیـز؛

هیئت ربانوت ایرانی بسیار مفتخر است که هر یک از اعضای آن به خدمت جامعه مشغول بوده و وظیفه دینی خود را نسبت به پروردگار، توراتنو هقدوشا و همکیشان عزیز درحد توانائی و موقعیت خود انجام می‌دهد.
علاوه بر جنبه‌های ارشادی، آموزشی و نشست‌های ماهیانهٔ اعضای ربانوت جهت مشورت و راه‌یابی، ما وظیفه خود می‌دانیم که شما عزیزان را دربارهٔ اصول عملی یهودیت آگاهی داده، از لغزش‌ها یا از سوءاستفاده سودجویان برحذر داریم.

"**کشـــروت**" در کنار نگهداری شبات، حفظ طهارات خانواده و تعلیم و تربیت فرزندان در راه تورا و فرهنگ یهودی، مکانی بس رفیع و مهم در یهودیت را دارا است. متأسفانه افرادی دربین یا خارج از جامعهٔ ما که از اصول کشروت بی اطلاع و تنها هدف آنان استفاده مالی است، با بوق و کرنا و تبلیغات شبانه روزی در رسانه‌های گروهی، قصابی، رستوران یا کیترینگ و قنادی خود را کاشر اعلام می‌کنند. در صورتی که طبق تحقیقات هیئت ربانوت، این اماکن طبق موازین سنّتی و مشخص کشروت عمل نمی‌کنند، کاشر نیستند و نباید به گفتار صاحبان آنها و یا تبلیغات موجود در رسانه‌های گروهی اعتماد کرد.
به تازگی بعضی از رستوران‌ها و کیترینگ‌ها خود را کاشر اعلام می‌کنند زیرا به تصور خویش با استفاده از گوشت کاشر غذای آنها کاشر محسوب می‌شود.

هیئت مدیره ربانوت به شما عزیزان توصیه می‌کند که به نکات زیر توجه بفرمائید:
الف) هیئت ربانوت ایرانی دخالتی در امر کشروت ندارد و **اطلاعیه‌های رستوران‌ها و کـیترینگ‌ها بعنوان " تحت نظارت ربانوت ایرانی " بی‌معنا و مفهوم می‌باشد.**

ب) هر رستوران، قصابی، قنادی و کیترینگ می‌باید زیر نظر **هیئت ربانوت آمریکائی یا راوهای واجد صلاحیت** شهر لوس آنجلس باشد و تمام موازین کشروت را رعایت نماید.

ج) مؤسسه‌ای که ادعای کاشر بودن دارد ، می‌باید نام و شماره تلفن آن "راوی" راکه مؤسسه زیرنظر او اداره می‌شود ، در اختیار شما بگذارد . شما می‌توانید مستقیماً به آن راو تلفن کنید و حقیقت را از جویا شوید . حضور این راو و ناظران مورد تأیید او در ضیافت و مجالس ، اجباری و واجب است .

د) کیترینگ‌های کاشر که در خانه‌ها غذا سرو می‌کنند ، زمانی مورد قبول و اعتماد هستند که به همراه ناظر و تأیید راو مربوطه باشند .

ه) در مورد قصابی‌ها ، قنادی‌ها و سایر مؤسسات کاشر نیز می‌باید طبق موازین بالا عمل نمائید .

غذا خوردن از دید یهودیت عملی جسمانی محسوب نمی‌شود ، بلکه پاکی و طهارت غذا و کاشر بودنش بیانگر اثرات روحانی آن می‌باشد . غذای کاشر به همراه "براخا" و دعا و شکرانهٔ بعد از غذا و گفتاری از تورا، آئینی مقدس محسوب شده و نباید به سودجویان بی‌خبر و ناآگاه اجازه داد که به این حریم معنوی سنّت‌های دیرینهٔ ما توهینی روا دارند .
اجر نیک و عاقبت خیر برای همگی شما عزیزان و فرزندانتان از درگه پروردگار توانا خواستاریم .

هیئت ربانوت ایرانی

سازمان بانوان یهود ایرانی مقیم کالیفرنیای جنوبی روز سه شنبه ۱۴ مارچ جشن باستانی نوروز و پوریم را در منزل خانم هلن و آقای خانبابا شباتیان جشن گرفتند - سخنران این جلسه آقای دکتر مهدی سیاح زاده بودند و ایشان راجع به هیپنوتیز و هیپنوتراپی نطق کردند که بسیار مورد توجه واقع گردید. همچنین سازمان بانوان یهود ایرانی مقیم کالیفرنیا از آقای عبداله طالع همدانی شاعر ملی یهود ایران در تاریخ سه شنبه ۱۷ مارچ تجلیل بعمل آورد و شعرای گرانمایه مقیم آمریکا در وصف ایشان اشعاری سرودند.
طبق سنت همه ساله روز مادر نیز توسط سازمان بانوان یهود ایرانی مقیم کالیفرنیا روز چهارشنبه ۱۰ ماه می در باغ باصفای خانم هوری و آقای سیروس کروبیان در بورلی هیلز جشن گرفته خواهد شد. و طبق معمول همه ساله یک مادر نمونه و فعال و سرشناس و یک بانوی پزشک جوان و عالیقدر و مشهور به حضار معرفی خواهند شد.

تلفن اطلاعات خانم لوئیز گلشن ۵۲۶۱-۴۷۲ (۳۱۰)

قابل توجه کوهنوردان گروه یاران

به علت تغییر ساعت - از تاریخ اول ماه می - حرکت از ساعت ۸ صبح به ساعت ۷/۳۰ صبح تغییر داده می‌شود. به امید دیدار شما.

The Sephardic Educational Center

Presents

Sepharad '95
May 26th to 29th

Join hundreds of young adults from around the world for Sepharad, the SEC's Annual International Convention.

DC will be the site for this year's unique event that combines traditional Sephardic culture, music and food with fun and excitement.

- Spend a memorable weekend in Washington, DC at the Hyatt Regency Hotel
- Meet young people from all over the world
- Experience an unforgettable Shabbat set in the Sephardic tradition
- Prepare to dance the night away
- See the sites of Washington, DC including the Capitol, National Holocaust Museum, & the Smithsonian Museums
- Dine and dance at the Annual Gala Banquet

Date: May 26th to 29th, 1995

Price: $250 US (not including airfare) for SEC members, $275, non members, before April 24, 1995
$275 US (not including airfare) after April 24, 1995
Price includes airport transportation for groups of 20 or more from National Airport

- This weekend will be set in a traditional Sephardic atmosphere where Shabbat will be observed.

If this is a new experience for you, the SEC will provide (upon request) a Shabbat schedule and an explanation of what will be expected of you to fully enjoy the convention.

Men are asked to bring a Talit and Tefillin.

All food will be under strict Kosher supervision.

To ensure an effective and successful weekend, participants (ages 18 through 36) are expected to attend all convention programs.

Space is limited, so please complete and mail the Participant Registration Form with your check as soon as possible to your local chapter or the SEC National Office at:

Sephardic Educational Center
6505 Wilshire Blvd., Ste. 403
Los Angeles, CA 90048 (213) 653-7365

SEC Washington, DC Chapter
11418 Old Georgetown Rd.
Rockville, MD 20852 (301) 770-6372

SEC New York Chapter
110 East 59th St., 3rd Floor
New York, NY 10022 (212) 339-6921

SEC Montreal-Toronto Chapter
Centre Communautaire Juif
5480 Westbury Ave.
Montreal (Quebec) Canada H3W 3G2
Montreal: (514) 735-5565
Toronto: (416) 256-5672

SEC Miami Chapter
900 Bay Drive, Ste. 317
Miami Beach, FL 33141 (305) 861-1112

PARTICIPANT REGISTRATION FORM

Name: ____________

Address: ____________

City: ____________ State: ____________

ZIP/Postal Code: ____________

Country: ____________

Telephone #: ____________

Age: ____ Sex: ____ Date of Birth: ____________

Occupation: ____________

☐ Check here if you are an alumni of the SEC Israel Program. Year: ________

Please list your choice of roommates, if any:

1. ____________

2. ____________

Room rates are based on triple occupancy. If you would like double occupancy, there will be an additional fee of $75 US per person.

Reservations Deadline: May 1, 1995

Amount enclosed: $____________

Please make check payable to the SEC

All applications are subject to approval.

LATIN AMERICA

MOCK ATTACK

Argentine President Carlos Menem and Jewish leaders in Buenos Aires condemned a mock attack on a Jewish building staged by journalists.

Two photographers and three others were detained for their role in the nighttime ploy, arranged by journalists of the magazine Noticias in an attempt to prove guards were unprepared for another terrorist attack in Argentina.

HAPPY BIRTHDAY

Semanario Hebreo, the Jewish weekly published in Montevideo, Uruguay, is celebrating its 35th anniversary.

The publication is highly respected not only in the Jewish community, but in general Uruguayan circles as well.

RETURN

After practicing Judaism in a hidden way for almost four centuries, 12 Marrano families in Natal, in northeastern Brazil, are shedding their Christian identity and returning to the faith of their Jewish ancestors.

"Marrano" is a pejorative term used to describe those Jews who secretly practiced Judaism after being obliged to convert to Catholicism during the Spanish Inquisition.

COMMERCE & TECHNOLOGY

U.N. PROJECTS

Israeli companies may soon be involved in projects of the U.N. Industrial Development Organization in developing countries.

Estimates by the Israeli Ministry of Trade and Industry say Israel will be receiving tenders for participation in more than 500 projects in 1995.

GRAPEVINE

In the first venture of its kind in Israel, Kibbutz Eylot in southern Israel is growing grapes for export.

The vineyard will cover about 125 acres and is expected to initially produce 500 tons of high-quality table grapes for export to Britain and Germany for spring 1996; eventually 1,000 tons of grapes are expected to be produced per season.

MOVING ITEM

A revolutionary electronic device for the aid of paralytics, invented and patented at Israel's Ben Gurion University, has been unveiled for the first time and is going on sale shortly in Israel at a cost of about $3,000 per device.

The equipment sends electrical impulses to the hand, allowing it to grasp items such as a telephone, a shaver, a pen, and eating utensils.

TAXING

Israel is signing tax agreements with Canada and Mexico, thus rounding off the complicated situation on taxes with all North America.

The agreements will grant benefits in foreign trade and investments, with a customs agreement for joint action against smugglers and drug traders.

PROJECTIONS

The Israel Export Institute estimates that for the next three years the annual export potential from Israel to Jordan will total about $120 million.

The Institute's chief economist says the main branches of export will be in professional know-how and services in industrial education, construction and infrastructure of transport, and the setting up of plants.

HOT PROSPECT

Israeli company Amcor is negotiating with a Jordanian company to set up a joint plant in Jordan to produce and market household solar heaters.

The Jordanian firm plans to sell the heaters in the Gulf states.

AROUND & ABOUT

PLEDGE

A pledge to help protect the British Jewish community from terrorism has been given by Prime Minister John Major at a recent meeting.

Mr. Major stressed the need to "stand firm" against extremists, saying that the "Jewish community needs to be secure and feel secure."

NO BULL

A herd of 54 water buffalo from Italy has been imported to Israel to inaugurate a new dairy industry, producing buffalo milk and cheese.

The milk is mainly used for the making of an expensive variety of Mozzarella cheese.

COMPUTER CHECK

The Israeli Manof company has won a tender for computerizing the branches of the Czech Republic's largest bank, The Bank of Trade.

Another Israeli company, Comet, is supplying computers for Prague's largest hospital.

■ DEFLATION

According to a study by Canadian Jewry, intermarriage has dramatically decreased among North African-born Jews living in Montreal.

Twenty percent of those who arrived in Montreal between 1940 and 1949 married non-Jews, while today only 6.8% overall intermarry, and only 3.2% among those who have been in Montreal since 1980.

■ INFLATION

Montreal Jews are intermarrying at a significantly higher rate than they did a decade ago, according to a study based on the 1991 Canadian census.

The study found that 9.3% of married Jews had non-Jewish spouses, as compared with 5.5% in 1981, and more than one in ten Jewish children under the age of 19 living with both parents are in intermarried families.

ISRAEL

■ HOSPITAL-ITY

Several hundred patients from neighboring Arab countries are expected in Israel for medical treatments ranging from fertility treatment, eye surgery, and orthopedics to plastic surgery, treatments unavailable in their homelands.

The patients will arrive at both public and private hospitals in Israel through third countries, and their passports will not be stamped with Israel stamps; their families will stay at local hotels and have organized visits to Islamic religious sites.

■ MIXED FEELINGS

A recently released Jewish Agency poll shows that while many of the 550,000 Jews who emigrated since 1990 from the former Soviet Union are faring well, most are unhappy.

Although the poll found that 86% of the immigrant work force is employed, one-third of the immigrants own their own cars, and nearly 40% have taken mortgage loans to buy apartments, 50% said they were dissatisfied with life in Israel, and only 26% said they would recommend immigration to Israel to other Jews in the former Soviet Union.

■ KUWAITI POLL

More than half of Kuwaitis polled by a local newspaper say they support the normalization of Arab ties with Israel and would buy products made in the Jewish state.

Asked whether they would buy Israeli products, 61% said they would, 28% would refuse to do so, and 11% did not comment.

■ POVERTY LINE

According to a recently released report by the National Council for the Welfare of the Child, one of every five Israeli children, or about 470,000 youngsters, lived below the poverty line in 1994, with the highest rates of poverty among children in Jerusalem and Bnei Brak.

The report conflicted with numbers in a National Insurance Institute report, which estimated that 279,000 Israeli children were living in poverty.

■ JOINT PRODUCTION

Movie theaters in Jerusalem, Haifa, and Tel Aviv are screening *Peace Diaries*, the first Israeli-Palestinian film co-production.

Three Palestinian and three Israeli cameramen documented life around them during the first six months since the peace process began.

■ CAR THEFT

According to Israeli Police Minister Moshe Shachal, a ring of car thieves operating from Egypt and selling the stolen cars in neighboring Arab countries is partly responsible for the high incidence of car theft in Israel. A car is stolen in Israel every 25 minutes.

■ NO SMOKING

The International Convention Center in Jerusalem has inaugurated "A Green Year Without Smoking" by banning all smoking on its premises.

It is the first public institution of this kind in Israel to take this step following the recent law against smoking in public places and at work places.

NAZI LEGACY

■ TORAHS TORCHED

Police arrested two youths in Hungary for breaking into a synagogue and burning Jewish scriptures in commemoration of the birthday of Hungarian wartime fascist leader Ferenc Szalasi.

Officials at the main synagogue in the eastern Hungarian city of Debrecen reported that 19 valuable Torah scrolls were burned beyond recognition on January 6.

■ NAZI PROPAGANDA

Nazi propaganda material was seized while being offered for sale at a student fraternity function in the German university town of Heidelberg.

Books by SS chief Heinrich Himmler and Gestapo head Reinhard Heydrich, SS flags, and songbooks were offered for sale at the fraternity by a bookseller and his family under investigation for months for propagating banned material.

DATELINE

WORLD JEWRY


World Jewish Congress

■ HOLOCAUST DENIAL

Jewish groups protested an article in a Japanese magazine that contends the Holocaust was "propaganda" and Nazi gas chambers never existed.

The article, entitled "There Were No Nazi Gas Chambers," appeared in *Marco Polo*, a 200,000-circulation monthly news and commentary magazine. In response, the publisher, Bungei Shunju, announced he would close the publication.

■ YIDDISH CIRCULATION

The only Yiddish daily newspaper published in the former Soviet Union, the *Birobidzhaner Stern*, has begun international circulation and is being sold in 15 foreign countries including France, Israel, Japan, the U.S.A., and over 40 cities in Russia.

Birobidzhan was set up by Stalin in the Soviet Far East as a "Jewish Homeland" and a Soviet alternative to the Zionist program for a Jewish state in Israel.

■ AUSTRALIA DAY

For the first time, a Jewish minister has been given the honor of writing and reciting a prayer for Australia at the official Australia Day celebrations.

Rabbi Raymond Apple, chief minister of Sydney's Great Synagogue, who recited a prayer at the January ceremony, said, "It gives me a good feeling on behalf of the Jewish community . . . and although we are small in numbers, our contribution to Australian history has been great."

■ KOBE JEWS

The synagogue and Jewish community center of Kobe, Japan, has survived the devastating January 17 earthquake intact.

Kobe, which has the second largest Jewish community in Japan after Tokyo, is home to some 30 Jewish families.

■ SINFUL SODA

Iran's spiritual leader, Ayatollah Ali Khamenei, has ruled that foreign sodas such as Coca Cola and Pepsi are religiously forbidden, saying they contribute to the enhancement of Zionism.

"Any act which . . . enhances Zionist centers is by itself *'haram'* (Arabic for 'religiously forbidden' or 'sinful')."

■ DISTURBING TREND

Anti-Semitic incidents have increased in Australia during the past year, as have the activities of Australian racist groups, according to a recent report.

The report recorded a seven percent increase in 1994 over the previous year, and noted a nearly 60% increase in reports of intimidation and hate mail, with the mailing of Holocaust-denial materials to Holocaust survivors being a prominent development.

■ ISRAELI WEEK

Managers and buyers from the Sinsaga marketing network in South Korea have visited Israel as guests of the Export Institute to check out a variety of products to show at their "Israeli Week" to be held in May.

NORTH AMERICA

■ ARREST

Eleven white supremacists have been arrested and a small arsenal of assault weapons found in Denver, Colorado.

The arrested are also accused of spray-painting white supremacist and neo-Nazi slogans in the Denver metro area.

■ APOLOGY

One of two rural Manitoba teens charged with spraying anti-Semitic graffiti on a small synagogue on Halloween night has written an open letter of apology to the Jewish community.

The synagogue is used only in summer when Jewish families from Winnipeg head for cottages at the popular lakeside resort of Winnipeg Beach.

Malcolm Ross, the New Brunswick, British Columbia, school teacher whose writings deny the Holocaust, has published a new book entitled *The Real Holocaust: The Attack on Unborn Children and Life Itself*, now available in Vancouver bookstores.

The book suggests that Jewish doctors are threatening "Christian civilization" by performing abortions and claims that there is a conspiracy "whose goal is the destruction of . . . Christian society."

can say the Pledge to themselves any time they want.

If comfort of students is to be our guide, how do opponents of school prayer defend sex education in school? That makes far more students far more uncomfortable.

It is a very weak child who will be traumatized by his or her class saying, "Almighty God, we acknowledge our dependence on Thee. And we beg Thy blessing on us, our parents, our teachers and our country." That many Jews are raising children to find such words offensive and emotionally traumatizing is sad beyond words.

Objection Four: The Real Agenda Is to Christianize America

Having co-authored a book on antisemitism, I know well how Jews have suffered under Christian rule in Europe. I also know about antisemitism in America. But I also know how uniquely well Jews have fared in the United States.

Insofar as treatment of Jews is concerned, American Christianity has not been European Christianity. Not only have Christians tended to tolerate Jews in America, they often venerated Jews and their religious tradition. Most American Jews would be stunned to learn how versed many of the country's founders were in the Hebrew Bible and even in the Hebrew language.

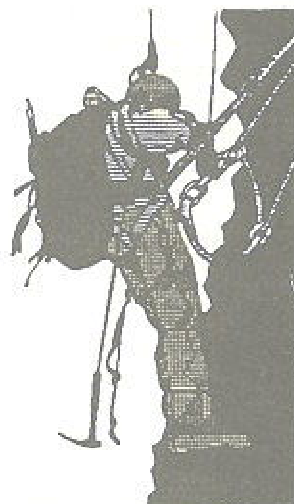
Thus, even if the purpose of a voluntary non-denominational prayer were to Christianize America, I would be for this prayer. First of all, I judge positions by their results, not their motives. Second, if these prayers serve to Christianize America, I welcome that development. I welcome a secular government in America, not a godless one, and I fear a secular and godless population.

This Jew fears a post-Christian America. I had a glimpse of it during the riots in Los Angeles. **UI**

The Pledge of Allegiance makes Jehovah's Witnesses uncomfortable. Should we, therefore, eliminate the Pledge?

For Reprints of Articles, Past Issues, Subscriptions and Gift Subscriptions, Call 1-800-225-8584, 24 Hours A Day.

PUT YOUR HIKING SHOES ON
"YARAN" goes HIKING



every SUNDAY morning at 7:30 a.m./**sharp**

RAIN WILL CANCEL THE PROGRAM

See you at 7:30 a.m. on TEMESCAL CANYON MOUNTAINS
(Corner of Sunset Blvd. and Temescal Canyon)

{Don't worry about the calories you might loose!!!
We'll go for breakfast, if you promise to be a *Nice Jewish Single Persian under 45*

Arguing that students can pray by themselves any time they want is as irrelevant as arguing that fans at a baseball game can sing the National Anthem any time they want.

The words "separation of church and state" do not appear in the Constitution. What the Constitution forbids is the establishment of a state religion, not indifference to religion. The contemporary reading that government should be neutral in regard to religion is new — and dangerous if you believe that religion plays a necessary moral role in America.

As Richard Brookhiser wrote in *Time*, "It's a good thing the Justices were not around in 1789, or they would have ruled that the day of 'public thanksgiving and prayer' that had been proclaimed that October was an establishment of religion too."

The first Thanksgiving Proclamation, issued by President Washington, asserts that "it is the duty of all Nations to acknowledge the Providence of Almighty God."

George Washington believed in ethical monotheism. It is terribly sad that most Jews have abandoned what George Washington learned from their, *the Jews'*, ancestors.

Second Objection: Students Can Pray any Time They Want

Members of Congress and Senators can pray any time they want. So why do they open every meeting of the House and the Senate with a clergyman offering a prayer?

The answer is that invoking God at the beginning of each Congressional session is Congress's way of saying that God is of particular importance to the United States of America. *It is not in order to make irreligious members religious.*

In order to give something social significance, it must be publicly affirmed.

That is why *public* prayer in schools is so important — because invoking God at the beginning of each school day says to students that this society considers God important. The argument that students can pray by themselves any time they want is therefore as irrelevant as arguing that fans at a baseball game can sing the National Anthem any time they want. We sing it publicly in order to make a patriotic statement.

Of course, school prayer will not create a theological change in students. *That is not its purpose* — a fact lost sight of by those conservative Christians who oppose school prayer on the grounds that it is not sincere prayer from the heart. The purpose of school prayer is not to make students religious, or even to have them engage in heartfelt prayer. It is to affirm the importance of God to our civilization. It is to compel students to take note that this society deems God important. God has been central to America's self-definition, but right now, He is a non-issue to millions of American students.

Third Objection: It will Make Certain Students Uncomfortable

When lecturing before Jewish groups, the objection that is most passionately felt is that many Jewish and some other students, such as atheists, will feel uncomfortable even if the prayer is voluntary.

Preventing individuals from feeling uncomfortable has been an obsession of American liberalism of the last generation. No matter how important a value or a societal standard is, it is to be abandoned should the value make those who do not live by it uncomfortable. Consequently, whenever there is a conflict between standards for the society and compassion for the individual — and there will always be such a conflict — the liberal attitude has been: Drop the standard.

For example, the standard of civilized societies has been that out of wedlock births are terribly harmful to society, because children need a mother and father. But because this stigmatizes single pregnant women, the liberal attitude has been to drop the standard and the hurtful stigma.

A generation of Americans raised with a belief in a loving God who is also a moral authority will be a better generation of Americans. But this is unimportant to liberals because *affirmation of this belief may make some students uncomfortable.*

To which the response *must* be: So what? The Pledge of Allegiance makes Jehovah's Witnesses uncomfortable. Should we, therefore, eliminate the Pledge? After all, students

As incredible as this may sound to the average Christian who harbors no ill will to the Jewish people — indeed, I believe that most American Christians are positively disposed toward Jews — awareness of these historical events renders Christianity suspect in the eyes of most Jews. This is especially so when Christianity is associated with the already feared term, "Right." Thus, the term "Christian Right" combines two primal fears.

3. Denial of religious authority

Once, after I gave a lecture to a Jewish community in Texas, a woman who had converted to Judaism came over to me and uttered profound words: "The Jews," she said, "are the only people who still believe in the Enlightenment."

Having lectured to many hundreds of Jewish communities, I agree with that woman. More than any other group in America, Jews still believe in the essential goodness and rationality of human beings. Given what Jews recently endured at the hands of human beings in Nazi-occupied Europe, this belief is incredible. But what is most important to note is one of the consequences of this belief in innate human goodness — that a God-based moral code is unnecessary to achieving a good world. Since people are basically good, who needs God and religion for morality? All they need is a good secular education.

This belief — and it is a belief in every religious sense of the word — in human goodness and the irrelevance of God-based moral codes is another major component of Jewish liberalism.

Those of us who are not secular liberals believe that Dostoevsky was right when he wrote that "Where there is no God, all is permitted." We therefore, believe that children who start every one of their schooldays by hearing an affirmation of a God to whom they are morally responsible will be less inclined to hurt people.

4. Sense of Mission to the Downtrodden

Finally, the Jewish belief in the Jews as the Chosen People has had secular manifestations. One example has been the predilection of a disproportionate number of Jews for Marxism and other utopian doctrines.

The original religious mission of the Jews was to bring the world to ethical monotheism — belief in the one universal God and His one universal moral code. Unfortunately, with few exceptions, religious Jews long ago abandoned any sense of mission to mankind. Ironically, the Jews who still feel a mission to redeem humanity are secularized Jews on the Left.

For this reason, asking fervently secular liberal Jews to accept the need for prayer in schools is analogous to asking fervently religious Jews (or Christians) to abandon their faith in prayer. Jews' liberalism and opposition to school prayer are essentially religious convictions.

Some of us actually believe that children who start every one of their schooldays by hearing an affirmation of a God to whom they are morally responsible will be less inclined to hurt people.

Jewish Objections to Voluntary School Prayer

In 1962, the United States Supreme Court outlawed this prayer in New York State schools:

> Almighty God, we acknowledge our dependence on Thee. And we beg Thy blessing on us, our parents, our teachers and our country.

Jews who oppose such a simple, innocuous, non-denominational voluntary prayer in schools offer a number of arguments.

1. Such a prayer violates the Constitutional belief in the separation of church and state.
2. Such a prayer will make students belonging to non-Christian minorities, such as Jews, extremely uncomfortable.
3. There is nothing stopping any student from praying any time he wants. We don't need organized prayer, even if voluntary.
4. This prayer is only the tip of a Christianizing-America iceberg.

First Objection: It Violates the Separation of Church and State

For 200 years, until secular fundamentalists took over our Supreme Court, prayer in school was not regarded as unconstitutional.

Most Jews Are Well Educated

A second reason is that in America, there is an inverse relationship between the amount of higher education a person receives and his religiosity. In other words, the more education people receive, the less religious they are likely to be. Since no group attends college and graduate schools in nearly the proportion that American Jews do, it is not surprising that no group will be as aggressively secular as American Jews.

American public and higher education are essentially a secular brainwash. The best way to illustrate this is by imagining a student who, from the age of five until the age of 25, attended only fundamentalist Christian schools. No one would be surprised to learn that this student had ended up a fundamentalist Christian.

Why, then, should anyone be surprised to find that students who attend secular elementary schools, high schools, colleges, and graduate schools turn out to be fundamentalist secularists? These people are presented with as exclusive a worldview as are students who attend only fundamentalist Christian schools.

In orthodox religious schools, Jewish or Christian, there is one correct way ("orthodox" means correct belief) to see the world — through religious eyes and values. In secular schools, there is also one correct way to see the world — through secular, usually liberal, eyes and values.

There is, however, a major difference between the approaches of the two types of schools. The religious schools are considerably more honest about their aims. Christian and Jewish schools tell you that their intent is to produce a religious adult. Secular schools, on the other hand, claim to be open and to have no agenda.

That is how secularly educated Jews and others can walk around really believing that there is only one correct way to view and live life — secular and liberal — and yet believe that they have open minds.

Here, too, things may be slowly improving. More and more Jewish parents are sending their children to Jewish day schools. As with other religiously oriented Jews, the more Jewishly knowledgeable and active these Jews will be, the less aggressively secular they will be.

Meanwhile, however, the disproportionately secularly educated Jews will oppose anything public related to God or religion.

Anything that is associated with the Right, flag-waving, or nationalism evokes primal fears in most Jews.

Most Jews Believe in Liberalism

A third reason for the aggressive secularism of many Jews is that they are already committed to a substitute religion — liberalism. Broadly speaking, it is wrong to say that most Jews are not religious. If religion is defined as a system of beliefs that one adheres to with all of one's heart and soul, Jews are quite religious. The problem is that this religion is a secular one — liberalism, which appeals to Jews for a number of reasons:

1. Association of the Right with antisemitism and other forms of bigotry

All minority groups that have suffered have long memories. The Jews, though, have suffered longer than any other group, and their worst suffering occurred fewer than 50 years ago. Jews understandably associate this particular horror, the Holocaust, with the Right. Therefore, anything that is associated with the Right, flag-waving, or nationalism evokes primal fears in most Jews.

Of course, associating today's American conservatives with Nazism is as perverse as identifying American liberals with Josef Stalin. Yet, the power of fear and hurt is, unfortunately, greater than the power of rational thought. The Nazis were on the Right; therefore, the Right is to be feared. And if the Right is fearsome, its opponents — liberals and the Left — must be the Jews' allies.

2. Association of Christianity with antisemitism.

There are few Jews who have not heard of the Crusades and the Spanish Inquisition, and about Jews being called "Christ-killers" by Christian antisemites.

Why Do Jews Oppose School Prayer?



By Dennis Prager

At the most recent convention of the General Assembly of the Council of Jewish Federations — the most important annual gathering in organized American Jewish life — the subject that dominated the agenda wasn't the alienation of the majority of American Jews from Judaism. Nor was it the enormous needs of Jewish education, or the fact that American Jews are the only group in America to actually decline in numbers. Not even the extraordinary Israeli-Arab peace talks dominated the agenda of America's Jewish leaders.

No, it was how to mount a fight against the possibility that American public school children may be exposed to about 30 seconds a day of voluntary prayer. Not even Christian prayer, mind you, just prayer.

The organized Jewish community's preoccupation with opposing voluntary prayer in American public schools is not surprising. But in light of Judaism's preoccupation with God, and considering the far more significant issues that should concern Jews, this opposition is very sad.

It is very sad precisely because it is not surprising. It is the logical consequence of a number of factors that need to be understood if American Jews are ever to survive as anything but an ethnic relic of a once great religious civilization.

Most Jews Are Secular Jews

The first reason for the American Jewish opposition to school prayer is that most Jews — even if they identify in some way as Jews, and even if they feel "spiritual" — are not religious, if by religious we mean believing and active in a religion. Many non-Jews find this fact perplexing: there aren't secular Christians, how can there be secular Jews?

Jews can be secular and still be Jewish because Jews are a people and a religion. "Christian," on the other hand, signifies a religious identity. One can be born a Jew; one is not born a Christian.

That Jews can maintain a Jewish identity without any commitment to Judaism, the religion, is one of the reasons that Jews do not feel a need to affirm religious beliefs or observe any Jewish practices. If "Jewish" were defined as "that which is related to Judaism," any Jew who wished to affirm a Jewish identity would be forced to take the religion somewhat seriously. But because one can be Jewish solely by birth, a Jew can *feel* Jewish without *doing or believing in* anything related to Judaism.

Of course, this secular Jewish identity is dying. Few young Jews are interested in secular Jewish culture, which, in any event, hardly exists. And the ethnic pulls of the last generation — an embattled Israel, the plight of Soviet Jewry, and antisemitism — are, at least for the moment, ceasing to be prominent issues. Israel is making peace with its neighbors, the Soviet Union has collapsed, and with the exception of militant Islam, Jew-hatred is not a major force.

Jews who choose to identify as Jews increasingly doing so through Judaism — whether through Reform, Conservative or Orthodox institutions — rather than through Jewish ethnicity. And over time, these Jews may be less antagonistic to public affirmations of God.

In the meantime, however, most Jews remain not only secular in the negative sense that they are not religious, but in the positive sense of being committed to secularism as a personal and social good.

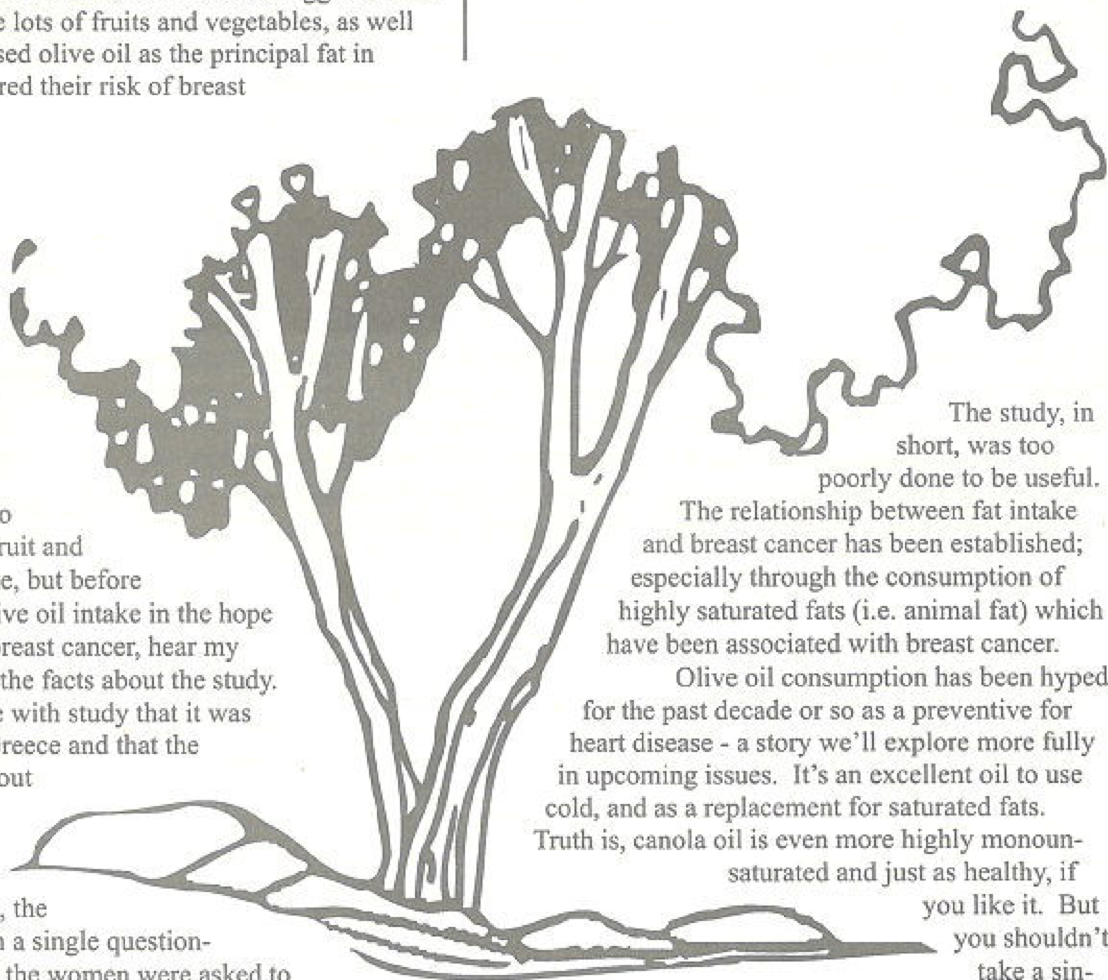
The purpose of school prayer is not to make students religious, or even to have them engage in heartfelt prayer. It is to affirm the importance of God to our civilization.

Olive Oil and Breast Cancer: How strong a connection is there?

BY SABRINA SHOKRY

Nutritionist & Fitness Trainer

As was widely reported, a new study in the Journal of the National Cancer Institute suggested that women who ate lots of fruits and vegetables, as well as those who used olive oil as the principal fat in their diet, lowered their risk of breast cancer. "The breast Cancer weapons are; Fruits, Vegetables and Maybe, Olive Oil" was the headline in the New York Times.



There are many reasons to increase your fruit and vegetable intake, but before you up your olive oil intake in the hope of preventing breast cancer, hear my comments and the facts about the study.

The trouble with study that it was conducted in Greece and that the information about the women's food intake covered only one year. Also, the data came from a single questionnaire, in which the women were asked to estimate what they had eaten during the previous year. People are notoriously inaccurate when estimating their dietary intake. We forget what we actually ate, and make errors about quantities. The study did not even assess the quantities of olive oil consumed by either the heavy or light users. Furthermore, the group that claimed to consume olive oil "more than once daily" numbered only 99. This quantity makes it difficult to generalize about the risk reduction they seemed to experience.

The study, in short, was too poorly done to be useful.

The relationship between fat intake and breast cancer has been established; especially through the consumption of highly saturated fats (i.e. animal fat) which have been associated with breast cancer.

Olive oil consumption has been hyped for the past decade or so as a preventive for heart disease - a story we'll explore more fully in upcoming issues. It's an excellent oil to use cold, and as a replacement for saturated fats. Truth is, canola oil is even more highly monounsaturated and just as healthy, if you like it. But you shouldn't take a single study to mean that women should be swallowing olive oil by the tablespoon. As an anti-cancer "weapon," it's a long shot.

However, keep eating those vegetables, fruits and keep a low fat diet and don't forget to exercise: numerous studies besides this one have shown that they may indeed protect against cancer.

The Last Hanging at Auschwitz-Birkenau

BY ZEV GARBER

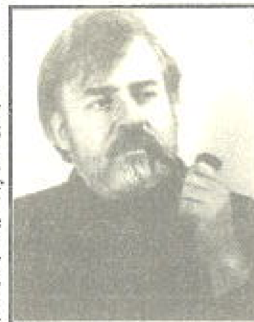
October 7 , 1994 marks the 50th Anniversary of the only successful prisoner uprising at Auschwitz-Birkenau. A group of Sonderkommandos, special squads of Jewish inmates who fueled the crematoria with human corpses, rose up against the enslaver-murderer: Crematorium IV was put out of commission; Crematoria II and III were set on fire; the Head Capo, a Reich German, and member of an SS guard unit attached to Crematorium IV were killed; and hundreds of prisoners escaped. Unfortunately, many escapees were shot by heavy machine gun and artillery fire and the barn in Rajsko, where 250 fleeing prisoners of Sonderkommando Squad 57B were sequestered, was set on fire by pursuing SS men.

The Sonderkommando revolt was made possible by a small group of women slave laborers who were employed in the Krupp ammunition subsidiary ("Weichsel-Union-Metallwerke") at Auschwitz. Here artillery pieces were assembled. For a period of eight months they stole minute quantities of black powder, hidden in the seams of their dresses or in specially sewn pockets (biut'l), which were passed to the camp's underground and made into primitive grenades.

The pivotal heroine in this drama was Ciechanow (Poland)-born Roza Rabota, whose entire family perished in the gas chambers. Rabota worked in the Effektenlager (the stock rooms where personal effects of the prisoners were sorted) at Birkenau. From this strategically situated depot, adjacent to the area of Crematorium IV, she transferred black powder from the Resistance arm of the Sonderkommando.

Two days after the revolt, Roza Rabota was arrested, beaten, released, rearrested and tortured. Throughout her hideous ordeal, she revealed nothing. "Through her heroism, Roza saved the lives of about 30 of us in the Jewish underground, and most of us survived" (Israel Gutman, then 21 and now renowned professor of Shoah history at Hebrew University in Jerusalem). On 6 January 1945 (21 Tevet 5705), Roza and three of her suspected collaborators (Regina Saperstein, Esther Weissblum and Alla Gertner) were hanged in pairs in the women's camp, the last public hanging at Auschwitz-Birkenau.

The saga of the four Jewish heroines is a resounding "No!" to the two-fold Big Lie: Nazi Germany did not plan - the murder of millions and Jews went "like lambs to the slaughter." It is a story little known, whose bravery and heroism; deserve a hearing, that is, the crucial role played by heroic Jewish women in the anti-Nazi resistance. To this end, the Roza Robota Foundation was established by, members of the Mallenbaum family (the family matriarch was Yetta Mallenbaum, nee Robota), spearheaded by Eliyahu Mallenbaum of Plainview, New York.



Members of the Honorary Board are Governor Pete Wilson, Hon. Tom Hayden, Hon. Cathie Wright, and internationally renowned Shoah scholars Michael Berenbaum, Harry James Cargas, Zev Garber, Israel Gutman, Franklin Littell, Hubert Locke, and John Roth.

Among the planned activities of the Foundation are:

- Create a library of documents pertaining to the achievements of the four women who were murdered by the Germans in the last public hanging at Auschwitz, just prior to liberation. Some Auschwitz survivors are first-hand witnesses, or were told of the events by first-hand witnesses. They will be interviewed specifically for this project.
- Establish memorial plaques and/or monuments at the heroines' hometowns, at Auschwitz-Birkenau, and at other appropriate Holocaust Memorial sites.

(For the record, a plaque in of the four women was unveiled in 1985 in the Ruhr district town of Froedeberg, where the headquarters of the "Weichsel-Union-Metallwerke" is located. Also, a sculpture by Josef Salamon of the four heroic women of Auschwitz stands at Yad Vashem in Jerusalem.)

- Publish magazine and newspaper articles; commission cultural, artistic, and dramatic presentations; and create educational material suitable for a wide array of people and interest groups.

For additional information on the Foundation's objectives and activities, contact:

California Chapter:
Sharon Baharouzi, Exec. Dir.
6458 Densmore Ave.
Van Nuys, CA 91406.

May the memory of Roza, Regina, Esther and Alla be etched in *Hazak ve-'emetz* ("Be strong and Bold"), the Zionist ideology by which Roza lived, and *Nekamah* ("Revenge"), the reported last word which she did.

Disclosure or Concealment?

BY ROBERT SALEHRABI

I think we all agree that relationships require a great deal of effort to build and maintain. It also takes a lot of understanding on both sides to help a relationship flourish.

The issue of disclosing versus concealing some or part of one's past is one of the things that could jeopardize or enhance one's relationship, and in my opinion, worthy of spending some time thinking about.

Here are some examples of questions to consider:

- Would it make any difference to you if the person with whom you are involve in a relationship concealed/revealed they have had a nose job, breast implant or other cosmetic surgeries?
- Does it make any difference if they conceal/disclose that they have a non life-threatening illness (e.g. ulcer, diabetes, ...)
- How about their former relationships? Should you be informed? How far back should they go?
- What about their virginity (or lack thereof !!!?) Do you have the right to know? Must a womam tell?
- Should you have information, detailed or otherwise about their financial situation (how much they have versus how much they want you to think they have!)
- Should you be privy to any previous legal problems and/or any encounters with the judicial system?

I have talked to some of my friends about these issues and they have had different opinions. Some believed in total disclosure, while others believed in total concealment. Still others opted for "don't ask - don't tell" (which reminded me of Clinton's policy on Gays in the military!). This entire issue reveals the fact that we would like to get to know our partners as much as we can before making any commitments. We feel the more we know, the better a decision we can make.

My personal position is for total disclosure, because there will be no surprises on either side. Nothing is worse than concealing something important that may introduce a problem into the relationship further down the road.

It is very important that we do not judge our partner solely on the basis of their past. Among other things, we should judge them by finding out what they have learned from past experiences. We should ascertain whether or not their past has enriched and enhanced their present lives and made them a more mature, responsible and complete person.

This reminds me of a quote that I read a long time ago:

"Experience is not what happened to a man,
it is what a man does with what happens to him."

For Love or Money

BY KATHERINE ESHAGHIAN

Family Environmental Science/
Child Development, B.S.

Are we getting married for the right reasons these days? Are all the marriages lasting? I don't think so and neither do 78% of the people whom I surveyed for Man on the Street this month.

While there are exceptions, money has become the most important aspect in marriages today. Marriage has become a partnership in business, rather than love. Have you ever told your friend(s) that you have a date? What was his/her response? Was it something like this: "What does he/she drive? " "Where does he/she live?" "Is he/she rich?" "Does he/she own a home?" I'm sure it was something like or close to this.

Our society has become very materialistic. Everyone is trying to have a better car, house, a richer husband or wife than the next person. But who is really happier? The person who marries for love or money? Would you rather live in a million dollar house with a mate you hardly have feelings or attraction for, with whom you argue everyday? Or, would you rather live in the average house with a mate who loves and and whom you cherish; someone who lookes into your eyes and shares his heart and soul? These are not very hard questions. They are just questions that should go through our minds before we decide to marry our Basheret or "destined mate." Our divorce rates have soared. We should learn to live in reality and not fantasy. Let's stop looking around, trying to have what others have. Instead, let's try to improve ourselves internally. I'm sure it sounds odd to some, but I get disappointed when my friends and acquaintences ask me about my date's car, house or finances rather than his heart or personality. Think about it.

Talk To Me...

BY SOHEIL NAVIDBAKSH, MFCC

If you lived with your parents while growing up, you probably saw them face conflict and make many decisions. Perhaps you observed them deciding about how much money to spend on a certain item, what to do on a particular evening, or simply who should put the dog out. The odds are high, however, that you never watched your parents work through a serious difference of opinion skillfully and respectfully, let alone constructively discuss their own patterns of decision-making or conflict resolution.

In the past, gender and position usually prescribed decision-making and conflict resolution at home and at work. Seldom did partners openly talk about their communication process; how they listened, talked and related. However, in today fast paced, complex and uncertain world of opportunities, most of us realize that another way is possible.

Talking and listening together represents communication concepts and skills to increase your interpersonal competence and to help you and your partner live a more satisfactory and meaningful life together.

In any communicating you do, every message you send contains two component parts: attitude and behavior. Attitude derives from the combined beliefs, feelings and intentions you hold. Behavior is the verbal and non-verbal actions you take _ which reflect and stem from you underlying attitudes. So, each exchange you make with your partner reflects your underlying attitude about yourself and your partner.

"The Art of Listening" is a piece that is frequently used to expose and resolve communication issues and to create more open exchanges. Don't let it go to waste.

Remember: Listen has the same letter in it that Silent has!

THE ART OF LISTENING

When I ask you to listen to me
and you start giving me advice,
you have not done what I've asked of you.

When I ask you to listen to me
and you begin to tell me why I shouldn't feel that
way, you are discounting my feelings.

When I ask you to listen to me
and you feel you have to do something to resolve
my problem, you have failed me, as strange as
that may seem to you.

Listen! All I asked was that you listen, not talk or
do– just hear me!

Advice is cheap; a quarter will get you both
Dear Abbey and Billy Graham in the same newspaper.

And I can do for myself. I am not helpless.
Maybe discouraged and faltering, but
not helpless!

When you do something for me that I can and
need to do for myself,
you contribute to and reinforce my fear
and inadequacy.

But when you accept as a simple fact that I do feel
what I feel,
no matter how irrational, then I can quit trying
to convince you and get about this business of
understanding
what's behind these irrational feelings.

And when that's clear, the answers are obvious and I
don't need advice.
Irrational feelings makes sense when we under
stand what behind them.

Perhaps that's why prayer works. Sometimes, for some
people–
because God is mute, and He doesn't give advice
or try to fix things
He just listens and lets you work it our for
yourself.

So please listen and just hear me. And if you want
to talk,
just wait a minute for your turn
and I'll listen to you.

Hebrew Made Easy

کلاس مقدماتی عبری

Amit Schitai, University of Michigan; Teaching Certificate, Hebrew University, Jerusalem

Rabbi Akiba didn't begin his studies until he was forty years old. But you don't have to wait that long. Now is your chance to learn Hebrew, to read and understand the Sabbath prayer book, the High Holy Day *mahzor*, and the Passover *haggadah*. Whether you are a beginner or have a limited knowledge of Hebrew, this course will help you read, write, and speak the Holy tongue. A skilled and experienced language instructor will guide you through the basics of both classical Hebrew for the prayer book and the Torah and Modern Hebrew for a long awaited trip to Israel. • **#55N2104**

Are You at Your Best?: A Jewish Guide to Self Improvement

راهنمای رشد شخصیتی از دیدگاه یهودیت

Rabbi Mel Gottlieb, MA, Yeshiva University

Many young Jewish people go to other groups to learn techniques of spiritual and personal growth. They don't realize that Judaism has a great deal of wisdom is this area. Learn how to use traditional Jewish psychological insights and ethical values to help you replace destructive thinking habits with constructive approaches to achieve your goals in life. Find out how Judaism can really help you to overcome arrogance, depression and fear in order to be your real and authentic self. • **#55N2105**

Judaism: Enhancing the Role of Women

نقش زنان و اهمیت آن در یهودیت

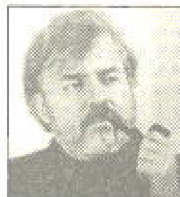
Dr Shoshanna Gershenzon, Professor, CSUN; DHL, Jewish Theological Seminary

Many women feel left out of Jewish life, but in reality Judaism has a long history of strong, independent, and yet spiritual women. Don't sit around passively complaining about Jewish women's roles; learn about important women in Jewish history – matriarchs, merchants, and martyrs – true heroines who changed their lives and redeemed their people, and discover avenues for active religious life for observant women today. • **#55N2106**

The Department of Continuing Education and the International Judea Foundation are pleased to present

Pondering the Imponderable: Thoughts on the Holocaust

نگاهی به هالاکاست



With

Professor Zev Garber

Author of Shoah, The Paradigmatic Genocide: Essays in Exegesis and Eisegesis

Sunday, April 30, 1995 • 1-4pm

یکشنبه ۳۰ آوریل

The experience of the *Shoah* is unique. Some say that the absolute evil which attacked the Jewish people and other minorities defies description, that all speech about the event is inadequate and sacrilegious. Others say that silence would be Hitler's ultimate victory. Education must be the key to understanding this great catastrophe. But how to ponder the imponderable? Also featured is an unusual and thought provoking collection of artwork on the Holocaust by world renown Persian artist Ardeshir Mohases. Mr Mohases, a Moslem, illuminates the multicultural lessons of this terrible event. He is the recipient of many international awards.

Tuition: $10 per person • #55D7V30



An opportunity for Jewish study, cultural enrichment, warm camaraderie and personal growth



The International Judea Foundation, a Persian Jewish organization, and the Department of Continuing Education of the University of Judaism are pleased to present a set of classes and programs addressing the major concerns of our community. The courses are taught by a group of carefully selected experts in the field who will help you expand your horizons, deepen your understanding, and enrich your personal, spiritual, and social life.

Classes are offered on Tuesday evening at the beautiful facilities of the University of Judaism. All classes are offered from 8pm to 9:30pm, and are followed by special social mingling, music and refreshments for students of all the courses. There will be a graduation ceremony and celebration at the conclusion of the eight week session.

Everyone is invited to this bicultural program. Come meet and exchange ideas with the Persian Jewish Community.

You may choose from the following course offerings:

The Fundamentals of Jewish Living

آشنایی با فلسفه و مبانی یهودیت

***Zev Garber**, Professor of Jewish Studies, Los Angeles Valley College*

Do you want to enrich your Jewish education? Learn about the kosher regulations, and why Jews separate meat and milk. About the Sabbath laws, why some Jews can't drive on the Sabbath, and most importantly, the reasons behind the rituals? This is a safe environment to ask all the questions you've been keeping to yourself. Find out how Judaism is not only a culture and a religion, but also a system of profound spiritual discipline designed to help you lead a life with meaning, purpose, and awareness of God. • **#5SN2101**

Kabbalah: The Jewish Mystical Tradition

شناخت کبالا: عرفان یهود

***Rabbi Claudio Kaiser-Blueth**, Temple Beth Zion-Sinai, Lakewood; Ordination, Seminario Rabinico Latino-Americano, Argentina*

Jewish mysticism has always been a great mystery. It's secret teachings have traditionally been reserved for just a few people. Custom teaches that you must be over forty and have a family before you can explore the hidden meanings of Jewish mysticism. But, this class is willing to begin the Journey today, even if you're not yet forty. Learn about *Kabbalah*, and why it is so secret. Unlock the mystery of Jewish mysticism through the *Zohar*, its most important and cryptic text. • **#5SN2102**

Relationships: Jewish Wisdom and the Ethics of Romance

چگونگی برقراری رابطه از دیدگاه یهودیت

***Dr Clara Zilberstein**, Psychologist; PhD in Psychology, California School for Professional Psychology and **Dr Steve Bailey**, Educational Director, Shalhevet High School; PhD in Psychology, Rutgers*

Do you imagine meeting your *basheret/basherta*? In order to meet the right person, you must also become the right person. Discover how you can grow and change in order to make it easier for you to connect with that special someone. Learn how Jewish tradition and modern psychology can help you to create a meaningful Jewish life which will help you find the right person for you. • **#5SN2103**

Iranian parents and the community: "what they expect is that we should wait for Iranian men to play around and have their fun. And, when they get tired and want to settle down, they come after us." Meanwhile, she felt that parents expect their daughters not to become involved with men except those who are ready for marriage. "I am sorry, but I don't think this logic works for me," she said. It seems that many young women do not feel pleased with these expectations.

At a friend's engagement party, where it was crowded and people were chatting in groups, the loud voices of men standing nearby attracted my attention. "The good thing is that when our sons just want relationships, they don't go out with Iranian women," said one man. "They are too conscientious to do that. For example, Sohrab, my son, doesn't go out with Iranian women. But he knows that he will marry an Iranian..." A month ago, I heard that Sohrab had become engaged to a woman from Peru!

It seems that many Iranian parents do not expect marriage to result from dating experiences. Therefore, many young men feel lost and confused. My research reveals that most Iranian men prefer to marry Iranian women, but at the same time, some cannot imagine marrying someone whom they have known for only a short period of time. Due to pressures within the Iranian community, some men feel they cannot develop the same type of relationships with Iranian women as they can with non-Iranian women. Many find it easier to develop an intimate relationship with women of other nationalities. Quite often, of course, these relationships lead to inter-cultural marriage.

The reputation of young Iranian women and "virtuous" is a very sensitive one in the Iranian community. Many parents are not willing to grant a similar degree of freedom to their daughters as they do to their sons, fearing their daughters' reputation being ruined in the community. Some Iranian women, therefore, date secretly or decide to date men from other nationalities or religions to save their reputations within the community. Contrary to popular belief that Iranian women do not date out of their own nationality or religious group, the results of my research also reveal that there are many Iranian females who, regardless of their religion, have dated men from other religions and nationalities.

It is not only the older generation that promotes double standards, but also some Iranian men. While some feel that it is their right to take advantage of the freedom provided here, they criticize Iranian women for taking or even wanting the same. Such women are deemed "easy" or "loose." A male interviewee described this attitude by stating, "My friend got involved with this Iranian girl and after a long time of dating, he told me he didn't want to be involved with her anymore. She is too easy. Otherwise she wouldn't have been open to the idea of being involved and close to me before marriage..." This pattern of thinking, of course, does not apply to all Iranian men. Some young Iranian men disagree with this idea, and many who do follow it do not openly express their belief.

Since their immigration to the United States, Iranian parents have struggled to retain traditional culture. Iranian youth, however, have acquired a new set of values. As a result, tension has arisen between the two generations. Of course, there is no clear-cut solution that suits the entire Iranian immigrant population. But Iranians must inevitably develop their own distinctive life-style, which may be different from both the host and original cultures.

Based on the information I have gathered, it seems that most Iranian parents do not grant the same freedom to their daughters as they have to their sons. Many do not openly allow their daughters to date, but they still expect them to marry Iranian men. These parents should either grant their daughters equal freedom so it would be possible for them to develop a relationship within the same group, or else accept the occurrence of intermarriage for both their sons and daughters.

I further suggest that many of the existing conflicts in the Iranian community can be resolved if we are all more willing to reveal and discuss certain issues. Most importantly, we must be aware of our own biases and assumptions.

Retaining Virtue, Surviving Double Standards

BY SHIDEH HANASSAB, Ph.D.
University of California, Los Angeles

I am walking through campus, thinking of what to write for this article... A young couple, oblivious to the surroundings, is kissing in the middle of the walkway. I walk into the Coffee House for my morning coffee, hoping for inspiration. Two students are standing ahead of me in line, looking deeply into each other's eyes as they exchange romances. While I enjoy my coffee and try to read the newspaper, I overhear the voices of girls behind me. They are gossiping about their friends' relationships. "Can you believe it, she found another boyfriend! She works fast, she hasn't finished with one yet!" ... I am in my office. An intern and I are having a discussion which eventually leads to complaints about her relationship. She has been physically intimate with a man she knew only briefly. She is worried... I come home, turn on the TV and two people passionately embrace. I change the channel. Even cartoon characters are falling in and out of love. I change the channel again. On MTV, half-naked men and women either dance provocatively, or are involved in an implicit, although sometimes explicit, act or love-making. As I once again change the channel, an Iranian program appears on the screen. An Iranian singer and a group of half-naked women jump up and down without any apparent connection to the song. And it goes on and on...

As in many other countries around the world, a gender-based double standard has always existed in Iran. In modern Iran, prior to Revolution, the traditional Iranian family was still patrilineal and patriarchal. From early childhood, those of each gender were initiated into their respective roles and were socialized to a double standard of sexual morality. A woman still suffered from many social disadvantages, and her position, in most cases, was still far from equal to a man's. A woman who experienced equal rights and privileges of sexual freedom was not respected, but rather still a victim of social ostracism. In the United States, many Iranians believe double standards have decreased since their immigration to this heterogeneous Westernized society. However, in reality, the gender-based double standards have become more prevalent.

Many young Iranian women benefit from increased educational opportunities in the United States, but this does not grant them independence or equal treatment. In terms of sexual morality, the gap between sexual freedom granted to Iranian males and females has widened, especially since many families still reinforce the notion that men have uncontrollable sexual needs which must be satisfied. It is expected, and in some cases encouraged, for Iranian men to have sexual experiences before marriage. However, Iranian women's virginity, traditionally highly valued, is still expected by many men and their families.

Sexuality is a very powerful and pervasive force in American society. Young people are bombarded with examples of male/female attraction through various media, as well as in real life situations. Young males and females start noticing each other in junior high school, and by high school, sexual awareness is pronounced. In fact, the educational environment in American society is as much a place for male/female interaction as it is an institution for learning. In Western culture, sex and romance are everywhere. In Iranian culture, however, sexual attraction is not a matter for public display.

The double standards of sexual morality may have worked well in traditional Iranian culture. The expected age for marriage was much younger for both genders. Many women married upon high school graduation. Men had less sexual freedom, and were more willing to marry at a younger age. Therefore, even though double standards existed, the difference between males and females was not as pronounced as in the United States.

My research indicates that it is not as easy for many young Iranians residing in Los Angeles to follow the same types of standards and values as their parents, especially since this younger generation has been introduced to modern ideologies of freedom and independence. During one of my interviews, a young Iranian woman expressed the following opinion about

MAN ON THE STREET

Q: HOW DOES WEALTH INFLUENCE A RELATIONSHIP?

A: "In my opinion, wealth has become the number one factor in many relationships these days. When money is present so is love and when money is absent so is love. People don't really look inside a person anymore. I wish people could understand that money is not everything. Money does not bring happiness. Love does."

Katherine Eshaghian

A: "Money takes care of the financial aspect in a relationship, example: housing, clothing, food, medical, but the livelihood of the relationship has to be taken care of by both partners"

Jennifer Okanina

A: "I think money is very very important in a relationship, because if there is not enough money, the relationship could be distroyed. The man/husband should be the one who brings in the money and takes care of the family, and the woman/wife should stay home and take care of the children. Otherwise, if there are kids involved and both mates work, it's very difficult for the Persian lady to handle housework, kids, husband, and work. It is almost impossible so therefore money is a very important issue in a relationship."

Mrs. Kohanim

A: "If my husband did not have any money, I would never marry him."

F. Tehrani

A: "The importance of money depends entirely on the two people in the relationship. If one or both make it an issue, like if it's very important that the guy or girl be rich, then wealth has a lot of influence on the relationship. It would never exist without the money. But if the two people couldn't care less who has what, then wealth only becomes an issue if they are really struggling to make ends meet and they are under pressure. That can hurt a relationship, but if they're strong, they can overcome it."

Sharon Cohan

A: "There's a ton of pressure on kids today to marry into money. It used to be just the girls, but now some guys want to marry into money too. I guess they figure it's easier than earning it by working. It's pretty sad that anyone would marry just for money. How much stuff can you buy?"

Kevin Noorian

SOUND OFF . . .

After giving it considerable thought (accompanied by a mass of pressure, begging, pleading and coercion from friends and readers), we have decided to allow people who contribute to Sound Off to do so anonymously. While we understand society's pressures and tendencies, we still believe in that one should have the courage of one's convictions. However, if you feel that your initials in print will reak havoc with your lives, then omit them! You can still write to us at P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212; OR CALL VOICE MAIL at (310) 535-3209! Remember to keep it short!

- It makes me really sad to see that certain guys still make these huge, sweeping generalizations about girls - bad girls or good girls. While not all guys do it, they make it really tough on everyone, because everyone starts to mistrust and play games so they won't be judged as a "bad girl."

- Girls often look at their friends' husbands or fiancees as a measure of what they are looking for in a mate. I think that's crazy. You aren't your friends and you don't know what happens between husband and wife, so you should not compare other guys to them.

- I couldn't believe my family when I overheard them discussing my brother and I. Since he is a guy and relatively successfull, they don't worry about him anymore. They know that after he has his fun, he'll settle down with a nice girl. Now they worry about me. Although I have a terrific career, I am still a worry to them because I am too much competition for the average guy! Who asked for an average guy!?

PLEASE JOIN US

TUESDAY NIGHTS AT

UNIVERSITY OF JUDAISM

FOR A NEW EXPERIENCE

SEE PAGE 87 FOR DETAILS

Where Is Moses, Where Is Joshua?

BY MAJID ABAI

In the last section, my friend Mansour made fun of a great problem that our community will be facing within the next two generations. I personally think this is really not a laughing matter. The problem discussed in the last article does not only affect our younger generation. It is a problem for all of us, from the oldest to the youngest, and even for our unborn children.

We are in danger of losing our identity, our culture, our heritage, and above all, our religion. We are Iranian Jews. As much as some of us want to forget the Iranian part, we are still Iranian Jews. We have over 5,700 years of Judaic history and over 2,500 years of Iranian culture in our blood. This is a unique combination not many cultures can proudly claim. We held on to our Judaism in Babylon, as slaves, and in Iran through years of Zoroastrian, Maniism, and Islam religions. We held on to our Iranian culture and heritage even when we were ruled by Macedonians, Arabs and Mongolians. We were attacked by dozens of countries and were ruled by over fifty different dynasties and groups. But we NEVER lost our identity.

And all of a sudden, within almost 20 years, I see our identity and all of our culture vanishing. I see our new generation not knowing where they came from, not knowing their language, their culture and above all, their religion. I see us assimilating into this society faster than sugar in hot water. I see our next generation forgetting our heritage, both the Jewish and the Iranian parts. I see our children just remembering that their grandparents came from somewhere in the middle-east.

At the same time, and I can say so proudly, I have met a number of adults and youngsters alike, who were born or raised in this country and not exposed to our culture and heritage, trying hard to learn more and more about their backgrounds. I admire them. They have realized that this unique cultural combination is a lifeboat through the wild moral waters of this American society.

What can we do about the mentioned problem, and how can we help these interested individuals? In my opinion, there are three steps we need to take in order to attempt to stop this tragedy: 1) we need leadership, 2) we need unified organization, and 3) we need to educate our children.

We need a leader, a leader whom we all believe in and we all follow. A leader with a vision for the future. A captain to lead us through these stormy weathers. We have to forget about power wars and remember the larger picture. A double negative for being both Jewish and Iranian is that we all like to be "The Boss." We are all chiefs, but there are no Indians. For once in our lives, we have to be "the Indian." For the sake of our children, we have to follow. We have to let our leaders make mistakes, and we have to be there to point out the mistakes rather than pointing fingers.

We need to organize. During our history in Iran, even the smallest of Jewish communities had a council to protect and take care of them. We need a leading council comprised of our religious leaders, educators, leaders of Jewish organizations, community workers and the elders. Create a set of goals for today's community and the community of the future. Coordinate all of our different organizations to execute these goals as best as possible under the umbrella of this leading council.

We need to educate our children, perhaps by educating ourselves first. I am not just talking about teaching them about Kesherot and Passover. I am talking about our history, background, languages, philosophy and customs. Neither am I solely talking about Judaism. I am also discussing our Iranian culture. We need classes. We need teachers. But above all, we need an organization to administer to all of it, and a leader to manage the organization.

I know it sounds easy on paper, and I know it will be much tougher in reality. But do not think for one minute that this is something new for us as Jews. We did not forget about our heritage when we moved from Canaan to Egypt. We held on to our beliefs, our heritage and our culture throughout our "stay" in Egypt. A bigger and greater example came two hundred and ten years later: Moses organized us and lead us out of Egypt. Moses educated us, gave us a goal and a philosophy for life. He lead us through the desert, and Joshua lead us into Israel. They did not let us forget Egypt. Religious leaders throughout the centuries have made sure that we continue to remember those times and to remember that no matter where we are, we should teach our children the rich heritage they have inherited. We should always remember our history.

Unfortunately for our children, we left Iran without a Moses, and we arrived in the United States without a Joshua.

assignment. Write to me to the address of the magazine and tell me who is your role model and why. I am not joking. I really would like to know. Tell me the person who is your role model, who could also be a role model to us and to our next generation. Please do not send me someone's name just because he is a good businessman. We are trying to find a true role model for our children. We are not trying to create future John Paul Gettys.

And, in the meantime, I will remain my sister's role model by default.

1. This is an important occasion in my life since she has always considered me the human equivalent of sewage scum.

2. For all of you who think I will buy a Cartier watch for my fiancee, you are sadly mistaken. I only believe that my sister's fiancee should buy it for her. I have not worn a watch since 1976, since I am too cheap to even pay $5 for a digital Casio watch – you know, the type you buy at the checkout counter in K-Mart.

3. You might not believe this, but this is much nicer than what I hear from my dates. So I took it as a compliment.

4. This one was accomplished by attending 10 sessions of Nose Pickers Publicly. They could not have made it anonymous since we picked our noses in public so everyone already knew us!

5. I am not even going to argue whether Iranian Jew is correct or Jewish Iranian. I use Iranian Jew.

6. I admit that the molding is not so good. But I disagree with a lot of people who think I have no personality.

7. This is different from American Indians. The first one is from Asia and the last one are the ones cowboys killed in all those movies.

The Israel Aliyah Center, The Consulate of Israel, The Ministry of Absorption, Aliyah Development Project & The California Israel Chamber of Commerce

are proud to sponsor a unique project:

HIGH-TECH OPPORTUNITIES IN ISRAEL TODAY

six Israeli companies specializing in

HIGH-TECH

will be in Los Angeles between May 21 -23, 1995

The companies will hold seminars and interview suitable candidates in North America for the following positions

COMPANIES:

TADIRAN INFORMATION SYSTEMS: System developers in Visual Basic, Access and Power Builder, PC Technical support experience in Novell, DBA for Oracle, and Communications Expert experienced in TCP/IP.

PELE-PHONE COMMUNICATIONS LTD.: Electronic engineers, Systems Analyst, Software Engineers, and Electronic Engineers for Communications Equipment.

AZIMUTH SOFTWARE INDUSTRIES: System developers for IBM AS/400 experience in LANSA/RPGHI/RPG400 and for PC knowledge in Windows, Visual Basic and Access and Power Builder.

GILAT SATELLITE NETWORK: Electronic, Practical and Software Engineers.

RAD DATA COMMUNICATIONS: Hardware and Software Engineers, Regional Marketing Managers and Development Managers.

SIVAN PROGRAMMING SCHOOL: for potential immigrants interested in retraining in the computer programming field in Israel

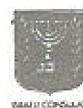
Please fax resume to

HIGH-TECH Project (213) 655-1827

Please specify in the cover letter the name of the company that you are interested in

IF YOU WOULD LIKE TO FIND OUT MORE ABOUT EMPLOYMENT OPPORTUNITIES IN HIGH-TECH IN ISRAEL, PLEASE CALL (213) 655-7881.








Desperately Seeking A Role Model

BY MANSOUR BEHNAMI

The other night, my little sister (Nazaneen, age 14) saw me eating dinner and sat down next to me.[1] Surprisingly, she was nice and was looking at me in an admiring manner. The last time she had that look on her face was the week before her Bat Mitzvah, when she thought I was going to give her a Cartier watch for the occasion. Naturally, she was very disappointed when she found out that I had actually bought her a poster of a Cartier watch to keep reminding her that someday, her financee should buy her that watch on one of their jewelry shopping excursions to downtown Los Angeles.[2]

Any way, being the curious man that I am, I asked her what was the matter. She said that she had written a school paper on the subject of "Who is your Role Model and Why?" and she had picked me as her role model. I was flattered. For the life of me, I could not believe that she would chose me as her role model. So I asked: "Why me?"

Her reply was honest. She said, "You know, I thought about this a great deal. Madonna & Queen Latifa came to mind, and for a few minutes Tom Cruise & Brad Pitt. Then I changed my focus to athletes. Andre Agassi is cute but I was looking for a woman athlete and Martina Navratilova just wasn't it . . . and then there was Dad, but he is too old and too "businessy," and then there's Mom, but she is too old fashioned . . . and then there was cousin Youseff, but he is too religious . . . and then there was . . . . So by process of elimination, it had to be you. That's when I realized that I really want to grow up like you Mansour: a useless, jobless, free loading person . . . "[3]

As I said before, I was flattered. But I can never imagine being anyone's role model. My two biggest accomplishments in life so far have been (a) stopping to pick my nose in public[4], and (b) learning to ride a bicycle at the tender age of 23. So, it made me think. Why should she choose me? Isn't there anyone else who can be her role model? Then I asked myself the same question: "Who is my role model?"

At first, I went down similar paths my sister considered for a role model. I considered some famous celebrities who had accomplished really nothing more than doing their jobs well. So I started to write down the characteristics of a role model. To me, a role model should be a person who has had accomplishments beyond their primary business [this by itself eliminates 90 percent of the people in this town]; has gone against the odds and won; has kept a cool and polite manner about it all; and above all, is IRANIAN and JEWISH. The last part is really important to me. If my role model is not an Iranian Jew, he/she can not be a role model for my life. He/she can learn my culture, my tradition and my view on life, but can never feel like an Iranian Jew.[5]

So having had the list in hand, I started to think. And you know what? I could not find a single role model. Not even one. Not even a candidate. Of course, I do not know everybody in the community to say there is none. I am just saying I could not find one for myself.

Then I thought that my personality is kind of molded already[6], but what about our next generation? What about my sister, my cousins and all other little Iranian Jews who were either born here or moved here at a very young age? How about their personalities? Who is going to be their role model? Who is the one they can look up to when they have a dilemma in their lives? Could it be their parents? They do not necessarily believe in their parents as a role model, since their parents are not only from a different generation, but also from a different culture. Could it be their teachers? Hopefully. But will this teacher be able to teach them any Iranian or Jewish values? Could it be their religious leaders? What if they are not that religious? Could it be their older brothers and sister? I certainly hope so. But are these brothers and sisters taught properly to be able to act as role models to our next generation?

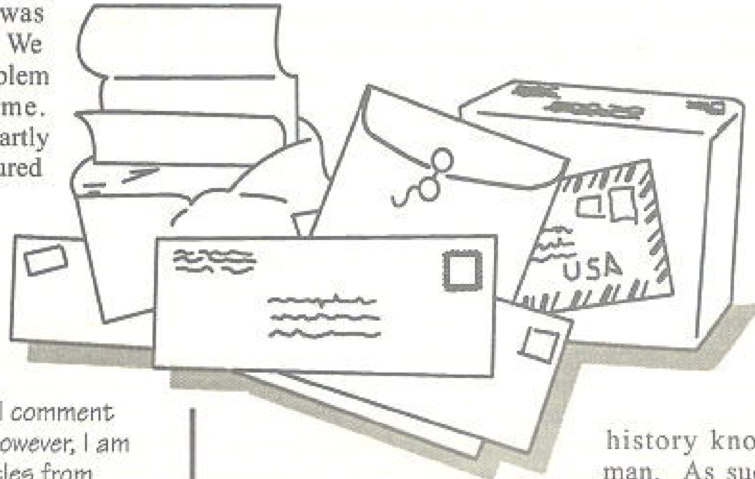
Then I wondered how the other minorities in the United States deal with this problem. Black Americans have Dr. Martin Luther King as a leader, not to mention a number of athletes, political leaders and intellectuals as role models. Hispanics also have all of the above. I asked my Chinese American friends and they have their own. My Indian American[7] friends have their own role models as well. I am not quite sure what's the situation with non-Jewish Iranians. But I am sure of something: even if there are some leader or role-models, they are not widely known.

Isn't it sad that a community such as ours is failing to produce a clear role model for our children?

Who is our role model? I'd like to give you this

MAILBAG

Though the following letter was addressed to Sound Off, the writer was generous enough to include his name. We took that to mean that he had no problem with us mentioning his name. Additionally, since his comments are partly directed at us, at the magazine, we figured Mail Bag was the section in which this letter should appear. That way we can respond!



"Dear Sir or Madam,

You have an excellent magazine and I comment the work that you are trying to do. However, I am sick and tired of reading stories/articles from people wining about the "bad points" of our Persian culture (e.g. double standard for money, overprotective or overly intrusive parents, etc.). If after 15 years of being in America people still can't live their lives without worrying about what others might say about them or do to them, then they will never do. Can we get on to bigger, better, and more important things that affect us (e.g. crime, health care, education).

Sincerely,
Afshin David Youssefyeh"

Dear Afshin:

Allow me to begin by clarifying your address-- it's technically Miss, but most people call me Jeny. Since I am the editor, I get the pleasure of responding to readers! Thank you for the complement, we appreciate your readership and commend YOU for having the courage to first, write to us, and secondly, to include your name.

I understand that you are frustrated with the repetition of certain themes, but unfortunately, the length of our stay in this country has little to do with our problems. In any culture, you will find certain idiosyncrasies specific to that culture. If it sounds as though we are Persian Bashing, please do not misunderstand. IJF and Chashm Andaaz magazine celebrate a glorious culture that has maintained since the earliest history known to man. As such, we are dedicated to dealing with issues that concern the many members of our society. The issues you have read about concern us and concern our readers. However, we have also addressed health, politics, drugs and alcohol abuse, historical information, education, and too many other issues to count.

If you feel that we have neglected something, by all means, we welcome your assistance and contribution to the magazine. We are entirely run and produced on a volunteer basis. Contributors give of themselves freely and openly, when they can. However, there is simply not enough to go around. So, contributors will continue to write about what interests and concerns them. Until these issues are resolved, they will plague us all, one way or another.

QUESTION!!!:

Have you lied about your age?
Tell us if you are male or female

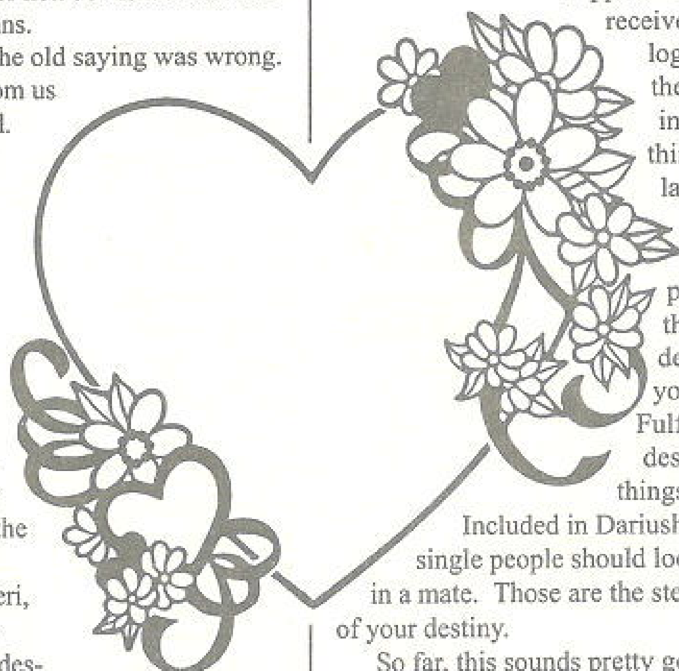
FAX, PHONE OR WRITE US YOUR ANSWER...

Blood, Love and the Pursuit of Happiness

BY JENY ESHAGHIAN

My father tells me that a local hospital has a wall dedicated to blood donors. He noticed this as he sat patiently, allowing the slow extraction of blood from his arm, for a good cause. So, as he sat, hoping that someone's life would be saved with his blood, he read the names on the wall of donors. He tells me people of various nationalities are honored on that wall. . . no Iranians though. Try as he might, he could not find a single Persian name, Jewish or non-Jewish. . . lot's of American Jews, but no Iranians.

I suggested that perhaps the old saying was wrong. It's not easier to get blood from us than money. It's equally hard. (Bless you, Dad, for caring.)



It's another grey, sprinkling day in Los Angeles. What happened to the sun? I'm drowning here! So, as the weather goes, so too does my article: Melancholy!

I've been thinking about something for a while. Many of my friends fear that I'm becoming obsessed, but the concept of destiny or fate intrigues me. Dariush (Fakheri, the 'editor's editor') believes strongly in our "magnificent destiny." He believes that we are destined for great things, but that we do have the ability to change our destiny. In short, he believes that you can mess it up, so to speak.

Not so with others. Destiny is defined by the American Heritage College Dictionary as "A predetermined course of events considered as something beyond human control," (p. 378). Some friends of mine agree with the definition that destiny in inherently unchangeable, predetermined and fated to happen. One said that destiny takes your personality and your choices into consideration – sort of a deductive forecasting. I'm not certain I'm comfortable with the concept that I cannot change my pre-written destiny. I'm not saying I would want to, but I seem to simply chafe at unchangeable situations.

Fate, the power or force that controls destiny, sounds suspiciously divine. Well, that's o.k., I believe in the Lord. I'm just uncertain about the passive connotation of the whole principal. Iranians passively accept "Ghesmat" (farsi for destiny). This cannot be right. You cannot sit around and wait for things to happen. You must give to receive. That sounds more logical to me, rather than the concept of just hanging out, hoping that good things will drop into your lap without any provocation. I guess I believe in Dariush's philosophy of destiny; that while you may be destined for something, you must make it happen. Fulfill your magnificent destiny by doing great things. Not bad, go on, I say.

Included in Dariush's sage advice is that single people should look for love and respect in a mate. Those are the steps to fulfilling one part of your destiny.

So far, this sounds pretty good, doesn't it? But I bet some of you are still confused about why I started talking about giving blood, then destiny and now love.

Life is all about giving, of loving and experiencing. There is nothing to be gained by standing in the shadows, watching others. We are too passive by far. We believe in planning for the future, but we wait for "IT" to happen. Why not make IT happen, whatever IT is? If you feel strongly about something, take action. Each day, we die a little. This is morbid, I know, but true nonetheless.

I always wonder to myself what I would regret if this was my last day (stay calm Mom, it's just a question!). What would you regret? What are you going to do about it?

BY JENY ESHAGHIAN

Welcome back! I trust that by the time you have received this issue, you have experienced (and survived) the Seder. Happy Passover to you all!

A noteworthy date to remember includes Yom Ha'Shoah, also known as the Holocaust remembrance day, on April 23. In this issue, **Zev Garber** explores this tragedy in a historical article about the last hanging in Auschwitz.

You may have noticed that the last issue was a bit on the thin side, but not so this time! We are filled to capacity with wonderful articles about life, love and the pursuit of happiness!!! In honor of Spring, the season of love, we have explored a variety of views and opinions about relationships.

Our featured author, **Shideh Hannassab, Ph.D.**, is an expert and studies, among other things, all manner of relationships in the Iranian culture. Also following the theme of relationships, Soheil Navidbakhsh has also written a practical guide to listening and dealing with conflict constructively. Pay attention gang, this one's real helpful! I actually suggest that you cut/copy out the piece and keep it handy. These articles are joined by **Robert Salehrabi** and **Katherine Eshaghian** (no relation to me-alas), in expressing views and opinions about relationships.

Man on the Street, Sound Off and **Mailbag** represent our two-way interaction with you, our readers. See if you agree. If not, do tell... write or call (voice mail: (310) 535-9309).



In this issue's **Health & Wellness, Sabrina Shokry** dispels the myth of the magical olive oil. Sorry, it isn't a cure-all.

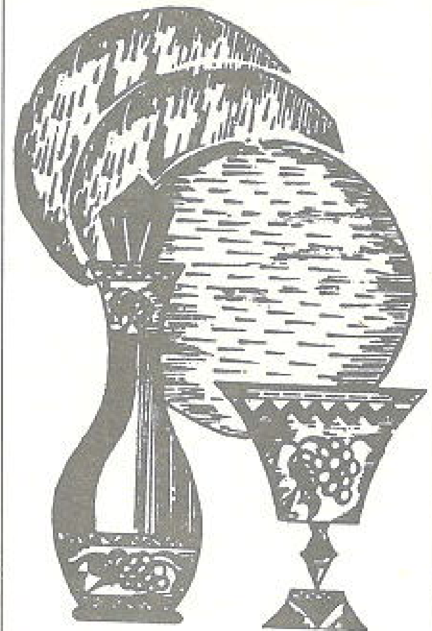
Mansour Behnami is back in **Humor & Literature**, and he's a bit peeved. On a more somber note, Majid Abai, follows his friend's train of thought and explores our society's lack of leadership. Majid has a few suggestions to which you may wish giving some thought. Check it our... **Opinion** is our newest section. If you like, you are welcome to either respond, or contribute your own opinion in our next issue.

I'm back this month, with an all new editorial. Blood, Love and the Pursuit of Happiness is the culmination of many discussions and a great deal of soul-searching. Corny, but true, the issue of destiny is one that consumes many people in our culture. I wanted to know where fates stops and where actions start. Let me know what you think.

Thanks and keep in touch!

CHASHM ANDAAZ
Published by:
International Judea Foundation
(Non- Profit Organization)
An affiliated Organization of
Jewish federation Council
of Greater Los Angeles
P.O. Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel. (310) 479- 4798
Fax (310) 445- 5488
Editor in Chief
Dariush Fakheri
English Section Editor
Jeny Eshaghian
Associate Editors
Asher Aramnia
Shahram Siman
Hebrew Section Editor
David Fakheri
Articles published are not necessarily the views of International Judea Foundations. CHASHM ANDAAZ. does not endorse the good and services advertised in its pages, and makes no representations as to the kashrut of food products and services.
All rights reserved.

Happy Passover





کیترینگ گلت کاشر شادی

SASON CATERING

آبروی شما، آبروی ماست



اگر مهمانان خود را واقعاً دوست دارید فقط با کیترینگ گلت‌کاشر **شادی** از آنان پذیرائی نمایید.

اگر غذای لذیذ و دلچسب و سرویس خوب و به موقع می‌خواهید کیترینگ گلت کاشر **شادی** را انتخاب نمایید.

کیترینگ گلت کاشر **شادی** زیر نظر ربانوت ایرانی و امریکایی یا زیر نظر هر مقام مذهبی که شما معرفی نمایید از مهمانان شما پذیرائی می‌نماید.

کیترینگ گلت کاشر **شادی** مورد تأیید همگان

با یک تلفن، ما به شما آسایش خیال می‌دهیم

تلفن: ۵۹۸۲-۶۵۹(۳۱۰) عضو ۰۸ ایرانیان پیجر: ۸۸۸۵-۵۸۸(۳۱۰)

NOW YOU CAN SAVE MORE THAN EVER

The New AirTouch™ Message Phone Is Here!



- The AirTouch Message Phone is a cellular phone, a pager and an answering machine all in one.
- Now you can receive pages on your cellular phones– and return the call with just the touch of a button.
- This phone lets you know when you have voice mail messages – so you don't waste time checking for messages.
- You can also receive short messages right on the phone display – even when the phone is off.

• $49 Programming fee is required.

Available Only from **AirTouch™ Cellular**

JUST CALL 1-800-79-CELLULAR FOR THE LOCATION NEAREST YOU.



Authorized Agent for

AIRTOUCH™ Cellular

131 N. La Brea Ave. • Los Angeles, CA 90036 • Tel. (213) 930-8888 • Fax (213) 930-8899
12915 Ventura Blvd. • Studio City, CA 91604 • Tel. (818) 784-8888 • Fax (818) 784-8898
17200 Ventura Blvd. # 229 • Encino, CA • Tel. (818) 386-9000 • Fax (818) 386-0300

The PC-550 is a closeout model. New model will have additional Display Messaging features, $9.95/mo. for Display Messaging Service required for voice mail and paging features. Regular airtime charges apply. © 1995 AirTouch Cellular. All rights reserved. $49 Programming fee is required.

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 1562
Van Nuys, CA

International Judea Foundation
P.O.Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212

